



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه قرآن و حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته الهیات

گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

بررسی تطبیقی ماهیت و احکام مقررات بیمه در حقوق ایران و فقه مذاهب اسلامی

استاد راهنما:

ابراهیم شفیعی سروستانی

دانشجو:

سید محمد حسن پور موسوی

مهرماه ۱۳۹۹

بسم الله الرحمن الرحيم

تعهدنامه اصالت و حقوق رساله / پایان نامه

اینجانب سیدمحمدحسن پورموسوی دانشجوی ورودی ۱۳۹۷ مقطع کارشناسی ارشد رشته الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی که موضوع پایان نامه‌ام با عنوان: «بررسی فقهی ماهیت و آثار بیمه در حقوق ایران و فقه مذاهب اسلامی» در شورای علمی گروه آموزشی فقه و مبانی حقوق اسلامی به تصویب نهایی رسیده است، تعهد می‌دهم:

الف) همه مطالب و مندرجات پایان نامه‌ام حاصل تحقیقات شخصی‌ام تهیه شده است و در صورت استفاده از مطلب، نتیجه تحقیقات، نقل قول‌ها، جداول و نمودارهای دیگران، منابع و مآخذ آن را مطابق با شیوه نامه دانشگاه ذکر نموده‌ام.

ب) حقوق مادی و معنوی دانشگاه را درباره این اثر محترم بشمارم، در صورتی که نتایج این تحقیق را در کتاب، مقاله، اختراع، اکتشاف و هرگونه تولید علمی دیگری منتشر کنم، با نام «دانشگاه قرآن و حدیث» بوده و مطابق با ضوابط آن عمل نمایم.

ج) در صورت استفاده از حمایت‌های مالی و غیرمالی نهادهای دولتی و غیردولتی در این تحقیق، مراتب را کتباً به امور پایان نامه‌های دانشگاه اطلاع دهم.

د) چنانچه در هر شرایط و زمانی، خلاف تعهدات فوق ثابت شود، دانشگاه را در اتخاذ هر نوع تصمیم حقوقی مختار می‌دانم و نسبت به تصمیم اتخاذ شده ادعا و اعتراضی ندارم.

نام و نام خانوادگی دانشجو: سیدمحمدحسن پورموسوی

تاریخ و امضاء:

تقدیم به

چهارده معصوم هستی (علیهم السلام) و شهدای گرانقدر اسلام و امام شهیدان انقلاب اسلامی ایران
که با جان فشانی خود حافظ معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام هستند.

سپاسگزاری

از تمام کسانی که بنده را در نگارش این پایان نامه یاری نمودند خصوصاً از استاد راهنما جناب آقای دکتر ابراهیم شفیعی سروسناری و همچنین از خانواده خود صمیمانه سپاسگزارم.

چکیده فارسی

فقیهان و اندیشمندان اسلامی، اعم از شیعه و سنی، متفقاً به مشروعیت بیمه‌های تعاونی فتوا داده‌اند. اما در مورد بیمه‌های خصوصی یا بازرگانی، اعم از بیمه‌های اشیاء و اشخاص، اختلاف نظر وجود دارد؛ اکثریت فقهای شیعه، بیمه اشخاص را صحیح و شرعی می‌دانند، اگرچه راه‌هایی را که پیموده‌اند، متفاوت است. با توجه به مطالب موجود و ابهاماتی که در مورد این مسئله وجود دارد ما در این رساله به بررسی تطبیقی ماهیت بیمه در حقوق ایران و فقه مذاهب اسلامی و همچنین بررسی احکام آن پرداختیم. با این تطبیق در می‌یابیم که ماهیت بیمه عقد است، هرچند در فقه شیعی از جهت استقلال و عدم استقلال آن اختلاف نظر وجود دارد، لکن در حقوق چنین اختلافی به نظر نمی‌رسد و از طریق این تطبیق و بررسی می‌توان به اشکالات و شبهاتی در خصوص بیمه در فقه و حقوق رسید که اکثر این اشکالات قابل پاسخگویی نیز می‌باشد. در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای و از منابع متعدد فقهی و حقوقی از جمله کتب، مقالات، پایان نامه‌ها و نرم افزارهای موجود در این رابطه استفاده شده است، که حاصل این تحقیق نتایج بسیاری می‌باشد. از این بررسی تطبیقی در می‌یابیم که بیمه، عقدی مستقل و لازم است و همانند عقود لازمه از یک طرف مشمول ادله عامه می‌باشد که طرفین ملزم به محترم شمردن آن می‌باشند و از طرف دیگر باید شرایط کلی صحت عقد از قبیل: قصد و رضا، اهلیت و... در انعقاد قرارداد بیمه ملحوظ شود. بیمه نیز همانند سایر عقود، نیاز به قرارداد دارد که به اصطلاح فقهی باید به صورت ایجاب و قبول بین بیمه گر و بیمه گذار جاری شود. همچنین طبق قوانین موجود (مواد ۲۱ و ۲۲ قانون بیمه) ماهیت بیمه از منظر حقوق، مسئولیت مدنی است که هدف از آن جبران خسارت است نه ایجاد سود. با قرار دادن مسئولیت به عنوان ماهیت، بیمه قانون گذار به دنبال توسعه حمایت‌های بیمه‌ای می‌باشد و با این بیان بیمه شامل مسئولیت در خصوص جنایات هم می‌شود و یکسان بودن دیه زن و مرد، عدم تأثیر مذهب در پرداخت دیه، پرداخت خسارت معنوی و... از موارد احکام بیمه به شمار می‌آید و برای توسعه بیمه باید به دنبال رفع نواقص موجود باشیم.

کلیدواژه: احکام بیمه، بیمه شخص ثالث، حقوق بیمه، عقد بیمه، ماهیت بیمه



Univesity of Quran and Hadith
Faculty of Qoran and Knowledge

Filed of Study: Jurisprudence and Principles of Law

Major: Theology and Islamic Law

Academic Degree: M . A .

Title of Thesis: Comparative study of the nature and provisions of insurance regulations in Iranian law and jurisprudence of Islamic religions

Name and surname: seyed mohamad hasan purmoosavi

Supervisor: Mr. ebrahim shafiee sarvestany

End date of thesis: 21 Octobr 2020

Abstract: Islamic jurists and thinkers, both Shia and Sunni, have unanimously issued fatwas on the legitimacy of cooperative insurance. The majority of Shiite jurists consider the insurance of individuals to be correct and legal, although the paths they have taken are different. Given the existing material and the ambiguities that exist about this issue, in this dissertation we have comparatively examined the nature of insurance in Iranian law and the jurisprudence of Islamic religions, as well as its rulings. With this adaptation, we find that the nature of insurance is a contract, although in Shiite jurisprudence there is a difference of opinion regarding its independence and non-independence, but there does not seem to be such a difference in law. In jurisprudence and law, most of these problems can be answered. In this research, the library method and various jurisprudential and legal sources, including books, articles, dissertations and software in this regard have been used, which is the result of many results. From this comparative study, we find that insurance is an independent and necessary contract and, like the required contracts, on the one hand, it is subject to public arguments that the parties are obliged to respect, and on the other hand, the general conditions of the contract such as: intention and consent, competence And ... be considered in concluding the insurance contract. Insurance, like other contracts, requires a contract, which, according to jurisprudence, must be required and accepted between the insurer and the insured. Also, according to the existing laws (Articles 21 and 22 of the Insurance Law), the nature of insurance from the point of view of law is civil liability, the purpose of which is to compensate damages and not to make a profit. By placing responsibility as

nature, the legislature seeks to develop insurance protections, and with this statement, insurance includes responsibility for crimes, and the equality of blood money between men and women, the lack of influence of religion in the payment of blood money, moral damages, etc. It is one of the cases of insurance provisions And to develop insurance, we must seek to eliminate the existing shortcomings

Keywords: The nature of insurance, Insurance provisions, Third Party insurance, Insurance rights, Insurance Provisions

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات و مفاهیم	۱
۱ - ۱. کلیات	۱
۱ - ۱ - ۱. تبیین موضوع	۱
۱ - ۱ - ۲. سؤالات تحقیق	۲
۱ - ۱ - ۲ - ۱. سؤال اصلی	۲
۱ - ۱ - ۲ - ۲. سؤال فرعی	۲
۱ - ۱ - ۳. فرضیه تحقیق	۳
۱ - ۱ - ۴. اهداف و ضرورت تحقیق	۴
۱ - ۱ - ۴ - ۱. اهداف	۴
۱ - ۱ - ۴ - ۲. ضرورت	۴
۱ - ۱ - ۵. پیشینه تحقیق و امتیاز پژوهش	۵
۱ - ۱ - ۵ - ۱. کتاب‌ها	۵
۱ - ۱ - ۵ - ۲. مقالات	۶
۱ - ۱ - ۵ - ۳. پایان نامه‌ها	۶
۱ - ۱ - ۶. تاریخچه بیمه	۷
۱ - ۱ - ۶ - ۱. پیشینه تاریخی بیمه قبل از اسلام	۸
۱ - ۱ - ۶ - ۲. پیشینه تاریخی بیمه در عصر اسلام	۹

۱ - ۱ - ۶ - ۳. پیشینه تاریخی بیمه در قانون ایران.....	۱۳
۱ - ۲. مفاهیم.....	۱۵
۱ - ۲ - ۱. تعریف لغوی واصطلاحی بیمه.....	۱۵
۱ - ۲ - ۱ - ۱. بیمه در لغت.....	۱۵
۱ - ۲ - ۱ - ۲. بیمه در اصطلاح.....	۱۶
۱ - ۲ - ۲. تعریف لغوی واصطلاحی عقد.....	۱۹
۱ - ۲ - ۲ - ۱. عقد در لغت.....	۱۹
۱ - ۲ - ۲ - ۲. عقد در اصطلاح.....	۱۹
فصل دوم: ماهیت بیمه.....	۲۴
۱ - ۲. ماهیت بیمه در فقه مذاهب اسلامی.....	۲۴
۱ - ۲ - ۱. دیدگاه فقهای اهل سنت.....	۲۴
۱ - ۲ - ۱ - ۱. بیمه تعاونی.....	۲۴
۱ - ۲ - ۱ - ۲. بیمه اجتماعی.....	۳۰
۱ - ۲ - ۱ - ۳. بیمه تجاری.....	۳۵
۱ - ۲ - ۲. دیدگاه فقهای امامیه.....	۳۸
۱ - ۲ - ۱ - ۱. قائلین به غیر مستقل بودن عقد در بیمه.....	۳۸
۱ - ۲ - ۱ - ۲. قائلین به مستقل بودن عقد در بیمه.....	۵۴
۱ - ۲ - ۳. نقد قائلین به غیر مستقل بودن عقد بیمه و ادله قول اقوی.....	۵۹
۱ - ۲ - ۳ - ۱. نقد قائلین به غیر مستقل بودن عقد در بیمه.....	۵۹

۶۴	۲ - ۱ - ۳ - ۲. ادله قائلین به مستقل بودن عقد در بیمه
۷۰	۲ - ۲. تطبیق بیمه با فقه اسلامی
۷۰	۲ - ۲ - ۱. نوع مقررات بیمه در فقه
۷۱	۲ - ۲ - ۱ - ۱. تطبیق بیمه بر تعریف عقد
۷۴	۲ - ۲ - ۲. تطبیق بیمه با قواعد عامه فقهی
۷۴	۲ - ۲ - ۲ - ۱. بیمه وقواعد فقهی
۸۴	۲ - ۲ - ۲ - ۲. بیمه و اصول
۸۵	۲ - ۳. ماهیت عقد بیمه و مقررات مربوطه در حقوق ایران
۸۵	۲ - ۳ - ۱. ماهیت قرارداد بیمه در حقوق ایران
۸۵	۲ - ۳ - ۱ - ۱. دیدگاه‌های حقوقی بیمه
۱۰۴	۲ - ۳ - ۱ - ۲. ادله دیدگاه‌های حقوقی بیمه
۱۱۰	فصل سوم: احکام مقررات بیمه
۱۱۰	۳ - ۱. مقررات بیمه در حقوق و فقه
۱۱۰	۳ - ۱ - ۱. اوصاف حاکم بر عقد بیمه
۱۱۰	۳ - ۱ - ۱ - ۱. لازم بودن عقد بیمه
۱۱۱	۳ - ۱ - ۱ - ۲. الحاقی بودن عقد بیمه
۱۱۲	۳ - ۱ - ۱ - ۳. استمراری بودن عقد بیمه
۱۱۳	۳ - ۱ - ۱ - ۴. بیمه عقدی احتمالی و معلق است
۱۱۳	۳ - ۱ - ۱ - ۵. بیمه عقدی رضایی است و نه تشریفاتی

- ۳- ۱- ۱- ۶. بیمه عقدی رضایی است و نه عینی..... ۱۱۴
- ۳- ۱- ۱- ۷. بیمه عقدی مبتنی بر حسن نیت است..... ۱۱۵
- ۳- ۱- ۱- ۸. منجز بودن عقد بیمه..... ۱۱۶
- ۳- ۱- ۲. صورت عقدبیمه..... ۱۱۶
- ۳- ۱- ۲- ۱. عناصر اصلی قراردادییمه..... ۱۱۶
- ۳- ۱- ۲- ۳. موضوع قرارداد بیمه..... ۱۲۳
- ۳- ۱- ۲- ۴. عوضین قرارداد بیمه..... ۱۲۵
- ۳- ۱- ۳. مسئولیت بیمه در انواع جنایات..... ۱۲۶
- ۳- ۱- ۳- ۱. جنایت عمدی..... ۱۲۶
- ۳- ۱- ۳- ۲. جنایت شبه عمد..... ۱۲۷
- ۳- ۱- ۳- ۳. جنایت خطای محض..... ۱۲۷
- ۳- ۲. راه‌های توسعه بیمه..... ۱۳۰
- ۳- ۲- ۱. قوانین ایران و توسعه بیمه..... ۱۳۰
- ۳- ۲- ۱- ۱. تساوی دیه اقلیت‌های دینی با دیه مسلمان و عدم تأثیر جنسیت..... ۱۳۰
- ۳- ۲- ۱- ۲. ملاک تعیین خسارت در تصادف دو وسیله نقلیه..... ۱۳۲
- ۳- ۲- ۱- ۳. راننده مقصر تصادف منجر به فوت، که از وراثت باشد..... ۱۳۳
- ۳- ۲- ۱- ۴. رابطه بیمه با بیت المال..... ۱۳۳
- ۳- ۲- ۱- ۵. خسارت معنوی..... ۱۳۷
- ۳- ۲- ۱- ۶. امکان پرداخت هزینه معالجه توسط بیمه..... ۱۳۷

۱۴۰	۳- ۲- ۱- ۷. گسترش مسئولیت بیمه در پرداخت دیه
۱۴۳	۳- ۲- ۲. رفع نواقص قانون بیمه
۱۴۳	۳- ۲- ۲- ۱. تعریف بیمه
۱۴۴	۳- ۲- ۲- ۲. خسارت ناشی از کار افتادگی
۱۴۵	۳- ۲- ۲- ۳. پرداخت خسارت بیمه گذار به ولی فقیه
۱۴۶	۳- ۲- ۲- ۴. جرائم و مجازات‌های پیش بینی نشده در قوانین بیمه
۱۴۸	خاتمه و نتیجه گیری کلی پایان نامه
۱۴۸	الف- نتیجه گیری کلی
۱۵۲	ب- پاسخ به پرسش اصلی
۱۵۳	ج- مشکلات و محدودیت های تحقیق
۱۵۳	د- پیشنهادات
۱۵۵	فهرست منابع و مآخذ
۱۵۵	الف) کتاب‌های فارسی
۱۵۹	ب) کتاب‌های عربی
۱۶۱	ج) مقالات
۱۶۲	د) پایان نامه‌ها
۱۶۲	و) سایت‌ها

فصل اول: کلیات و مفاهیم

این فصل در رابطه با مفاهیم و کلیات هست که در ادامه در دو مبحث مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- ۱. کلیات

۱- ۱- ۱. تبیین موضوع

حقوق بیمه از جمله موضوعات نسبتاً جدیدی است که از لحاظ موضوع و اقسام، دارای طیف وسیع و گسترده‌ای می‌باشد. پیدایش بیمه، بدان جهت بوده که انسان بتواند راهی عملی برای حمایت از خویش‌تن در مقابل حوادث و خطرهای بیلد. باتوجه به حقایق امر بیمه و نقش آن در زندگی انسان، معامله بیمه به عنوان یک موضوع مستحدث و جدید مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گرفته است. حقوق بیمه از جمله موضوعاتی است که از لحاظ موضوع و اقسام، دارای طیف وسیع و گسترده‌ای است که با توجه به اهمیت آن در دهه‌های گذشته به صورت ویژه در علم حقوق به آن توجه شده است و به همین جهت در فقه اسلامی به عنوان موضوعی جدید علمای اسلامی به تبیین آن

پرداخته‌اند.

با توجه به این مطلب که اصل اولی در جبران خسارت و ضرر و زیان ناشی از جرم بر اساس شخصی بودن مجازات‌ها متوجه شخص بزه‌کار است نه غیر وی، لیکن استثنائاتی بر این اصل در فقه و به تبع آن در حقوق وارد شده است که مهم‌ترین آن‌ها ضمان عاقله به معنی اعم کلمه است که شامل: عصبه، ضمان جریره، ولای عتق و امام مسلمین می‌گردد ولی در این زمان بعضاً با انعقاد عقد بیمه نهاد سومی با عنوان شرکت بیمه متکفل پرداخت خسارت یا ضرر و زیان ناشی از جرم مثل پرداخت دیه در تصادفات گردیده است. برای فهم بهتر بیمه و تطبیق آن با قواعد فقهی باید دانست که بیمه، عقدی مستقل و لازم است و همانند عقود لازمه از یک طرف مشمول ادله عامه نسبت به تعهد والتزام، طرفین را ملزم به محترم شمردن آن، و مراعات شرایطی که مورد توافق طرفین در عقد بیمه قرار گرفته است، می‌شمارد و از طرف دیگر باید شرایط کلی صحت عقد از قبیل: قصد و رضا، اهلیت و... در انعقاد قرارداد بیمه ملحوظ شود. بیمه نیز همانند سایر عقود، نیاز به قرارداد دارد که به اصطلاح فقهی باید به صورت ایجاب و قبول بین بیمه گر و بیمه گذار جاری شود.

در این رساله علاوه بر بررسی ماهیت قرارداد بیمه از منظر فقه امامیه و اهل سنت به آثار این مقررات و شرایط آن از قبیل ماهیت بیمه در حقوق و فقه، نوع حق بیمه، جایز یا لازم بودن عقد بیمه، امکان فسخ، ادله صحت بیمه و امکان عملی این عقد در شرایط فعلی جامعه، شرایط طرفین عقد بیمه و تطبیق آن با دیگر نهادها از جمله عصبه، ضمان جریره، ولای عتق و بیت المال خواهیم پرداخت.

۱- ۱- ۲. سؤالات تحقیق

۱- ۱- ۲. ۱. سؤال اصلی

ماهیت و آثار بیمه در حقوق ایران و فقه مذاهب اسلامی چیست؟

۱- ۱- ۲. ۲. سؤال فرعی

۱. ماهیت بیمه در حقوق ایران و فقه مذاهب اسلامی چیست؟

۲. احکام بیمه در حقوق ایران وفقه مذاهب اسلامی چیست؟

۱-۱-۳. فرضیه تحقیق

۱. ماهیت بیمه در حقوق: به موجب ماده ۱۸۳ قانون مدنی و ماده ۱ قانون بیمه و دیگر مواد قوانین حقوق ایران بیمه عقدی مستقل، لازم، معاوضی، احتمالی و معلق، الحاقی و رضایی است.

ماهیت بیمه در فقه: برخی معامله بیمه را عقد مستقل و مشمول ادله صحت عقود دانسته و برخی عقد بیمه را از راه انطباق با عقود معهوده فقهی مانند: ضمان، صلح، هبه و غیره تصحیح کرده‌اند. به عقیده ایشان همه اقسام بیمه، اعم از بیمه اشیاء و اشخاص و مسئولیت مدنی صحیح هستند. نکته قابل ذکر این که فقهای شیعه، حتی الامکان سعی کرده‌اند که اولاً حکم عقد بیمه را باعرضه بر عمومات و اطلاعات ادله عقود بیان کنند و اگر این ادله را عام ندیدند، تلاش کرده‌اند از راه عرضه بیمه و انطباق آن با عقود معین، حکم به مشروعیت عقد بیمه بدهند در مقابل بیشتر علمای اهل سنت تنها بیمه تجاری را باطل و نامشروع دانسته و معتقدند که بیمه تجاری در بین عقود معین، مشابهی ندارد و به دلیل عدم انطباق بیمه با یکی از عقود معین، غیرشرعی است و به دلایلی از جمله وجود ربا، قمار، غرر و غبن باید حرام دانسته شود. ولی بیمه تعاونی را که در آن، نوعی همکاری برای رفع مشکل برای یکی از افراد گروه وجود دارد را جایز دانسته و افراد را تشویق به این نوع از بیمه می‌کنند. در صورت قائل شدن به هریک از این فروض، می‌توان احکام گوناگونی را برای بیمه متصور شد.

به هنگام تطبیق مقررات بیمه با فقه و حقوق در میابیم که عقد بیمه با شبهاتی مواجه است که شبهات وارد بر این عقد در فقه قابل توجیه است هرچند هم از جهت فقهی و همچنین حقوقی می‌توان برخی کاستی‌ها را برای بیمه بیان نمود ولیکن با تطبیق و بررسی با قوانین حقوق ایران می‌توان نواقص موجود را برطرف نمود.

۲. با بررسی تطبیقی ماهیت مقررات بیمه با مقررات جاری کشور و قواعد فقهی می‌توان احکام آن را بررسی و احصا نمود. که از جمله احکام بیمه می‌توان به اوصاف و اصول حاکم بر بیمه و صورت عقد و شرایط طرفین عقد بیمه اشاره نمود.

۱ - ۱ - ۴. اهداف و ضرورت تحقیق

۱ - ۱ - ۴. ۱. اهداف

۱. امروزه مساله بیمه در زندگی همه افراد جامعه دخیل بوده و همه اشخاص حقیقی و حقوقی با این مساله مهم سر و کار دارند لذا این افراد برای آشناسدن با حق و حقوق خویش در این زمینه لازم است با مبانی فقهی و اسلامی این مساله مطلع شوند تا فهم بهتر از ماهیت مقررات بیمه در بین آحاد جامعه ایجاد گردد.

۲. دیگر هدف این رساله نیز این می باشد تا با بررسی و تطبیق و مقارنه ماهیت مقررات بیمه با مقررات جاری کشور بتوان آثار عملی آن بررسی و احصا شود.

۳. با بررسی مساله بیمه و پرداختن به مبانی فقهی و حقوقی ماهیت آن می توان اولاً قوانینی وضع شود که مطابق با شریعت اسلام است و ثانياً این قوانین جوابگوی نیازهای اشخاص جامعه اعم از بیمه گر، بیمه گذار و بیمه شده باشد و از اجمال و نقص مبری باشد.

قواعد فقهی و تبیین نظرات فقهای اسلامی برای فهم بهتر کاربرد زیادی دارد و دانستن این قواعد و نظرات کمک قابل توجهی به حل مسائل در این موضوع خواهد نمود و از ابتلای به اشکالات مطرحه و کج روی ها در این باب می توان مصون ماند.

۱ - ۱ - ۴. ۲. ضرورت

۱. در شرایط فعلی کشور که اهمیت توسعه اقتصادی بر همگان واضح است یکی از موضوعات مهم و اثر گذار در توسعه اقتصادی موضوع بیمه نیز می باشد که بیمه با حفظ ثروت ملی، تضمین سرمایه گذاری ها از یک سو و جمع آوری پس اندازهای کوچک و سرمایه گذاری ذخائر و اندوخته های جمع آوری شده از دیگر سو به عنوان یک عامل اقتصادی نقش بسزائی در توسعه اقتصادی و بالابردن سطح اشتغال دارد. همچنین توسعه دامنه مقررات بیمه در راستای ایجاد امنیت اقتصادی و آرامش روانی در جامعه کمک شایانی می نماید.

۲. آنچه بر آن شد که به این موضوع پرداخته شود: اهمیت موضوع، کمبود تحقیق و پژوهش در زمینه

حقوق بیمه و ماهیت آن می‌باشد و همچنین عدم تطبیق و بررسی آن از منظر فقهی و اسلامی نیز هست و مهم‌تر عدم اطلاع از آثار بیمه در فروض مختلف فقهی است. اضافه می‌نماید تحقیقات دیگری در این زمینه هرچند اندک انجام شده است که از نظرات آنها استفاده شده است.

۳. با فهم بهتر و ترویج فرهنگ موضوع بیمه که منطبق با قواعد فقهی اسلامی نیز هست می‌توان در عصر حاضر که جامعه در معرض آسیب‌های گوناگون از جمله حوادث طبیعی و هم چنین فعالیت‌های زیانبار اقتصادی می‌باشد در بین افراد جامعه آرامش و اطمینان خاطر را بالابرد.

۱- ۱- ۵. پیشینه تحقیق و امتیاز پژوهش

در زمینه بیمه در فقه و حقوق کتاب‌ها، پایان نامه‌ها و مقالات متعددی نوشته شده که برخی از آنها به این شرح است:

۱- ۱- ۵- ۱. کتاب‌ها

فقهی:

۱) کتاب «بحوث فقهیه» نوشته شیخ حسین حلی، مؤسسه المنار، ۱۴۱۵ ق چاپ چهارم.

۲) کتاب «المسائل المستحدثة» نوشته سیدصادق حسینی روحانی، بیروت، دارالزهراء، ۱۳۹۳ م.

حقوقی:

۱) کتاب «بیمه در آینه فقه و حقوق» نوشته منصور رستمی اول، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش، چاپ اول.

۲) کتاب «بیمه و تامین اجتماعی در اسلام» محمدحسین ابراهیمی، انتشارات کویر، ۱۳۷۵ ش، چاپ اول.

۳) کتاب «بیمه در سیستم حقوقی اسلام» نوشته سیدمحمد خامنه‌ای، انتشارات تولید کتاب، ۱۳۸۱ ش.

۴) کتاب «بررسی فقهی عقد بیمه» نوشته احمد جمالی زاده، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش، چاپ اول.

۵) کتاب «مبانی و اصول حقوقی بیمه» نوشته همایون مشایخی، تهران مدرسه عالی بیمه، ۱۳۵۳ ش.

۱ - ۱ - ۵ - ۲. مقالات

- ۱) طهماسبی، جواد، «گفتمان دامنه مسئولیت در قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۷۸»، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۸.
- ۲) جمعی از پژوهشگران، «بیمه اجتماعی راه حل اجتماعی»، صنعت حمل و نقل، مطالعات، ۱۳۹۴.
- ۳) بهره ور، ابوالقاسم، «مبحث حقوقی بیمه»، مجله قانون و کلا، ش ۵۴، ۱۳۳۶.
- ۴) حسینی نژاد، حسین قلی، «فرضیه خطا و خطر ورای هیات عمومی دیوان کشور»، نشریه دانشکده حقوق، ش ۱، ۱۳۶۴ ش.

۱ - ۱ - ۵ - ۳. پایان نامه‌ها

- ۱) محمدی، مریم، «بررسی فقهی حقوقی نهاد تکافل با عنایت به ایرادات فقهی وارد بر بیمه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، ۱۳۹۲.
- ۲) فریار حسین، «قرارداد بیمه از دیدگاه فقه اسلامی»، پایان نامه دکتری رشته فقه و مبانی حقوق، ۱۳۵۵.
- ۳) زمانی جباری افسانه، «بررسی تطبیقی فقهی-حقوقی قانون بیمه اجباری با رویکردی به دیدگاه حضرت امام خمینی ره»، پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.

اما تمایز این پایان نامه با دیگر آثار موجود به این شرح است:

شیوه نگارش رساله حاضر به صورت مقایسه‌ای و به صورت تطبیق قوانین حقوقی با مبانی فقهی مرتبط با موضوع بیمه می‌باشد. که در بین آثار موجود کم‌تر توجهی به تطبیق این موضوع از دو منظر فقه و حقوق شده است. اکثر فقها در توضیح المسائل خود حکم بیمه را در ذیل مسائل مستحدثه بیان کرده‌اند یا در کتاب‌های فقهی خود به طور مختصر به آن اشاره نموده‌اند، از میان فقها شیخ حسین حلی در کتاب "بحوث فقهیه" و سیدصادق روحانی در "المسائل المستحدثه" مسئله بیمه را قدری با تفصیل بیان کرده‌اند. ایشان حکم بیمه را با تطبیق آن بر عقود معینه فقهی به دست آورده‌اند، البته جناب آیت

الله شیخ حسین حلی بیان می‌کنند که بیمه را می‌توان به عنوان یک عقد مستقل در نظر گرفت و به صحت آن با استناد به ادله حکم کرد. کتب اندکی در این زمینه نگاشته شده است که اکثر آنها به اختصار به بیمه پرداخته‌اند از جمله این کتب "بیمه در آینه فقه و حقوق" نوشته منصور رستمی اول و کتاب بسیار مختصر محمدحسین ابراهیمی به نام "بیمه و تامین اجتماعی در اسلام" را می‌توان نام برد. سیدمحمد خامنه‌ای نیز کتابی به نام بیمه در سیستم حقوقی اسلام نگاشته‌اند، ایشان در کتاب خود بیمه‌های اجتماعی را شرعی ولی بیمه‌های تجاری را غیر شرعی می‌دانند. کتاب دیگری که در این زمینه نگاشته شده است و تاحدودی از دیگر کتب جامع‌تر است کتاب احمد جمالی زاده به نام "بررسی فقهی عقد بیمه" است، که ایشان در کتاب خود مثل شیخ حسین حلی صحت بیمه را هم از طریق عمومات ادله و هم از طریق تطبیق آن با عقود معین، اثبات می‌کنند. همچنین پایان‌نامه‌هایی که در این زمینه نگاشته شده است من جمله پایان‌نامه آقای حسین فریار به نام قرارداد بیمه از دیدگاه فقه اسلامی، بیشتر بر اثبات صحت عقد بیمه از راه تطبیق آن بر عقود معین فقهی تاکید داشته‌اند.

از آنجا که بیشتر متون نگارش شده در این رابطه به تفسیر و تشریح قانون بیمه پرداخته‌اند لذا بر آن شدیم که در این تحقیق بیمه را از منظر فقه و قوانین موضوعه ایران مورد بررسی قرار دهیم تا با شناخت بهتر ماهیت بیمه و تبیین مشروعیت آن و پرداختن به احکام بیمه، به راه‌هایی برای گسترش بیمه در جامعه اسلامی دست یابیم. همچنین وجه تطبیقی بودن این پایان‌نامه می‌تواند کمک به سزایی برای شناخت ارتباط بین قوانین حقوقی و فقهی نماید.

۱-۱-۶. تاریخچه بیمه

در راستای فعالیت‌های موضوع شناسانه در مطالعات فقهی، هرگاه موضوع مورد نظر به آداب و رسوم اجتماعی و حقوق قوانین بشری مربوط باشد، فراتر از تاریخ نقلی و آشنایی با زمان وقوع وقایع باید سیر تکامل ظاهری آن مورد مطالعه قرار گیرد تا موضوع شناسی به صورت دقیق و با توجه به همه ابعاد آن انجام گیرد. به همین منظور در این گونه موارد، نگاهی تحلیلی به وقایع تاریخی جهت شناخت انگیزه‌های انسان‌ها و درک اهداف خارجی و خواستگاه درونی آنها لازم است. آگاهی از

تاریخ تحلیلی پدیده‌های قراردادی و اعتباری و قوانین و مقررات عرفی، بیشترین و بهترین روشنگری را در شناخت مفهوم و ماهیت آنها دارد، در نتیجه علاوه بر شناخت تاریخ نقلی، بررسی تاریخ تحلیلی این امور، ضروری است.

با توجه به فواید تاریخ تحلیلی امور اقتصادی و نهادهای عرفی و قانونی، ضرورت شناخت تاریخ تحلیلی بیمه در بررسی‌های فقهی و حقوقی روشن می‌شود، زیرا شناخت تاریخ بیمه به عنوان نهاد نو پیدا در زندگی اجتماعی انسان‌ها می‌تواند در شناخت اسباب و انگیزه‌های پیدایش آن و در نتیجه درک صحیح ماهیت آن نقش مؤثری داشته باشد. بنابراین بدون طی این مسیر نمی‌توان در مورد احکام بیمه که مبتنی بر شناخت ماهیت آن است به نتیجه صوابی دست یافت.

۱-۱-۶-۱. پیشینه تاریخی بیمه قبل از اسلام

بیمه به عنوان نوعی تعامل جمعی برای مقابله با مشکلات و یاری رساندن به افراد زیان دیده، ریشه در فطرت انسانی داشته و عمری به امتداد تاریخ بشری دارد، اما شکل گیری نظام بیمه به شکل سازمان یافته از پدیده‌های جدید بشر و زاینده علم و تمدن او است که پس از زندگی شهرنشینی ایجاد شده و با پیشرفت آن توسعه یافته است.

سوابق پیشینی که برای بیمه گزارش شده مربوط به ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد است. به استناد برگ‌های به دست آمده از پاپیروس، سنگتراشان حوزه سفلی مصر بین خود صندوقی دایر کردند که به آنها اجازه می‌داد تا در هنگام وقوع بعضی حوادث مصیب بار از کمک یکدیگر بهره مند شوند.^۱ نمونه دیگر، قانون حمورابی در دو هزار سال قبل از میلاد است که به وجود قراردادی به نفع حمل کنندگان کالا اشاره می‌کند که طی آن چنانچه مال التجاره بازرگانی در اثر تجارت یا دزدی یا سایر حوادث دچار خسارت گردید خسارت وارد شده به وسیله اهالی شهر بابل جبران شود که این نمونه‌ای از همیاری اهالی با بازرگانان زیان دیده است.

یهودی‌ها در معاملاتی که با دریانوردان؛ از جمله بابلی‌ها انجام می‌داده‌اند دارای قواعدی بودند؛ مثلاً

۱. عرفانی، توفیق. قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران. ص ۱۴.

اگر کسی کشتی خود را از دست می‌داد دیگران به هزینه خود برای او یک کشتی می‌ساختند و این تعهد نیز الزامی بود، مشروط بر این که فقدان کشتی بر اثر اشتباه ناخدای کشتی نباشد و کشتی نیز در جایی مفقود شود که عادتاً دریانوردان به آنجا می‌روند. این عمل به یک نوع بیمه دریایی شباهت داشته است. در فلسطین این رویه بین چارپاداران بوده است؛ مثلاً هرگاه صاحب چارپایی بر اثر مرگ یا فرار یا حمله حیوانات وحشی، حیوان خود را از دست می‌داد دیگران باید برای او چارپایی تهیه می‌کردند.^۱

قدیم‌ترین سند بیمه باربری که به دست آمده و هنوز موجود است در سال ۱۳۴۷ میلادی در شهر «ژن» از شهرهای ایتالیا صادر گردیده است. در زمینه حمل و نقل دریایی کالا برای اولین بار بیمه از قرن پانزدهم میلادی در کشورهای مدیترانه‌ای مشخصاً در ایتالیا ظهور کرد. پس از آن بیمه دریایی در اثر توسعه تجارت در کشورهای مختلف به وجود آمد. پس از آن به دلیل مسائل اقتصادی و اجتماعی و نیاز جامعه به امر بیمه، انواع دیگری از بیمه نیز پا به عرصه وجود گذاشت.

پیدایش بیمه عمر مکمل بیمه دریایی بود که بعد از بیمه کاپیتان و کارکنان کشتی، به مرور زمان به مسافران کشتی نیز تسری داده شد. بیمه عمر اولین بار در اواسط قرن هجدهم در کلوپ‌ها و اتحادیه‌ها که به صورت پرداخت هزینه کفن و دفن اعضا شروع شده بود از اوایل قرن نوزده و با شروع انقلاب صنعتی، تکامل یافت و به صورت یک نوع تأمین از طرف شرکت‌های بیمه ارائه گردید. از طرفی انقلاب مذکور حوادث متعددی را نظیر فوت و نقص عضو کلی و جزئی و از کارافتادگی دائم، یا موقت را به همراه آورد. این امر نیز موجب پیشرفت بیمه‌های حوادث انفرادی و گروهی گردید.^۲

۱-۱-۶-۲. پیشینه تاریخی بیمه در عصر اسلام

علیرغم ادعای برخی مبنی بر پیدایش قرارداد بیمه از دنیای غرب، واقعیت آن است که مفاهیم

۱. شبیانی، احمدعلی. تاریخچه پیدایش و تحول بیمه. نشریه ۲ مدرسه عالی بیمه. تهران ۱۳۵۲. ص ۲.

۲. شبیانی، احمدعلی. کلیات علم بیمه. ص ۱۰.

موضوعی به کار گرفته شده در قضایای دینی از زمان شارع مقدس نافی ادعای فوق است، زیرا عناوینی همچون (ضمان جریره) و (ضمان عاقله) نه تنها بیانگر وجود حقیقت (بیمه) انشائی و تکوینی از زمان شارع دینی است، بلکه بیمه را به عنوان (حق) یکی از حقوق اساسی انسان مسلمان و سایر انسانها در جامعه دینی می‌توان برشمرد.

توجه به این نکته نیز ضروری است در بسیاری از حوادث تاریخ زمان شارع دینی می‌توان به نحوی عصاره مفهومی (بیمه) را یافت. به عنوان مثال سخنان امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) در تقبیح رها شدن کارگر ناکارای یهودی است که سهمیه‌ای از بیت المال مسلمین برای تأمین معیشت زندگی وی تا پایان عمر در اختیار او قرار بگیرد و بنابر دستور آن حضرت به والی مصر از ردیف بودجه بیت المال مسلمین و درآمدهای مالیاتی سهمی برای کارافتادگان قرار داده شد. این موضوع هرچند از هویت عقدی یا ایقاعی بودن بیمه به دور است و صرفاً بیانگر وظایف حکومت دینی در قبال افراد فوق الذکر می‌باشد، ولی به روشنی گویای پیام مفهومی نیز می‌باشد. از این جهت نیز فرهنگ رسانان و ارادتی اقتصاد بیمه نمی‌توانند به وجود ابداعی بیمه در فرهنگ غرب اصرار ورزند و نبود آن را در فرهنگ اقتصادی شیعه را نقصانی برآن بیندازند، که در فرض نبود نیز باز نقصانی نیز نمی‌بود. بررسی تاریخی در حقوق اسلامی نشان می‌دهد که سابقه پیمان‌ها و قراردادهایی که شباهتی به بیمه‌های امروزی داشته‌اند به سالهای قبل از بعثت پیامبر (صلی الله علیه وآله) بر می‌گردد در دوران مذکور پیمانی به نام «حلف الفضول» بین جوانمردان قریش بسته شد؛ که پیمانی اخلاقی بود و به بیمه‌های اجتماعی و تعاونی شباهت داشت و در آن تعهد شده بود که اگر حقوق افرادی به وسیله ستمگران تضییع شود، آن را از ستمگران بستانند. پیامبر (صلی الله علیه وآله) اسلام که در این پیمان شرکت داشتند بعدها از آن به عنوان سند افتخار خود یاد کرده و می‌فرمایند: «لقد شهدتُ حلفاً فی دار عبدالله بن جدعان لو دعیتُ الی مثله لا جبتُ و ما زاد الاسلام الا تشدیداً؛ ارزش چنین پیمانی در

۱. عبدالملک ابن هشام. السیرة النبویة. ج ۱. ص ۱۴۱.

حمایت از ستمدیدگان و جبران خسارت به روشنی از کلام پیامبر (صلی الله علیه وآله) مشهود است». معاهده مدینه: نخستین اقدامی که پیامبر به عنوان حاکم اسلامی در ایجاد نظام سیاسی و در آغاز ورود به مدینه انجام داد، بستن دو معاهده و قرارداد بود که یکی بین طوائف مسلمان مهاجر و انصار و دیگری بین مسلمانان با یهودیان بود. در پیمانی که بین مسلمانان منعقد نمودند که اولین قانون اساسی مکتوب تاریخ بشریت است. در یکی از فرازهای این عهدنامه، آمده است که «مهاجرین و انصار و سایر قبایل طرف قرارداد و ساکن مدینه باید بر مبنای گروهی و طایفه‌ای در پرداخت خون بها و فدیة آزاد کردن اسرا و بدهی بدهکاران شرکت کنند»^۱.

و به این ترتیب سیستم قدیم بیمه‌های اجتماعی که در آن نوعی تعاون وجود داشت مورد تأیید اسلام قرار گرفت و توسعه یافت. قبل از این قرارداد در دوران قبل از بعثت نیز قراردادهایی نظیر ضمان جریره و ولاء موالات و ضمان عاقله در بین اعراب مرسوم بود که، شباهتی به بیمه شخص ثالث امروزی داشت، و با تغییراتی مورد تأیید اسلام قرار گرفت.^۲

با توجه به بررسی‌های انجام شده می‌توان گفت که تا قرن ۱۳ هجری در کتب فقهی نامی از بیمه به معنای امروزی به میان نیامده است ولی با توسعه روابط بازرگانی کشورهای اسلامی با کشورهای اروپایی، مسئله بیمه به عنوان یک مبحث فقهی جدید در کتب فقهی مطرح گردید و اولین مسئله‌ای که فقها با آن مواجه بودند پاسخ به این سؤال بود که آیا بیمه جزء یکی از عقود مطرح شده در فقه است یا عقد مستقلی است؟

اولین فقیه اهل سنت که در مورد بیمه اظهار نظر کرد «محمد بن عبدالعزیز ابن عابدین» فقیه معروف حنفی (متوفای ۱۲۵۴ ه ق) بود که آن را حرام دانست. در خاور میانه مسلمانان برای اولین بار در دولت عثمانی با بیمه آشنا شدند. امپراطوری مذکور که حکومتش بر پایه فقه حنفی بود به منظور گشایش کارهای بازرگانی و برقراری روابط تجاری با اروپا و تغییر روش‌های تجاری و به وجود

۱. احمدی میانجی، علی. مکاتیب الرسول. ص ۲۴۶.

۲. جمعی از نویسندگان پژوهشکده تحقیقات اسلامی. بررسی مبانی بیمه در اسلام. ص ۳۱.

آمدن تاسیسات حقوقی جدید، نیاز شدید به انواع قراردادهای بیمه مخصوصاً بیمه بازرگانی دریایی به نام «یاسکورتا» برگرفته از ریشه لاتین سکورس (ceccrus) معروف بود پیدا کرد و مجبور گردید که در سال ۱۲۸۰ ه. ق راجع به بیمه دریایی که به تجارت بین المللی مربوط می شد قانونی تصویب کند، ولی چون فقهای آن زمان بیمه را غیر شرعی تلقی می کردند و آن را نوعی قمار و شرط بندی می دانستند و به بطلان آن فتوا دادند؛ سلطان عثمانی نیز به خاطر مماشات با علما بیمه عمر را که منحصرأ به اتباع عثمانی و مسائل داخلی مربوط می شد مسکوت گذاشت. مقررات مربوط به بیمه دریایی جزء مواد قانون تجارت دریایی عثمانی مرسوم به «قانون التجارت البحریه» بود. که فصل یازدهم آن به بیمه دریایی اختصاص داشت و در آن بیمه دریایی با عقد ضمان که از عقود معینه اسلامی است مقایسه شده بود و در ماده ۱۷۵ قانون مذکور از قرارداد بیمه دریایی با عنوان عقد ضمان یاد شده است.^۱

اولین فقیه شیعه نیز که درباره بیمه اظهار نظر کرده آیت الله سید محمدکاظم یزدی (متوفی ۱۳۳۷ ه. ق) صاحب کتاب العروه الوثقی می باشد. وی نیز در مورد بیمه عمر اظهار نظر کرده و به غیر شرعی بودن آن فتوا داده است.^۲

با وجود تصویب قوانین جدید بیمه اشکال شرعی بیمه همچنان باقی ماند و مردم کشورهای مسلمان در مقام دفع مشکل شرعی بیمه به تأسیس شرکتهای بیمه تعاونی اقدام کردند. در این نوع بیمه که براساس آیه شریفه «تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى»^۳ تشکیل یافته و ریشه الهی و آسمانی داشت، شبهه ربا و قمار و شرط بندی واکل مال به باطل وجود نداشت و شرکتی بود که براساس تبرع و تعاون، نه به منظور سود جویی تشکیل یافته بود، و اگر سود مختصری هم به دست می آمد صرف هزینه پرسنل و

۱. صحرانورد، ابوذر. سابقه تاریخی بیمه و سیر تحول آن در اسلام و ایران. ص ۲.

۲. طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم. سؤال و جواب. ص ۱۸۸.

۳. سوره مائده. آیه ۲.

اداره آن می‌گردید.^۱

اما بیمه‌های تعاونی قادر به پاسخگویی نیاز جامعه نبودند و پیچیدگی‌های روابط اقتصادی و از سوی دیگر خطرات متعددی که فعالیت‌های اقتصادی و جنبه‌های دیگر زندگی انسان را تهدید می‌کرد که بیمه‌های تعاونی آنها را پوشش نمی‌داد باعث گسترش بیمه‌های بازرگانی شد و از سوی دیگر بسیاری از فقها رأی به صحت بیمه دادند. از تاریخ ۱۳۸۱ ه.ق مسئله بیمه به عنوان یکی از مسائل مستحدثه توسط آیت الله شیخ حسین حلی در حوزه علمیه نجف به بحث و ایراد و اظهار نظر گذاشته شد. در تاریخ ۱۳۴۳ قرارداد بیمه در درس خارج فقه امام خمینی مطرح شد و ایشان به حلال بودن کلیه عقود بیمه فتوا دادند.^۲

۱-۱-۶-۳. پیشینه تاریخی بیمه در قانون ایران

آغاز فعالیت جدی در زمینه بیمه در ایران را می‌توان سال ۱۳۱۰ هجری شمسی دانست، زیرا در این سال قانون و نظامنامه مربوط به ثبت شرکت‌ها در ایران به تصویب رسید و در پی آن بسیاری از شرکت‌های بیمه خارجی مسئولان کشور را متوجه ضرورت تأسیس یک شرکت بیمه ایرانی کرد. زیرا این شرکت‌های خارجی، بیمه‌های مورد نظر خود را با نرخ‌ها و شرایطی که خود صلاح می‌دانستند به مردم عرضه و عواید حاصله را از کشور خارج می‌کردند. بنابراین در شهریور ۱۳۱۴ شرکت سهامی بیمه ایران در مقابل ۱۳ شرکت بیمه خارجی با سرمایه ۲۰ میلیون ریال دولت تأسیس شد. بیمه ایران در شرایطی رقابت آمیز و دشوار برای رفع نیازمندی‌های بیمه‌ای کشور با نرخ مناسب و با نیت جلوگیری از خروج ارز از مملکت تشکیل شد.^۳

دو سال بعد از تأسیس شرکت سهامی بیمه ایران در سال ۱۳۱۶ اولین قانون بیمه ایران در ۳۶ ماده تدوین و به تصویب مجلس شورای ملی رسید. اقداماتی که پس از تأسیس بیمه ایران برای شکل

۱. صحرانورد، ابوذر. سابقه تاریخی بیمه و سیر تحول آن در اسلام و ایران. ص ۲.

۲. موسوی الخمینی، سیدروح الله. تحریرالوسیله، ج ۲. ص ۶۰۹.

۳. کریمی، آیت. کلیات بیمه. ص ۲۹.

دهی به بازار بیمه صورت گرفت توسعه بیمه را فراهم کرد. از جمله این اقدامات به عهده گذاشتن نظارت و کنترل صنعت بیمه در کشور به شرکت بیمه ایران است، لذا شرکت بیمه ایران پس از تأسیس علاوه بر اشتغال به امور تجاری بیمه در عین حال تبدیل به بازوی نظارتی دولت برای کنترل مؤسسات بیمه نیز شد.

در سال ۱۳۱۸ بیش از ۷۵٪ از بازار بیمه‌ای کشور در اختیار شرکت بیمه ایران قرار گرفت و ۵ شرکت بیمه خارجی که در آن زمان در ایران فعالیت می‌کردند، جمعاً موفق به کسب کمتر از ۲۵٪ از حق بیمه در بازار شدند. این روند ادامه داشت تا آنکه در سال ۱۳۳۱ براساس مصوبه هیئت دولت مبنی بر تحدید فعالیت بیمه‌های خارجی در ایران، همه شرکت‌های بیمه خارجی موظف شدند برای ادامه فعالیت خود در ایران مبلغ سرمایه گذاری خود را به ۲۵۰ هزار دلار برسانند. این تصمیم موجب تعطیل شدن همه نمایندگی‌ها و شعب شرکت‌های بیمه خارجی در ایران به استثنای دو شرکت بیمه یورکشایر و اینگستراخ شد. اولین شرکت بیمه خصوصی ایرانی به نام بیمه شرق در سال ۱۳۲۹ تأسیس شد و پس از آن تا سال ۱۳۴۳ به تدریج ۷ شرکت بیمه خصوصی دیگر به فعالیت بیمه‌ای پرداختند.

با افزایش تعداد شرکت‌های بیمه، ضرورت اعمال نظارت بیشتر دولت بر این صنعت احساس می‌شد. لذا در سال ۱۳۵۰ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری تصویب شد. بدین ترتیب با تأسیس بیمه مرکزی ایران و قانون مربوط به آن اولین بار در ایران فعالیت‌های بیمه گری تحت نظارت خاصی در آمد. از آن پس «شورای عالی بیمه» که یکی از ارکان بیمه مرکزی ایران است، ضوابط و مقررات مختلفی در زمینه نحوه اجرای عملیات بیمه‌ای در کشور و نرخ و شرایط انواع بیمه نامه‌ها تصویب کرد. در زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بازار بیمه ایران صحنه فعالیت یک شرکت دولتی (بیمه ایران) و دوازده شرکت خصوصی و دو شرکت بیمه خارجی بود. اما با تصویب قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ که طی آن نظام اقتصادی کشور به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم گردید و با تصمیم شورای انقلاب، صنعت بیمه در بخش دولتی در اختیار دولت قرار گرفت و بنابر تصمیم

شورای انقلاب ۱۲ شرکت خصوصی ملی اعلام شدند و پروانه دو شرکت خارجی لغو گردید. اما قانون گذار برای تعمیم بیمه و گسترش روز افزون آن با مبنا قرار دادن اصل ۴۴ قانون اساسی در شهریور ماه ۱۳۸۰ قانون تأسیس شرکت بیمه غیر دولتی را تصویب کرد.^۱

۱- ۲. مفاهیم

در قسمت مفاهیم واژه‌های مهم از جمله بیمه و عقد تبیین خواهد شد و همچنین اقسام بیمه به طور تفصیل بیان می‌گردد.

۱- ۲- ۱. تعریف لغوی واصطلاحی بیمه

واژه بیمه از واژگان مهم این پایان نامه است که از دو جهت لغوی واصطلاحی توضیح داده می‌شود.

۱- ۲- ۱- ۱. بیمه در لغت

برای شناخت مفهوم بیمه به دو دسته از منابع می‌توان مراجعه نمود: یکی منابع واژه شناسی و فرهنگ نامه‌های لغت فارسی است که بیشتر جهت آشنایی کلی با مفهوم این واژه بوده و به جزئیات و ویژگی‌های مفهومی آن نپرداخته‌اند. دیگری، منابع اصطلاحی مثل کتاب‌های قانونی حقوقی واصطلاح نامه‌های حقوق و قراردادها است. که در این فصل از هر دو منظر به تعریف بیمه خواهیم پرداخت. ابتدا از تعریف بیمه در لغت شروع مینمائیم.

اهل لغت بیمه را به گونه‌های مختلفی بیان نموده‌اند و در زمینه منشأ و ریشه لغوی واژه بیمه اتفاق نظر ندارند که به ذکر آن می‌پردازیم:

مرحوم علی اکبر دهخدا واژه بیمه را مأخوذ از زبان هندی می‌داند و آن را چنین تعریف کرده است: «بیمه ضمانت مخصوصی است از جان یا مال که در تمدن جدید رواج یافته است، این طور که برای شخص یا مال مبلغی به شرکت بیمه می‌دهند و در صورت اصابت خطر بر جان و مال، شرکت بیمه

۱. بابایی، ایرج. حقوق بیمه. ص ۱۱.

مبلغ معینی می‌دهد.^۱

مؤلف کتاب «فرهنگ فارسی» بیمه را از اصل «بیمه» (bima) (اردو و هندی) به معنای ضمانت دانسته است.^۲

در مقابل، برخی معتقدند که بیمه یک لغت خالص فارسی است و ریشه آن نیز به احتمال زیاد، واژه «بیم» به معنای ترس است^۳، زیرا عنصر اولی و اصلی در آن ترس از خطر است. مرحوم علی اکبر نفیسی بیمه را به معنای اطمینان در مقابل مخاطره محتمل الوقوع دانسته است.^۴

با نگاه به فرهنگنامه‌های متعدد می‌توان گفت بیمه در معنای لغوی بر دو معنا قابل اطلاق می‌باشد:

۱. التزام: به حالتی گفته می‌شود که شخص خود را ملتزم و متعهد به انجام عملی نماید.

۲. کفالت: به حالتی گفته می‌شود که شخص ملتزم به آماده کردن شخصی باشد.

۱ - ۲ - ۱. بیمه در اصطلاح

برای شناخت بیمه در بین دو منبع لغت و قانون، آنچه بیشتر مورد اعتماد بوده و ارکان و شرایط تحقق بیمه را گویاتر بیان می‌نماید، منابع قانونی و متون مصوب حقوقی است.

الف - بیمه در اصطلاح مقررات بیمه

در ماده یک قانون بیمه مصوب هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۱۶ ش. در زمینه تعریف بیمه آمده است: «بیمه عقدی است که به موجب آن، یک طرف تعهد می‌کند در ازای پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر، در صورت بروز حادثه، خسارت وارد بر او را جبران نموده و یا وجه معینی بپردازد. متعهد را بیمه گر، طرف تعهد را بیمه گذار، وجهی را که بیمه گذار می‌پردازد حق بیمه و آنچه را که بیمه می‌شود موضوع بیمه می‌نامند.»

۱. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا. ذیل واژه «بیمه».

۲. معین، محمد. فرهنگ فارسی معین. ذیل واژه «بیمه».

۳. جهانشاهی، محمد. «بیمه از نظر حقوق مدنی». مجله کانون وکلا. شماره ۴۲. سال ۱۳۳۴. ص ۱۰.

۴. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا. ذیل واژه «بیمه».

قانون گذار مصری در ماده ۷۴۲ قانون مدنی مصر در تعریف بیمه می‌گوید: «بیمه عقدی است که به موجب آن بیمه گر ملتزم می‌گردد مبلغی را یک مرتبه یا به صورت تدریجی و منظم یا هر نوع عوض دیگری، در صورت وقوع حادثه یا تحقق خطری که در عقد بیان گردیده، به بیمه گذار یا شخص دیگری که مبتنی بر قرارداد ذی نفع است، بپردازد. این التزام در ازای تعهد مشابهی است که بیمه گذار، مالی را به صورت اقساط یا یک مرتبه به بیمه گر پرداخت می‌نماید»^۱. همچنین تعریف قانون گذار عراقی از بیمه در قسمت نخست ماده ۹۸۳ قانون مدنی مصوب ۱۹۵۱ م، با تعریف قانون گذار مصری انطباق و شباهت فراوانی دارد.

ب- بیمه در اصطلاح حقوق

از نظر حقوقی، بیمه را می‌توان عقدی دانست که به موجب آن، یک طرف تعهد می‌کند در ازای پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر، در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارت وارده را جبران نموده یا وجه معینی بپردازد.^۲

برخی از نویسندگان فرهنگ حقوقی در تعریف عقد بیمه نوشته‌اند: «بیمه عقدی است که یک طرف (بیمه گر) در مقابل طرف دیگر (بیمه گذار) در صورت تحقق شرط یا فرارسیدن زمان مشخص، اداء آنچه که بر آن اتفاق شده است را در مقابل مبلغ معینی ملتزم می‌شود»^۳.

عقد بیمه عبارت است از این که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد. در عقد بیمه رابطه حقوقی که بین بیمه گذار و بیمه گر به وجود می‌آید منشاء تعهد است. متعهد که بیمه گر است تعهد می‌کند که تحت شرایط معینی در صورت بروز حادثه که به تعهد بیمه گر تحقق می‌بخشد از بیمه شده رفع زیان کند. جز بیمه عمر، اصولاً بیمه عقدی است لازم، عقد لازم آن است که هیچ یک از طرفین معامله حق فسخ آن را نداشته باشد مگر در موارد مشخص.

۱. سنه‌وری، عبدالرزاق. الوسیط فی شرح القانون المدنی. جزء ۷. ج ۲. ص ۱۰۸۵.

۲. قانون بیمه. ماده یک. مصوب ۱۳۱۶/۲/۷.

۳. جریج، منی. معجم المصطلحات القانونیه. ص ۱۱۰.

در برخی عبارتهای مربوط به معنای اصطلاحی بیمه آمده است: توزیع و تحمیل خسارت و زیان ناشی از حادثه معین یا غیرمعین اتفاقی یا حتی برای فرد یا افراد یا اموال و اشیاء به عهده شخص یا اشخاص غیر متضرر.^۱

ج- بیمه در اصطلاح فقه

بیمه عقد قراردادی است بین بیمه گر و بیمه گذار بدین صورت که بیمه گر ملتزم و متعهد می شود در مقابل دریافت وجهی که آن را حق بیمه می گویند در صورت بروز خسارت بر موضوع بیمه خسارت وارده یا بخشی از آن را جبران نماید و به بیمه گذار پرداخت کند.

انسان همواره برای جلوگیری از ضرر و جبران خسارتهای حوادث و پیش آمدهای ناگوار، دنبال چاره بوده است. یکی از راههای آن بیمه است که موجب آرامش خاطر نسبی شده و وفوادی دیگر بر آن مترتب است. اگرچه بهره وری از بیمه به روش فعلی که یکی از عقود متعارف تجاری و بین المللی است بیش از حدود شش قرن سابقه ندارد ولی از دیر زمان که انسانها در حمل و نقل مال التجاره های خود با خطراتی مواجه بوده اند از اقدامات دیگری، مشابه بیمه که سلامت مال التجاره آنها و یا جبران خسارت احتمالی را تضمین کند استفاده می کرده اند و این ریشه در فطرت سلیم انسانی دارد که برای جلب منفعت و جبران ضرر احتمالی اقدامات تامینی لازم را پیش بینی نماید.

در اصطلاح فقها نیز بیمه به معانی زیر اطلاق می شود:^۲

۱. کفالت نفس و مال در نزد جمهور فقها به غیر از فقهای حنفیه که به جای کفالت، واژه ضمان را به کار می برند.

۲. پرداخت غرامت متلفات و هر چیزی که غصب شده باشد.

۳. در نزد گروهی دیگر از فقها، ضمان مال؛ خواه در این راستا عقدی منعقد شده باشد یا خیر.

با مقایسه تعریف لغت شناسان و تعاریف اصطلاحی بیمه در می یابیم که میان مفهوم لغوی و معنای

۱. طالب، مهدی. تأمین اجتماعی. ص ۲۰ و فصلنامه بیمه مرکزی ایران. ش ۳. سال ششم. ص ۳۶.

۲. سیستانی، سیدعلی. توضیح المسائل. مسئله ۱۳۹۱ به بعد. تبریزی، میرزاجواد، توضیح المسائل، مسئله ۵۱۳ و ۵۱۴.

اصطلاحی واژه بیمه قرابت آشکاری وجود دارد. با وجود این نباید فراموش کرد تکامل مدنی انسان، بیمه را از یک عقد طرفینی بدون تأثیرپذیری از مشارکت دیگران خارج نموده است به گونه‌ای که این نهاد، امروزه با ملاحظات فنی و اقتصادی فراوانی با ایفای نقش خویش همواره در حال تکامل است.

۱-۲-۲. تعریف لغوی واصطلاحی عقد

۱-۲-۲-۱. عقد در لغت

در اصل به معنی جمع بین اطراف جسم و گره زدن و بستن می‌باشد و در اصطلاح عبارت است از ایجاب و قبول با ارتباطی که شرعاً معتبر است.

پس آن شامل سه امر ذیل می‌باشد:

الف — ایجاب. ب — قبول. ج — ارتباط مخصوص.^۱ و به عبارت دیگر چنانکه در تعریفات جرجانی آمده است: عقد ربط دادن اجزاء تصرف (ایجاب و قبول) است شرعاً.^۲

۱-۲-۲-۱. عقد در اصطلاح

الف- عقد در اصطلاح فقه

اکثر فقها و حقوق دانان در تعریف عقد از عهد و تعهد استفاده کرده‌اند، مرحوم اصفهانی در حاشیه بر مکاسب می‌نویسد:

که عقد عبارت از دو عهد مرتبط با هم است؛ از این رو هر عقدی، عهد است؛

ولی هر عهدی عقد نمی‌باشد؛ زیرا ممکن است در مواردی تنها یک عهد وجود داشته باشد؛ مثل نذر. به عبارت دیگر در هر عقدی دو حیث مستقل از هم وجود دارد که منشاء انتزاع هر یک بادیگری تفاوت دارد. یک حیث، حیث عهدی است که جنبه قلبی و درونی دارد و منشاء انتزاع آن، قراری است که شخص با خود می‌گذارد. حیث دیگر، جنبه عقدی است که از ارتباط میان دو قراری که

۱. تهانوی، محمد بن علی. کشف اصطلاحات الفنون. ج ۲. ص ۹۵۳.

۲. جرجانی، علی بن محمد. التعریفات. ص ۱۳۳.

طرفین معامله با خود گذارده‌اند انتزاع می‌شود.^۱

مرحوم میرزا حسن بجنوردی در تعریف عقد می‌گوید: «حقیقت عقد عبارت از تعهد و التزامی است که برای شخص یا اشخاصی در مقابل کار یا مالی (عوضی) یا بدون مقابل (عوض) صورت می‌پذیرد، مانند عقد بیعت و عقد هبه».^۲

در عقد گذاشتن دست در دست دیگری، به منزله انشای تعهد و التزام به امر بیعت است. بنابر این، ابراز التزام و تعهد منحصر به لفظ نیست بلکه هر لفظ و عملی که کاشف و نشان دهنده اراده متعاقدين باشد در تحقق و اثبات عقد کافی است.

در برخی از عقود مانند نکاح، نظر به اهتمام شارع به حفظ اعراض و فروج، به کار بردن الفاظ خاص، در تحقق و اعتبار آن لازم و ضروری است. بدین جهت مرحوم آیه الله خوئی در تعریف عقد نوشته‌اند: «عقد عبارت از اتصال، ارتباط و استحکام یکی از التزامین به التزام دیگر است به شرط اینکه برای هر دو التزام مظهري وجود داشته باشد».

مرحوم صاحب جواهر در زمینه تعریف عقد می‌نویسد: «عقد از نظر شرعی عبارت از کلام هریک از متعاقدين یا کلام یکی از آنها و عمل دیگری است که شارع، اثر مورد نظر را بر آن مترتب نموده است.» در ماده ۱۸۳ قانون مدنی در تعریف عقد آمده است: «عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد».

برخی همانند مرحوم کاشف الغطا به تعریف یاد شده ایراد گرفته‌اند و لازمه عقلی و شرعی عقد را تعهد می‌دانند؛ نه خود عقد را.^۳

به نظر می‌رسد همان طور که ملاحظه شد، تعریف عقد به تعهد، هم در فقه امری معهود است و هم در حقوق، متعارف می‌باشد.

۱. غروی اصفهانی، محمدحسین. حاشیه مکاسب. ص ۳۵.

۲. بجنوردی، میرزا حسن. القواعد الفقهية. ج ۳. ص ۱۱۶.

۳. کاشف الغطاء، محمدحسین. تحريرالمجلة. ج ۱. ص ۱۱۸.

ب- عقد در اصطلاح حقوق

در اصطلاح حقوقی، عقد یکی از مصادیق «اعمال حقوقی» است و مصداق دیگر آن، ایقاع است. مراد از اعمال حقوقی نیز آن دسته از پدیده‌های حقوقی‌اند که آنچه در درجه اول در ترتب آثار حقوقی بر آنها نقش دارد، اراده اشخاص است؛ برخلاف «وقایع حقوقی» که آثار حقوقی آنها به اراده شخص مربوط نشده، بلکه به حکم قانون مترتب می‌گردند و به نوبه خود ممکن است واقعه‌ای ارادی باشد؛ مثل غصب و اتلاف، یا واقعه‌ای غیر ارادی باشد، مثل فوت، تولد، حوادث قهری و...

- تعریف عقد در قانون مدنی

اولین ماده در قانون مدنی ایران که مواد مربوط به قواعد عمومی قراردادها به طور مشخص از آنجا شروع می‌شود، ماده ۱۸۳ می‌باشد. این ماده در مقام تعریف عقد می‌گوید: «عقد، عبارت است از این که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر، تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد.» با دقت در این تعریف می‌توان دو شرط اساسی زیر را برای صدق عقد، در موردی استفاده کرد:

۱. توافق دو یا چند اراده با هم

در خصوص شرط اول، یعنی توافق اراده‌های طرفین معامله باید گفت: دو طرفه یا چند طرفه بودن اراده، نه یک طرفه بودن آن، وجه تمایز عقد از ایقاع دانسته می‌شود؛ چه آنکه در ایقاع، وجود یک اراده برای ایجاد اثر کافی است؛ مانند طلاق (م ۱۱۳۳ ق.م)، ابراء (م ۲۸۹ ق.م)، فسخ (م ۳۹۶ ق.م) و اخذ به شفعه (م ۸۰۸ ق.م). البته، مراد، از دوطرفه یا یک‌طرفه بودن عقد و ایقاع این نیست که عقد، متقوم به دو طرف است و ایقاع متقوم به یک طرف؛ تا ایراد شود طلاق و ابراء نیز تنها در صورت وجود دو طرف یعنی زوج و زوجه و دائن و مدیون، امکان تحقق دارد. بلکه مقصود این است که وقوع عقد، نیازمند اعمال دو سلطه است برخلاف ایقاع که اعمال یک سلطه برای تحقق آن کفایت می‌کند.

۲. ایجاد تعهد

در مورد شرط دوم، یعنی ایجاد تعهد، اضافه می‌کنیم که حسب تعریف فوق، هدف از توافق اراده‌ها

در عقد، انشای تعهد است نه اخبار از امری. در تشخیص اخبار از انشا گفته شده است که اخبار، قابل صدق و کذب است و می‌توان آن را تصدیق و تکذیب کرد. مثلاً در جمله: «اسرائیل دوست ملت فلسطین است» این امکان وجود دارد که بگوییم: «بلی! مطلب از این قرار است»، یا آن که بگوییم: «خیر! هرگز این گونه نمی‌باشد». به عبارت دیگر در اخبار، گزارش دهنده از چیزی هستیم که ممکن است مطابق واقع و درست باشد و ممکن است مطابق واقع نبوده، دروغ باشد؛ ولی در مقام انشا، چیزی را ساخته، آن را ایجاد می‌کنیم و روشن است که امر موجود را نمی‌توان انکار کرد، اگر چه با حفظ موجودیت آن می‌توان نسبت به آن قضاوت ارزشی داشت و مثلاً گفت: «من چنین چیزی را نمی‌پسندم»، یا «چنین چیزی سخت مطلوب من است!» خلاصه این که در عقد، توافق اراده‌های طرفین قرارداد، خاصیت انشایی دارد، نه اخباری.

اما در مورد این که انشا در عقد، ماهیت ایجابی دارد (ایجاد تعهد) یا واجد جنبه سلبی (سقوط تعهد) نیز هست، بعضی گفته‌اند با عقد فقط می‌توان تعهدی را ایجاد کرد؛ از این رو اگر انشای طرفین سبب سقوط تعهد باشد، آن را «اقاله» (م ۲۸۳ ق.م) می‌نامند، نه عقد.

با توجه به مطلب فوق، نظری دوباره به تعریف قانون مدنی از عقد در ماده ۱۸۳ می‌لندازیم. در ماده مزبور، عقد به «تعهد به امری» تعریف شده است. حال اگر ما معنای دوم عهد و در واقع مفهوم فقهی آن را در نظر آوریم که تعهد و عهد را به «قرار و قرار گذاردن» معنا می‌کند، نه انجام دادن کاری، پر واضح است که این تعریف شامل عقود تملیکی نیز می‌شود؛ زیرا مثلاً در عقد بیع، تعهد بایع و مشتری به این معناست که با هم قرار می‌گذارند مبیع از آن مشتری و ثمن از آن بایع باشد. به نظر تصادفی نباشد که می‌بینیم قانون مدنی در ماده ۳۳۸، بیع را به «تملیک عین به عوض معلوم» تعریف می‌کند و از تعهد به معنای به عهده گرفتن انجام کاری سخن به میان نمی‌آورد؛ در حالی که در عقد بودن بیع از دید قانون مدنی تردید نداریم. شاید بی توجهی به پیشینه فقهی معنای عهد، سبب شده تا بعضی از حقوق‌دانان برجسته تصور نمایند قانون مدنی در تعریف بیع، از آنچه که در تعریف عقد

آورده، عدول نموده است.^۱

۱. کاتوزیان، ناصر. حقوق مدنی (دوره عقود معین). صص ۳۰ و ۳۱.

فصل دوم: ماهیت بیمه

مطالب این فصل در رابطه با ماهیت بیمه می باشد، از آنجا که می‌خواهیم عقد بیمه را به صورت تطبیقی بررسی نمائیم سعی داریم ماهیت بیمه را از منظر فقه مذاهب اسلامی و همچنین از منظر علم حقوق و قوانین موضوعه بررسی نموده و ضمن آن به ادله موجود برای اقوال مختلف پردازیم.

۲- ۱. ماهیت بیمه در فقه مذاهب اسلامی

در رابطه با بیمه در فقه مذاهب اسلامی مباحث مختلفی بیان شده است، که در این مبحث به دنبال بررسی انواع بیمه و حکم شرعی آنها از نگاه فقهای اهل سنت و فقهای شیعی می باشیم که در ضمن این مباحث ادله موجود و مناقشات مطرحه تبیین خواهد شد.

۲- ۱- ۱. دیدگاه فقهای اهل سنت

۲- ۱- ۱- ۱. بیمه تعاونی

الف- تعریف بیمه تعاونی

بیمه تعاونی همان چیزی است که جوامع خیریه و مؤسسات تعاونی برای تأمین نیازهای شرکتهای وابسته به خود، آن را تأسیس می‌کنند. یک گروه صندوق تعاونی ایجاد می‌کند که هر یک از اعضا، مبلغ مشخصی به آن کمک می‌کنند تا جبران خسارت افراد در معرض خطر شود البته هدف این بیمه، سود آوری نیست بلکه هدف اصلی آن همکاری صمیمانه در تقسیم اثرات مضر و توزیع خطرات احتمالی است که گریبان گیر هر شریکی می‌شود تا از بار مصیبتش بکاهد و خسارت او را جبران کند البته این بیمه هیچ چشم داشتی به درآمد حاصل شده ندارد.^۱

ب- انواع بیمه تعاونی

۱. جمعیت‌های خیریه‌ای که بین مردم روستاها و شهرها ایجاد می‌شود.
 ۲. انجمن‌هایی که بین کارمندان مؤسسات تشکیل می‌شوند.^۲
- بیمه تعاونی با اشکال مختلفش بر اساس اصول مختلفی پایه گذاری شده است از جمله:^۳
- کمک به منظور سود آوری نباشد.
 - هدف، خدمت به اعضا است که با جبران خسارت وارده به هر یک از آنها صورت می‌گیرد.
 - آنچه مازاد می‌آید، بر اعضا تقسیم می‌شود.
 - در جایی که هر عضو، هم بیمه کننده و هم بیمه شده باشند، مدیریت بین اعضا است.

ج- نظریه فقهای اهل سنت

حکم این بیمه جواز است و به این مطلب فقهای هم عصرمان اذعان کرده‌اند و نیز دومین کنفرانس آکادمی تحقیقات اسلامی که در محرم ۱۳۸۵ ق در الازهر مصر برگزار شد، جواز آن را تأیید می‌کند که گفته‌اند: «بیمه انجام شده توسط جمعیت‌های تعاونی، که بین همه بیمه شدگان مشترک بوده و کمک

۱. شعبان، زکی الدین. التأمین من وجهة نظر الشريعة الإسلامية. ص ۱۰ و «مجلة الحقوق والشريعة الصادرة عن كلية الحقوق والشریعة جامعة الكويت» و شبیر، محمد عثمان. المعاملات المالية المعاصرة فی الفقه الإسلامی. ص ۱۰۲.

۲. شبیر، محمد عثمان. المعاملات المالية المعاصرة فی الفقه الإسلامی. ص ۱۰۴.

۳. فتحي، محمد. التأمین من منظور الإسلامی، إسلام أون لاين، مفاهيم ومصطلحات.

و خدمات مورد نیاز را به همه آنها می‌دهد، (بیمه مذکور) کار پسندیده‌ای است و از مصادیق کمک در نیکوکاری است» و همچنین در نشست پنجاه و یکم علمای عربستان در ۴/۴/۱۳۹۷ ق و هفتمین کنفرانس علمای مسلمان در ۱۳۹۲ ق و آکادمی فقه اسلامی در اولین جلسه خود در ۱۰ شعبان ۱۳۹۸ ق در مکه مکرمه در مقر اتحادیه جهانی مسلمانان و باز هم همان آکادمی در دومین جلسه خود در جده در ۱۴۰۶ ق که بین ۱۰ تا ۱۶ ربیع الثانی برگزار شد، حکم به جواز بیمه تعاونی را تأیید کردند. و بر همین اساس بود که شرکتهای بیمه تعاونی پایه در سودان و جاهای دیگر به وجود آمدند و در کارشان موفق شدند با اینکه قانون گذاران شان گفته بودند این شرکتهای، ابتدایی و در آغاز راهند.^۱

باید بدانیم که برخی اصطلاح «بیمه متقابل» را بر بیمه تعاونی اطلاق می‌کنند. مصطفی احمد الزرقاء در مورد حکم روش بیمه متقابل می‌گوید: «این بیمه از لحاظ دینی قطعاً جایز است و هیچ شبهه و شکی در این حکم نیست و آن خطری که در مقابلش بیمه می‌شوند هرچه که باشد، این حکم ثابت است. زیرا اساس این بیمه بر تشکیل صندوق مشترک سرمایه گذاری بین جمعی است که در آن شراکت می‌کنند تا در صورت متضرر شدن یکی از آنها به ضرری مشخص، خسارتش را جبران کنند لکن هدفشان سود آوری نیست بلکه فقط ترمیم اثرات مصیبت‌هایی است که برخی از آنها را رنج می‌دهد و بدون شک این بیمه یکی از زیباترین کاربردهای عملی اصل همکاری موجود در قرآن است که در قرآن ممدوح است».^۲

د- ادله جواز بیمه تعاونی

برای حکم به جواز بیمه تعاونی، چند دلیل آورده شده است:

۱. بیمه تعاونی بر اساس اصل همکاری طبق درستی و تقوا است که دین اسلام آن را می‌پذیرد. لذا بیمه تعاونی یکی از قراردادهای اهدایی است که برای همکاری واقعی در تقسیم خطرات و نیز تقسیم مسئولیت هنگام وقوع فاجعه‌ها در نظر گرفته شده است که این همکاری از راه کمک مردم با مبالغی

۱. «مجله مجمع الفقه الاسلامی»، العدد الثانی الجزء الثانی ۱۴۲۷ هـ/ ۱۹۸۶ م، صص ۵۴۹ و ۶۴۸ و ۷۳۰.

۲. أحمد الزرقاء، مصطفی. نظام التأمين حقیقته والرأی الشالعی فیه. ص ۵۷.

پول برای جبران خسارت مجروحان تخصیص داده می‌شود.

درباره حکم به جواز، دکتر وهبه الزحیلی می‌گوید: زیرا این بیمه داخل در قراردادهای خیرخواهانه است و از مصادیق همکاری در درستی و تقوا و مورد پسند دین است و هدفش تقسیم خطرات و همکاری برای کاهش خسارات هنگام وقوع حوادث است. زیرا هر فرد مشارکت کننده، با حسن نیت اشتراکش را می‌پردازد تا اثر خطرات را کاهش دهد و خسارتهای وارده به یکی از مشارکت کنندگان را جبران و ترمیم کنند خطرش هر چه که باشد.^۱

۲. هدف از بیمه تعاونی، کسب سود نیست و گروه بیمه تعاونی هدفشان معامله و تجارت و کسب منفعت با پول دیگران نیست بلکه قصد دارند خطرات را بین خودشان تقسیم کنند و در هنگام آسیب رسیدن، به همدیگر کمک کنند.^۲

۳. به دلیل قطع خویشاوندی، بسیار کم پیش می‌آید که فردی به برادرش کمک کند یا دولتی زکات را از ثروتمندان گرفته و به مستمندان بدهد. با این اوصاف چه مانعی است از اینکه نظامی ایجاد شود که در آن از فقرا دستگیری شود؟ در حالیکه هیچ شکی نیست که دین مبین اسلام هیچ مانعی از تأسیس چنین چیزی ندارد.

۴. بخاری و مسلم از ابوموسی اشعری نقل کرده‌اند که می‌گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: «اشعری‌ها اگر در جنگ غذایشان کم شود یا غذای زن و فرزندشان در شهر کم شود، هر آنچه دارند را در یک لباس بزرگ می‌ریزند و به طور مساوی بین خودشان تقسیم می‌کنند. پس آنها از من هستند و من از آنها».^۳

پس این کار اشعریها، همکاری گروهی بین اقوام است و دلیلی بر قانونی و شرعی بودن همکاری زیستی بین مسلمانان است و مسلمان در اینجا آنچه دارد را ارائه می‌دهد و معلوم نیست آنچه به

۱. «مجلة مجمع الفقه الإسلامی». العدد الثانی. الجزء الثانی ۱۴۲۷ هـ/ ۱۹۸۶ م. ص ۵۴۹.

۲. همان. ص ۵۴۹.

۳. صحیح البخاری. کتاب الشركة. باب الشركة فی الطعام والنهد والعروض و... قسمت ۲. ص ۲۳۵۴.

دست می‌آورد آیا معادل چیزی است که داده یا کمتر است یا بیشتر؟ و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با ستایش اشعریها که فرمودند: «آنها از من هستند و من از آنها، این کار را اجازه داده است».

۵. بیمه تعاونی عاری از هر دو نوع ربا است. چه ربای به زیادت (همان ربای معاملی است) و چه ربای به تأخیر (همان ربای قرضی است) پس قراردادهای سهامداران ربوی نیستند و هر آنچه از اقساط نزد آنها جمع شده را در معاملات ربوی استفاده نمی‌کنند لذا نه ربا و نه قمار و نه فریب داخل در این بیمه می‌شود. بنابراین، ناآگاهی سهامداران در بیمه تعاونی از مقدار سودی که در آینده به آنها بازمی‌گردد، ضرری به مسئله نمی‌زند.

چونکه آنها خیرخواه هستند بنابراین هیچ خطری، فریبی یا قمارری در آن وجود ندارد برخلاف بیمه تجاری که قراردادهای مالی و تجاری و دارای داد و ستد است و جهل در آن جایز نیست. علاوه بر آن گروهی از سهامداران یا نمایندگان آنها، آنچه از آنها جمع کرده‌اند را سرمایه‌گذاری می‌کنند جهت تحقق هدفی که از تشکیل این همکاری بود، که این کار گاهی خیر خواهانه است و گاهی در مقابل مزدی مشخص.

۵- شرکت بیمه تعاونی ترکیبی^۱

آکادمی فقه اسلامی در اولین جلسه خود در ۱۰ شعبان ۱۳۹۸ ق در مکه مکرمه در مقر اتحادیه اسلامی جهانی گفته است: این بیمه تعاونی باید به صورت یک شرکت بیمه تعاونی ترکیبی و باید دنبال کننده اهداف زیر باشد:

۱. تعهد به اندیشه اقتصادی اسلامی که مسئولیت انجام کارهای مختلف اقتصادی را بر عهده افراد می‌گذارد و نقش دولت فقط به عنوان مکمل آنچه افراد قادر به انجام آن نبوده‌اند، است و دولت فقط برای اطمینان از موفقیت این برنامه‌ها و ایمنی عملیات آنها، به عنوان مربی و ناظر فعالیت می‌کند.
۲. تعهد به عقلند و طرز تفکر بیمه تعاونی که به موجب آن، همکاران، از نظر عملکرد و مسئولیت

۱. «مجله مجمع الفقه الاسلامی». العدد الثانی. الجزء الثانی. ۱۴۲۷ هـ/ ۱۹۸۶ م. صص ۶۴۸ - ۶۵۲.

اجرایی و مدیریت کارها از کل کار مستقل هستند.

۳. آموزش مستقیم بیمه تعاونی به والدین و ایجاد ابتکارات فردی و استفاده از انگیزه‌های شخصی. شکی نیست که مشارکت والدین در مدیریت، آن‌ها را وادار می‌کند با احتیاط و هوشیاری بیشتر، از خطراتی که هزینه گرامتش به طور مشترک (خانواده و بیمه) پرداخت می‌شود، جلوگیری کنند. بنابراین در صورت جلوگیری از بازگشت خطرات، به علاقه خود در موفقیت بیمه تعاونی دست پیدا می‌کنند. زیرا پرهیز آنها از خطرات باعث می‌شود در آینده اقساط بیمه کمتری پرداخت کنند و بالعکس، واقع شدن در خطرات باعث می‌شود اقساط بیشتری پرداخت کنند.

۴. تصویر شرکت ترکیبی، بیمه را به گونه‌ای در نمی‌آورد که گویی برای افراد بهره مند از آن، هدیه یا کمک هزینه‌ای از طرف دولت است، بلکه دولت فقط به اعتبار اینکه مردم ذینفعان واقعی هستند، برای حمایت و محافظتشان با آنها همکاری می‌کند و این، نگرشی مثبت‌تر است تا همکاران، نقش دولت را بفهمند گرچه در همان حال، دولت آنها را از مسئولیت معاف نمی‌کند. این شورا (که اهداف بالا را تنظیم کرده) معتقد است که برای تهیه جزئیات دقیق جهت کار در بیمه تعاونی، اصول زیر باید مورد توجه قرار گیرند:

۱. اینکه سازمان بیمه تعاونی مرکزی در همه شهرها، دارای شعبه باشد و در سازمان مرکزی، بخشهای مختلفی به حسب خطرات تحت پوشش بیمه و بحسب حرفه‌ها و مشاغل همکاران وجود داشته باشد. مثلاً بخشی برای بیمه درمانی باشد و بخشی بیمه معلولیت و پیری و غیره.... یا اینکه بخشی برای امنیت شغلی فروشندگان خیابانی باشد و بخشی برای فروشندگان و بازاریان و بخشی برای دانشجویان و بخشی برای صاحبان مشاغل آزاد مثل مهندسان و پزشکان و وکلا و...

۲. اینکه سازمان بیمه تعاونی انعطاف پذیری زیادی داشته باشد و از روشهای پیچیده و ملال آور به دور باشد.

۳. اینکه سازمان یک شورای عالی داشته باشد که تصمیمات برنامه‌های کاری را تعیین کند و مقررات لازم را پیشنهاد دهد که البته این تصمیمات در صورت موافقت با احکام شرع مؤثر می‌باشند.

۴. در آن شورای عالی یک نماینده از دولت حضور داشته باشد (فردی که منتخب اعضای دولت باشد) و نیز یک نماینده از سهامداران (فردی که منتخب آنها باشد) تا همه، اعضای این شورا شوند تا شورا در نظارت بر آن سازمان به دولت کمک کند و دولت را از ایمنی عملکرد آن اطمینان داده و از دستکاری و شکست نجات دهند.

۵. اگر خطرات بیش از منابع مالی باشند که باعث ضرورت افزایش حق بیمه می‌شود، در این صورت دولت و مشارکت کنندگان، این افزایش را به عهده گرفته و پرداخت کنند. علاوه بر آن، گروهی از متخصصان در این زمینه باید تهیه جزئیات دقیق این شرکت تعاونی را به عهده بگیرند.

۲- ۱- ۱- ۲. بیمه اجتماعی

الف- تعریف بیمه اجتماعی

ابراهیم ابن ثنیان آن را اینگونه تعریف کرده: «بیمه‌ای اجباری است که آن را می‌گیرید یا مشمولش می‌شوید و توسط دولت الزام می‌شود در برابر خطرات خاصی که صنعتگران و مانند آنها با آن روبرو هستند».^۱

دولت این کار را به نفع کارمندان و کارگران انجام می‌دهد. بنابراین می‌تواند آنها را از بیماریهای مرتبط با کار و معلولیت و کهولت سن محافظت کند. این بیمه کارمندان و کارگران را، کارفرمایان و دولت که بیشترین بار را به دوش می‌کشند، به عهده دارند. زیرا دولت، امور بیمه را سازماندهی و مدیریت می‌کند و در ازای آن، هدفش کسب سود نیست.^۲ این بیمه، اجباری است زیرا دولت آن را به منظور حمایت و پشتیبانی از کارگران و کارمندان ملزم می‌دارد و آینده آنها و عزیزانشان را تأمین می‌کند.^۳

۱. التأمین وأحكامه ۸۶ ط: ۱۴۰۴/هـ/ ۰۲۲۳ م. دار ابن حزم.

۲. السنهوري، عبد الرزاق. الوسيط في شرح القانون المدني. ج ۲. الجزء السابع ۱۱۵۶.

۳. الجمال، غريب، التأمین فی الشريعة الإسلامية والقانون. ص ۴۷.

ب- انواع بیمه اجتماعی

۱. بیمه معلولیت: معلولیت به معنای ناتوانی در انجام هر فعالیت سود آوری است به این صورت که معلول توانایی کار و درآمد را از دست می‌دهد و این ناتوانی ممکن است مدت زیادی طول بکشد. البته این بیمه استثنایی هم دارد و آن حالت ناتوانی ناشی از پیری است و یا آن چیزی (معلولیتی) که در طول بیکاری اتفاق می‌افتد.^۱

۲. بیمه سالخوردگی (نظام باز نشستگی): این نظام بیمه به این صورت است که هر کارمند دولتی که به سن پیری رسیده یا معاف شده است، به او حقوق تضمین شده از خزانه دولت می‌دهند که مقدارش با توجه به مدت تصدی وی متفاوت است و تا زمان حیاتش ادامه دارد و بعد فوتش طبق چیدمان و شرایط خاصی، به همسر و فرزندانش منتقل می‌شود و تعلق می‌گیرد.^۲

از این تعریف می‌توان دریافت که بیمه سالخوردگی یا نظام بازنشستگی این است که کارمند پس از رسیدن به سن معینی یا پس از اینکه مثلاً ۲۰ یا ۲۵ سال در شغلش بماند، در ازای کسر بخشی از حقوق ماهانه وی به او ماهیانه حقوق دهند یا در پایان خدمتش به او پاداش دهند یا پس از فوتش، طبق شرایطی خاص به وراثش دهند.^۳

۳. بیمه بیکاری: هدف از این بیمه این است که به کارگر بیکار حقوق دهند البته با در نظر گرفتن درصد معینی از حقوقی که قسط آن تعیین شده است.^۴ لکن این بیمه شرایط خاصی دارد که مهم‌ترین آن‌ها، این‌ها هستند:

- کارگر در استخدام دائمی باشد ولی کارمند دولت نباشد.
- کارگر عضوی از اعضای خانواده کارفرما یا شرکای او نباشد.
- کارگر بدون استعفاء از کار اخراج شده باشد یا با وجود توانایی بر کار، به حد سن بازنشستگی

۱. عبده، عیسی. التأمين بین الحل والتحریم. ص ۲۷.

۲. الزرقاء، مصطفی أحمد. نظام التأمين حقیقه والرأى الشافعی فیه. ص ۱۱۵.

۳. شبیر، محمد عثمان. المعاملات المالیة المعاصرة فی الفقه الإسلامی. ص ۱۰۲.

۴. الجمال، غریب. التأمين فی الشریعة الإسلامیة والقانون. ص ۴۷.

برسد البته به شرطی که مرتکب اشتباه جدی مضر به کار نشود.

- کارگر قبل از بیکارشدن، در بیمه بیکاری خود را بیمه کرده باشد.^۱

۴. بیمه درمانی: این بیمه سلامت است که هزینه‌های پزشکی و هزینه‌های زن باردار در دوران بیماری و زایمان را تأمین می‌کند.^۲

با توجه به اینکه نظام بیمه اجتماعی کارگران، تحت قانون کار دولت قرار دارد، جبران خسارات و حقوق کارگران در صورت بیماری، از کار افتادگی، صدمات ناشی از کار و غیره را این بیمه تضمین می‌کند و خزنه دولت با کارفرمایان در تأمین مالی همکاری می‌کنند. همچنین متوجه می‌شویم که قانون کار، محافظت از کارگر در برابر اخراج خودسرانه را پیش بینی کرده است و نیز حداکثر ساعات کار و حداقل دستمزد را مشخص کرده و کلیه اقدامات لازم جهت حمایت از حقوق کارگران را انجام می‌دهد.^۳

ج- نظریه فقهای اهل سنت

تمام اشکال این بیمه، جایز و صحیح می‌باشند و هیچ اشکال شرعی ندارند. زیرا با دین اسلام که خواستار همبستگی اجتماعی بر اساس کمک مالی است، سازگاری دارد.^۴

این همان چیزی است که دومین کنفرانس آکادمی تحقیقات اسلامی که در محرم ۱۳۸۵ ق در الازهر مصر درباره آن تصمیم گرفت. در آنجا که موارد زیر را بیان کرد: «نظام بازنشستگی دولت و مشابه آن یعنی نظام بیمه اجتماعی که در برخی کشورها دنبال می‌شود، و نیز نظام بیمه‌های اجتماعی که در کشورهای دیگر دنبال می‌شود همه این اقدامات جایز است».^۵

در این مورد شیخ محمد ابو زهره می‌گوید: «این بیمه‌های اجتماعی که دولت انجام می‌دهد، صحیح و

۱. فتحی، محمد. التأمین من منظور الإسلام، إسلام أون لاین، مفاهیم و مصطلحات.

۲. الجمال، غریب. التأمین فی الشریعة الإسلامیة والقانون. ص ۴۷.

۳. البلتاجی، محمد. عقود التأمین من وجهة الفقه الإسلامی. ص ۲۰۴.

۴. عبده، عیسی. التأمین بین الحل والتحریم. ص ۱۸۵.

۵. «همان».

جایز است و ما هیچ اشکالی به آن نداریم و این، یک همکاری اجتماعی است چه توافقی باشد و چه به تحمیل دولت. این یک نوع برادری است علتش هر چه که باشد حتی اگر با تعهد گرفتن و سختگیری باشد»^۱.

همچنین دکتر وهبه الزحیلی می‌گوید: «هیچ اعتراضی درباره جایز بودن بیمه اجتماعی در شرایط پیشامدهای زندگی و شرایط اضطراری مثل ناتوانی، پیری، بیماری، بیکاری و بازنشستگی از کار نیست. زیرا دولت موظف است از شهروندانش مراقبت کند و در چنین مواردی آنها را حمایت کند و این بیمه عاری از ربا و فریب و قمار است»^۲.

۱. پیشتازی اسلام در راه بیمه اجتماعی

این بیمه یک نوزاد تازه متولد شده نیست، بلکه ایده‌ای گسترده است که منشأ و ریشه خود را در احکام اسلامی می‌یابد و این مطلب از طریق موارد زیر، به وضوح نمایان می‌شود:

– ضمانت بدهکاران و در راه ماندگان ب وسیله زکات

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید که به بدهکاران و در راه ماندگان، به مقدار رفع حاجتشان از زکات بدهید.^۳

غارم (بدهکار): کسی است که قرضی برای انجام کاری واجب یا مباح به گردش افتاده و هیچ نوع مالی ندارد که بتواند قرضش را بدهد.^۴

ابن السبیل (در راه مانده): مسافری است که هر آنچه مال داشت، تمام شده و قصد از سفرش، گناه نیست لذا از پول زکات هر مقداری که نیازش را رفع می‌کند، به او داده می‌شود حتی اگر در شهر خودش ثروتمند باشد.^۵

۱. الزرقاء، مصطفی أحمد. «همان». ص ۷۳.

۲. مجلة مجمع الفقه الإسلامی. العدد الثاني. الجزء الثاني ۱۹۸۶ م. ص ۵۴۹.

۳. سوره توبه، آیه ۶۲.

۴. الزرقاء، مصطفی أحمد. همان. ص ۱۱۷.

۵. القرضاوی. فقه الزکاء. صص ۶۷۸ – ۶۸۰.

- نظام عاقله

یعنی بستگان و فامیل پدری مرد: این نظام به این شکل است که بستگان پدری قاتل، دیه قتل اشتباهی (خطایی) را به عهده می گیرند. عقيله، مردان فامیل پدری هستند و از قاتلی که مرتکب قتل اشتباهی شده، حمایت کرده و با او همکاری می کنند و از لحاظ شرعی ملزم اند که همراه قاتل دیه را بپردازند و تا ۳ سال مهلت پرداخت دارند.

این حکم اسلام، مصلحت دو طرف را در نظر گرفته است. یکی جانب مقتول و خانواده اش خوش هدر نرود زیرا قاتل که اشتبهاً مرتکب قتل شده، چه بسا نیازمند بوده و نتواند دیه بدهد و دیگری جانب قاتل، چه بسا دیه برایش سنگین بوده و نمی تواند به تنهایی پرداختش کند.^۱

- نظام همبستگی اجتماعی بین مردم یک محله

این همبستگی اجتماعی بین مردم، مورد اصرار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود. زیرا حضرت ص اشعری ها را ستایش کرد چون زمانیکه غذایشان کم می شد، هر آنچه داشتند را در یک مکان بزرگ جمع می کردند و بین خودشان به طور مساوی تقسیم می کردند.^۲

از ابوموسی نقل شده که پیامبر فرمودند: اشعری ها اگر در جنگ غذایشان کم شود یا غذای زن و فرزندشان در شهر کم شود، هر آنچه دارند را در یک لباس بزرگ جمع می کنند و بین خودشان به طور مساوی تقسیم می کنند پس آنها از من هستند و من از آنها.^۳

- ضمانت افرادی که توانایی کسب در آمد ندارند

شریعت اسلامی با در دست گرفتن کمک به فقرا و نیازمندان، از آنها حمایت کرده است از راه صندوق زکات و نیز نفقه بین اقوام و نزدیکان.^۴

۱. الزرقاء، مصطفى أحمد. همان. ص ۱۱۶.

۲. شبیر، محمد عثمان. المعاملات المالية المعاصرة في الفقه الإسلامي. ص ۱۰۱.

۳. صحيح البخاری. كتاب الشركة. باب الشركة في الطعام والنهد والعروض وكيف قسمه. ص ۲۳۵۴.

۴. الزرقاء، مصطفى أحمد. همان. ص ۱۱۸.

- اندیشه و رفتار خلیفه دوم

زمانیکه در خیابانهای مدینه جهت بررسی شرایط زندگی مردم قدم می‌زد، روزی پیرمردی یهودی را دید که از مردم درخواست کمک مالی می‌کرد به پیرمرد نزدیک شد و پرسید: چه چیزی تو را به این امر (التماس و درخواست) وادار کرده؟

یهودی گفت: طلب نیاز و جزیه (تکمیل مبلغ جزیه ای که باید به دولت اسلامی بپردازم) می‌کنم سپس به یهودی گفت: ما با انصاف با تو عمل نکردیم چراکه جوانی تو را مصرف کردیم ولی تو را در پیری و در حال طلب نیاز و التماس رها کردیم. سپس دستش را گرفت و او را به سمت بیت المال برد و به خزانه دارش گفت: به این مرد و افراد یهودی مشابهنش خوب نگاه کن (که در چه وضعی هستند). لذا جزیه را از او ساقط کن و از بیت المال مقداری مال برایش مقرر کن که زندگیش را بر پا کند.^۱

و بنابراین قضیه، روا نیست که او در حکومتش نظامی برپا کند که مخالف شرع باشد. البته با ضرورت اجتناب از این نوع صندوقهای بیمه، سرمایه گذاری در منابع مازاد و پس انداز خود به روشهایی که شرعاً ممنوع است، مثل ربا است.^۲

۱-۱-۳. بیمه تجاری

الف- تعریف بیمه تجاری

قرارداد بیمه تجاری یک قرارداد مبادله‌ای است و شرکت، همه اموال بیمه گذاران را متعلق به خود می‌داند و در صورت وقوع حادثه یا تحقق شرایط دریافت حقوق، خسارت یا حقوق را از دارایی‌های خود و در مقابل دریافت اقساط بیمه گذاران، می‌پردازد و ضمناً مازاد بر اقساط را از آن خود می‌داند.

ب- انواع بیمه تجاری

امروزه، بیمه‌های بازرگانی دارای دامنه وسیع و انواع گوناگونی شده‌اند و با توجه به متغیر شدن

۱. فتحی، محمد. التأمین من منظور اسلامی. اسلام أون لاین. مفاهیم و مصطلحات.

۲. شبیر، محمد عثمان. المعاملات المالية المعاصرة فی الفقه الإسلامی. ص ۱۰۲.

بیمه گذاران و سودآوری شرکتهای بیمه، شاهد گسترش آنها در زمینه‌های مختلف هستیم. همچنین محدودیتی برای تحت پوشش قرار دادن کالایی خاص، ریسکی مشخص و یا مسئولیتی معلوم تعیین نشده است. قانون بیمه ایران مصوب ۱۳۱۶ فهرست مشخصی درباره انواع بیمه ارائه نکرده، ولی به طور ضمنی در ماده ۴ آن آمده است: «موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی یا هر نوع مسئولیت حقوقی مشروط بر اینکه بیمه گذار نسبت به بقای آنچه بیمه می‌دهد، ذینفع باشد و همچنین ممکن است بیمه برای حادثه یا خطری باشد که از وقوع آن بیمه گذار متضرر می‌گردد». قانون بیمه در سایر موارد خود به طور پراکنده و برحسب مورد، از بیمه‌های آتش سوزی، حمل و نقل، عمر و شکستن عضو و بیمه اموال منقول و غیرمنقول یاد می‌کند. همچنین تقسیم بندی‌های دیگری در قانون‌ها و مقررات و مصوبه‌های گوناگون داخلی درباره بیمه‌های بازرگانی وجود دارد. مثال، برای در بند ۹ ماده ۲ قانون تجارت مصوب ۱۳۱، «عملیات بیمه بحری و غیر بحری» از جمله معاملات تجارتي قلمداد شده است.

بیمه‌های بازرگانی با توجه به موارد زیر دسته بندی می‌شوند:

نوع و طبیعت خطر: به دو دسته بزرگ بیمه‌های دریایی و غیر دریایی

نوع و ماهیت کالا: بیمه‌های اموال و بیمه‌های اشیا

نوع بازار: بیمه‌های زندگی و غیر زندگی

نوع خسارت و جبران آن: بیمه اشخاص و بیمه خسارات.^۱

در سال ۱۳۶۷ خورشیدی، بیمه مرکزی ایران لایحه‌ای را درباره اداره امور شرکت‌های بیمه تهیه کرد که در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

طبق این لایحه، رشته‌های گوناگون بیمه به بیمه‌های اموال، بیمه‌های اشخاص (بیمه عمر، حوادث و بیماری) و بیمه‌های مسئولیت مدنی تقسیم بندی شد.^۲

۱. کریمی، آیت. کلیات بیمه. ص ۴.

۲. بخشی، لطفعلی. بیمه‌های بازرگانی بین المللی. صص ۱۳۲-۱۳۷.

ج- فتاوی فقهای اهل سنت

اختلاف نظر در مورد حکم بیمه تجاری شدید است. دسته‌ای از علما معتقدند که این نوع از قرارداد به علت مشتمل بودن بر جهالت و ابهام و دارا بودن حالت قمار، گروگذاری و ربا حرام است؛ در مقابل این دسته گروهی دیگر بر این باورند بیمه تجاری جایز بوده و دربرگیرنده هیچ مورد مخالف با شریعت اسلام نیست؛

بیشتر فقهای معاصر معتقدند که این نوع بیمه، از لحاظ شرعی جائز نیست که دلیل این امر منحصر به موارد زیر است:

۱. ربا: وجود ربا را در این نوع از بیمه نمی‌توان انکار کرد. چرا که عوضی را که شرکت بیمه به شخص بیمه شده پرداخت می‌کند، بیشتر یا کمتر از مقدار پرداخت شده توسط شخص بیمه شده است و این امر، موجب ایجاد ربا می‌شود و همان طور که واضح است دین مبین اسلام ربا را حرام نموده است. البته کسانی که قائل به جواز این نوع از بیمه هستند، وجود ربا را در اینجا رد می‌کنند و معتقدند چون هر یک از طرفین باید طبق قرارداد پول باید پرداخت کنند و نفع مختص طرف خاصی نیست، پس ربایی وجود ندارد.

۲. غرر: وجود غرر نیز همانند ربا در این بیمه واضح و آشکار است. چون بیمه از جمله عقود است که وجود معقود علیه و یا عدم آن احتمالی است. پیامبر اسلام (ص) از بیع غرر نهی نموده است. علاوه بر این حدیث، فقها آن را بر عقود معاوضی مالی قیاس می‌کنند که در آن غرر بر معامله اثر می‌گذارد و موجب فسخ معامله می‌شود.

۳. غبن: از آن جایی که در بیمه محل عقد مشخص نیست و علم به محل عقد شرط صحت عقد است؛ در عقد بیمه غبن وجود دارد.

۴. قمار: در این بیمه، چون شخص بیمه شده مقداری از مال را به امید کسب مبلغ بیشتری پرداخت و واگذار می‌کند، قمار وجود دارد و همچنان که آشکار است قمار در اسلام حرام می‌باشد. اما فقهای

۱. السنه‌وری، عبدالرزاق. عقود الفرر و تأمین. ص ۱۰۸۸.

امامیه احتمال نداده‌اند که این بیمه داخل در باب قمار بشود و وجهی هم ندارد که ما بیمه را داخل در باب قمار بدانیم. زیرا صرف به خطر انداختن، ملاک قمار نیست. برای صحت یک معامله، باید استثنای وجود نداشته باشد و ریشه استثنای در معاملات، آن چیزی است که در آیه قرآن آمده و قمار هم یکی از مصداق‌های آن است: «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ»^۱ بر مبنای این آیه، پول نباید بیهوده گردش کند؛ یعنی به اصطلاح فقها گردش پول باید با هدفی عقلایی توأم باشد. بخشیدن در مواردی کاری انسانی و نیازی انسانی است و انسان می‌خواهد که جود کرده باشد، این یک کار بیهوده نیست. وقتی انسان، جنس خودش را به طرف می‌فروشد و در مقابل پول می‌گیرد یا انسان پول می‌دهد و در مقابل، از معلم درس می‌گیرد؛ در این موارد هم، پول بیهوده گردش نکرده است، اما در قمار و امور شبه قمار، پول از دست طرف بیرون می‌رود، بدون این که چیزی کسب کرده باشد که از نظر شارع، این پول بیهوده بیرون رفته است. در مورد بیمه تجاری، حالت بیهودگی برقرار نیست و بیمه، هدفی عقلایی دارد. زیرا انسان تأمین می‌گیرد و در مواردی اگر خسارتی یا حادثه‌ای پیش آید غیر از تأمین، پول هم می‌گیرد. بنابراین، پولی که بیمه‌گذار می‌دهد، هرگز مصداق آیه فوق نیست. البته یک مورد از بیمه است که در آن، آن چه اصالت پیدا می‌کند، ربا است و آن، جایی است که در بیمه عمر، شرکت بیمه تمام پول را یک جا می‌گیرد و هدف اصلی‌اش این است که سرمایه‌ای جمع و از آن استفاده‌های ربوی کند. در این جا بیمه تقریباً جنبه فرعی پیدا می‌کند که این، مسأله جدایی است و درباره آن باید جداگانه بحث کرد.^۲

۲ - ۱ - ۲. دیدگاه فقهای امامیه

۲ - ۱ - ۲. ۱. قائلین به غیر مستقل بودن عقد در بیمه

الف - بیمه و عقد ضمان

۱. سوره نساء. آیه ۲۹.

۲. عبده، عیسی. التامین الاصل و البدیل. ص ۹.

۱. تعریف عقد ضمان

در فقه ضمان به دو معنای عام و خاص به کار می‌رود، معنای عام عقد ضمان «عقد شرع للتعهد بمالٍ او نفس»^۱ عقدی است که برای تعهد مالی یا جانی تشریع شده است. بنا بر این ضمان در معنای عام شامل ضمان به معنای خاص (ضمان مالی) و کفالت و حواله می‌شود.^۲

معنای خاص عقد ضمان «تعهد و التزام مالی که بر کسی بوده برای دیگری، طلبکار را مضمون له گویند بدهکار را مضمون عنه، و کسی که ملتزم شده ضامن، خواه آن مال عین باشد با منفعت یا عمل»^۳. ماده ۶۸۴ قانون مدنی «عقد ضمان عبارت است از این که شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده بگیرد متعهد را ضامن، طرف دیگر را مضمون له و شخص ثالث را مضمون عنه یا بدهکار اصلی گویند».

۲. تطبیق بیمه با عقد ضمان^۴

عقد ضمان مهمترین عقدی است که بیمه بر آن منطبق شده است در بین عقود معین ضمان بیشترین شباهت را به بیمه دارد، لذا برخی از فقها بیمه را نوعی ضمان می‌دانند و بر این عقیده‌اند که بیمه یکی از مصادیق ضمان است و با تطبیق بیمه بر این عقد حکم آن را بیان کرده‌اند. برای بررسی این مسئله ابتدا به تعریف ضمان، ارکان و اقسام آن و سپس به تطبیق این عقد با بیمه می‌پردازیم. در فقه و قانون مدنی ضمان از حیث سبب آن به ضمان قهری و عقدی تقسیم شده است، که مقصود ما در اینجا ضمان به معنای عقدی آن است نه ضمان قهری.

ضمان قهری: ضمان منحصرأً به حکم قانون است. طبق ماده ۳۰۷ قم امور ذیل موجب ضمان قهری است:

– غصب و آنچه در حکم غصب است؛ اتلاف؛ تسبیب؛ استیفاء؛

۱. رشتی، میرزا حبیب الله. الالتقاطات کتاب الغصب. ص ۱۱.

۲. شرح لمعه. ج ۲. ص ۴۱۹.

۳. حکیم، سیدمحسن. مستمسک عروة الوثقی. ج ۱۳. ص ۲۴۵.

۴. موسوی بجنوردی، سیدمحمد. عقدضمان. ص ۱۳۲.

۳. نظریه آیت الله حسین حلی

شیخ حسین حلی به تفصیل درباره بیمه و تطبیق آن بر عقود معین در فقه سخن گفته است. ایشان می گویند: «اگر بخواهیم بیمه را مصداق ضمان بدانیم باید دایره شمول ضمان را توسعه دهیم، به نحوی که هر فردی را اعم از اینک مضمون دین باشد یا عین، مضمون باشد یا غیر مضمون، در دست مالک باشد یا نباشد را شامل شود». ایشان نوع جدیدی از ضمان را بیان می کند به نام ضمان اعیان شخصی با این تعریف که در این نوع ضمان، ضامن اعیانی را که در اصل مضمون نیستند و در ید غیر نیز نیستند بلکه در ید مالک هستند را ضمانت می کند. مانند اینکه کسی کالای دیگری را مثلاً خانه یا ماشین دیگری را از خطری ضمانت کند. وی ادامه می دهد که از این نوع ضمان در کتب فقهی نفیاً یا اثباتاً سخنی به میان نیامده است و بیمه را می توان از این نوع ضمان دانست.^۱ وگرنه مجالی برای تطبیق بیمه بر سایر انواع ضمان وجود ندارد وی برای صحت ضمان اعیان شخصیه این گونه استدلال می کند که دامنه شمول ضمان عقدی بسیار وسیعتر از آن است، که آن را منحصر به فردی دون فرد دیگر بدانیم پس همان گونه که ضمان در دیون جاری می شود، در اعیان خارجی مانند اموال و غیر از آن از قبیل نفوس نیز جاری می شود ایشان ادامه می دهند که ضمان اعیان شخصی نیز دو صورت دارد:

۱ - ضامن در مقابل ضمانت خود عوضی دریافت نمی کند.

۲ - ضامن در مقابل ضمانت خود مبلغی دریافت می کند.

بدین ترتیب برای شرکت بیمه تضمین و ضمانت این اشیاء امکان پذیر می باشد. زیرا ضمان چیزی جز تعهد و وارد ساختن چیزی در عهده نیست. امام خمینی (ره) احتمال ضمان معوض بودن عقد بیمه را مردود نمی دانند.^۲

ب- بیمه و عقد هبه

۱. تعریف هبه

۱. حلی، حسین. بحوث فقهیه. صص ۳۸-۲۴.

۲. موسوی الخمینی، سیدروح الله. تحریر الوسیله. ج ۲، ص ۶۰۹.

هبه عقدی است که تملیک عینی به صورت مجانی و قطعی را اقتضاء می‌کند. در ماده ۷۹۵ ق.م.آمه است. «هبه عقدی است که به موجب آن یک نفر مالی را مجاناً به کس دیگری تملیک می‌کند. تملیک کننده را واهب طرف دیگر را متهب، مالی را که مورد هبه است عین موهوبه می‌گویند». هبه باید منجز باشد، مجانی باشد و همچنین قبض، شرط تحقق هبه است و در هبه قصد قربت شرط نیست.^۱ طبق ماده ۸۰۱ ق.م.آمه هبه ممکن است معوض باشد بنابراین واهب می‌تواند شرط کند که متهب مالی را به او هبه کند یا عمل مشروعی را مجاناً به جا آورد. منظور از هبه معوض، هبه به شرط عوض است به گونه‌ای که مبادله‌ای صورت نگیرد. در واقع دو هبه جداگانه (یکی اصلی و دیگری فرعی به صورت شرط) در یک عقد جمع شود و به هیچکدام از دو هبه نتوان اطلاق عوض کرد.

حقیقت هبه همان تملیک مجانی است و شرط عوض در هبه، شأن دیگر شروط در سایر عقود است. شرط هبه مشروط در حقیقت عوض نیست، دلیل آن هم این است که اگر متهب به شرط عمل نکند هبه باطل نمی‌شود و فقط واهب خیار فسخ پیدا می‌کند، در صورتی که اگر شرع در هبه عوض عقد بود با انتفای عوض باید عقد باطل می‌شد، چون یکی از ارکان معامله از بین می‌رفت.

۲. تطبیق بیمه با عقد هبه معوض

اگر واهب در ضمن تملیک مبلغی وجه نقد ماهانه برای مدت معین، شرط نماید که متهب در صورت تحقق خسارت جسم یا نفس یا مسئولیت او، آن را جبران نماید یک عقد هبه معوض را محقق ساخته است. این عقد هبه معوض از جهت ارکان کاملاً با عقد بیمه انطباق دارد زیرا در عقد بیمه گذار «واهب» و بیمه گر «متهب» و مبلغ تملیک شده «حق بیمه» و خطر متوجه مال معین یا نفس یا مسئولیت بیمه گذار که مشروط واقع شده است نیز موضوع بیمه می‌باشد. شرط عوض در ضمن عقد هبه نیز از آن جهت که مخالف کتاب و سنت و همچنین مغایر با مقتضای عقد نیست لازم الوفاء نیز است. شرط مذکور عوض تلقی نمی‌شود زیرا اگر متهب به شرط عمل ننماید هبه باطل نمی‌شود، بلکه عقد هبه معتبر بوده و اثر آن که همانا تملیک عین است به قوت خود باقی است و واهب

۱. نجفی، محمدحسن. جواهرالکلام، ج ۱۰، ص ۱۱۵.

می‌تواند با اعمال خیار شرط هبه را فسخ نماید بنابراین حقیقت هبه، همان تملیک مال منجز قطعی و به صورت مجانی است. برخی از فقها عقد بیمه را مصداق بیمه مشروط دانسته‌اند و صحت و مشروعیت آن را از ناحیه عقد بیمه توجیه نموده‌اند.^۱

۳. نظریه آیت الله سید ابوالقاسم خوئی

مرحوم محقق خوئی در این زمینه می‌نویسد: «می‌توان قرارداد بیمه با تمام اقسام آن باب عقد هبه معوضه تصحیح کرد. به این معنی که بیمه کننده مبلغ معینی را به بیمه گر هبه می‌کند و در ضمن عقد هبه به بیمه گر شرط کنند که در صورت پیش آمد هر خسارتی که در بیمه نامه ذکر شده، بیمه گر آن را جبران کند و بر بیمه گر واجب است به این شرط وفا کند. در نتیجه همه اقسام بیمه صحیح و شرعی است. اگر بیمه به صورت هبه به شرط تحمل زیان منعقد شود، بیمه گذار تعهد می‌کند که هر ماه مقداری از دارایی خود را به شرکت بیمه هبه کند. مشروط بر اینکه اگر مثلاً تا ده سال خسارتی به جان یا مال او برسد شرکت از عهده این خسارت برآید و شرکت هم این شرط را بپذیرد و این شرط جایز است و نه شرط باطل است نه باعث بطلان عقد می‌شود. و هبه مشروط شامل همه ارکان بیمه است. (ایجاب و قبول، مورد بیمه، و مقدار خسارت که مبلغ بیمه است)»^۲

همچنین آیت الله وحید خراسانی در این زمینه می‌نویسد: «همچنین در صورتی که مال معین یعنی از طرف بیمه شونده عین باشد، می‌توان عقد بیمه را به عنوان هبه به شرط تحمل خسارت احتمالی از جانب بیمه کننده انجام داد، که بر بیمه کننده وفای به شرط واجب است.^۳ آیت الله میلانی نیز بیمه را از طریق هبه شرعی مشروع دانسته‌اند.

۴. نظریه آیت الله میرزا جواد تبریزی

بیمه (سیگورتا) عبارت از این است که شخص هر سال مبلغی به کسی یا به شرکتی، بدون عوض

۱. حلی، حسین. بحوث فقهیه، ص ۳۸.

۲. خوئی، سید ابوالقاسم. منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۴۰۱.

۳. وحید خراسانی، حسین. رساله توضیح المسائل. ص ۷۶.

داده، و در ضمن شرط کند که اگر آسیبی مثلاً به تجارتخانه یا ماشین یا منزل یا خودش برسد آن شرکت یا شخص آن خسارت را جبران یا آسیب را برطرف یا مرض را معالجه کند، و این معامله داخل در هبه مشروطه است، و چنانچه آسیبی وارد شود، حسب شرط بر مشروط علیه واجب است که از عهده برآید و برای گیرنده اشکالی ندارد.^۱

ج- بیمه و عقد صلح

۱. تعریف صلح

مرحوم میرزا حسن بجنوردی در کتاب «القواعد الفقهیه» در تعریف صلح می نویسد:

«حقیقت صلح عبارت از تراضی و تسالم به امری است اعم از اینکه آن امر کالا باشد یا از اقسام نقود، یا از اعمال یا غیر اینها؛ انشاء این تسالم به صیغه عقد صلح باشد یا غیر آن، و فرقی نمی کند که صلح مسبوق به خصومت باشد یا ملحق به آن باشد یا خصومت امری است که حصول آن متوقع می باشد، بنابراین در تمامی مواردی که ذکر گردید اطلاق صلح به آن ها حقیقتاً نه به نحو عنایت و مجاز صحیح می باشد.»^۲ قانون مدنی در ماده ۷۵۲ به پیروی از نظریه فقهای امامیه در تعریف صلح آورده است:

«صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود یا جلوگیری از تنازع احتمالی در مورد معامله و غیر آن واقع گردد». از مجموعه تعریف های ارائه شده می توان دریافت که وجود نزاع سابق در تحقق عقد صلح ضروری نمی باشد اگر چه اصل تشریع صلح برای رفع خصومت و نزاع بوده است.

هرچند در این تعریف از صلح، صلح مسبوق به نزاع دانسته شده اما فقها ادله ای که بر مشروعیت صلح دلالت دارند را آیات و روایات زیر می دانند:

– آیات:

(... فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ)^۳؛ «و برای آن دو (زن و شوهر) گناهی نیست

۱. تبریزی، میرزاجواد. توضیح المسائل فارسی، ص ۵۴۳ و صراط النجاة. جلد ۷. ص ۸۸.

۲. بجنوردی، حسن. قواعد فقهیه، ج ۵. ص ۹.

۳. سوره نساء، آیه ۱۲۸.

که از راه صلح با یکدیگر به آشتی گرایند که سازش بهتر است».

(... إِنَّ يَرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقُ اللَّهُ بَيْنَهُمَا)؛^۱ «اگر سر سازگاری دارند (زن و شوهر) خدا میان آن دو

سازگاری خواهد کرد».

(وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا)؛^۲ «اگر دو طایفه از مومنان با هم بجنگند میان آن دو

را اصلاح دهید».

- روایات:

روایات نیز بر مطلوبیت، مشروعیت و صحت صلح دلالت دارند. چنان که مرحوم کلینی به اسناد

خودش از امام صادق (علیه السلام) روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: «الْصُّلْحُ جَائِزٌ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ

إِلَّا صُلْحًا حَرَّمَ حَلَالًا أَوْ أَحَلَ حَرَامًا»؛ صلح و سازش بین مسلمانان نافذ است مگر صلحی که حرامی را

حلال یا حلالی را حرام کند».

هرچند آیات بیشتر اشاره به صلحی دارند که مسبوق به نزاع یا برای جلوگیری از نزاع است. (یعنی

صلح بر دعوی) ولی روایات عام هستند و صلحی را که مسبوق به نزاع نیست، (صلح ابتدایی) را نیز

شامل می‌شوند بنابراین می‌توان گفت که صلح ابتدایی و صلح بر دعوی هر دو صحیح هستند.

۲. تطبیق بیمه بر عقد صلح

عده‌ای از فقها قرارداد بیمه را با عقد صلح مقایسه و تطبیق نموده‌اند. در عقد بیمه، بیمه گذار حق

بیمه را که به صورت ماهانه یا سالانه به شرکت بیمه می‌پردازد در مقابل مبلغی که بیمه گر به عنوان

جبران خسارت به او یا به بیمه گذار یا خانواده او یا شخص ثالث در بیمه عمر می‌پردازد مصالحه

می‌نماید. چنان که قرآن کریم می‌فرماید «الْصُّلْحُ خَيْرٌ»^۳ یعنی صلح یک روش مطلوب و پسندیده در

۱. سوره نساء، آیه ۳۵.

۲. سوره حجرات، آیه ۹.

۳. حرّ عاملی، محمدبن حسن. وسائل الشیعه، ج ۱۳. باب ۳. احکام صلح. حدیث ۱ و ۲.

۴. سوره نساء، آیه ۱۲۷.

تنظیم مناسبات و انجام معاملات است که مبتنی بر گذشت و تسامح می‌باشد و بسیاری از اشکال‌ها مانند مجهول و غرری بودن در آن راه ندارد. لذا تطبیق بیمه با صلح، عقد بیمه را از اشکال‌هایی چون غرری بودن می‌رهاند.

- نظریه آیت الله سید محمد کاظم یزدی

مرحوم سید کاظم طباطبائی مؤلف کتاب عروۃ الوثقی، اولین فقیه امامی است که بیمه را با صلح تطبیق داده و آن را در این صورت مشروع دانسته است.^۱ در شماره ۳۱۲ و ۳۱۳ کتاب «سؤال و جواب» نظریه ایشان به شرح ذیل آمده است:

سؤال: سؤال درباره مردمی است که به هندوستان می‌روند و اجناسی را می‌خرند. در آنجا اشخاصی هستند که اموال آنها را در حمل و نقل به وطنشان در ازای اجرتی معلوم مانند دو درصد یا سه درصد نسبت به ارزش کالا تضمین می‌نمایند. بدین معنی که اگر تلف و خسارتی به اموالشان رسید قیمت آن را به صاحبان کالا می‌پردازند. آیا این عمل جایز است؟ آیا در این کار بی‌اعتمادی بر خداوند و تکیه بر مخلوق در حفظ مال نیست؟ از علمی که خداوند به شما تعلیم نموده است بهرمندمان نمائید، خداوند به شما اجر دهد. این عمل را به اصطلاح خودشان بیمه می‌گویند.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم. معامله مذکور شرعی نیست اگر بخواهند آن را به صورت شرعی منعقد نمایند، صاحب مال می‌تواند مال خود را با قیمت مشخصی، به بیمه‌گر، مصالحه مشروط نماید و چنین شرط کند که اگر مثلاً صد درهم «تا زمان معین (مثلاً تا یک ماه) به طرف عقد صلح در واقع همان بیمه‌گر» پرداخت نماید، خيارفسخ داشته باشد تا صلح را فسخ کند. در این صورت، اگر مال تلف گردد قیمتی را که بر آن مصالحه کرده، مال صاحب کالا است و اگر کالا به سلامتی به مقصد رسید، صد درهم را می‌پردازد و معامله صلح را فسخ می‌کند این روش شرعی مسأله است. اما با این حال برای مالک جایز است در مالی که از بیمه‌گر دریافت نموده، در صورت تلف کالای بازرگانی، تصرف نماید. زیرا بیمه‌گر رضایت دارد، اگر چه معامله فاسد است، همان‌طور که اگر کالا سالم به

۱. عرفانی، توفیق. قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران. ص ۱۴۷.

مقصد برسد، صاحب کالا به رضایت خویش، صد درهم را می‌پردازد اگر چه معامله فاسد است (تصرف بیمه‌گر در آن صحیح است).

- نظریه آیت الله سید محسن حکیم

ایشان علاوه بر تطبیق بیمه بر هبه، بیمه را از مصادیق عقد صلح می‌دانند و بیان دارند: «بیمه گذار مبلغی را به صورتی خاص به بیمه‌گر پرداخت می‌نماید و در مقابل هم شرکت بیمه‌گر مالی را به شیوه‌ای خاص به او پرداخت می‌نماید».^۱

- نظریه آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی و برخی از علمای معاصر

مرحوم آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی از فقها و مراجع تقلید معاصر، بیمه را با عقد صلح قابل مقایسه دانسته‌اند و معتقدند که اگر کسی مبلغی به شرکت بیمه، صلح نموده و شرط کند که در صورت ورود خسارت بر جان یا مال او یا ماشین یا منزل او، یا وجود او، شرکت بیمه نسبت به جبران خسارت وارده اقدام نماید صحت چنین صلحی با این شرط بعید نیست و الزام‌آور می‌باشد.^۲ مرحوم آیت الله مرعشی نجفی نیز از فقهای هستند که بیمه را داخل در صلح دانسته‌اند.^۳ آیت الله نوری همدانی نیز از فقهای هستند که معتقدند بیمه هر چند عقد مستقلی است، ولی به عنوان صلح هم می‌توان آن را اجرا کرد.^۴ آیت الله وحید خراسانی در این زمینه می‌نویسد: «می‌توان تمام اقساط عقد بیمه را از باب تعهد بیمه‌کننده و بیمه‌شونده به پرداخت خسارت و مال معین قرار داد، هر چند احوط آن است که مثلاً بیمه‌شونده مال معینی به بیمه‌کننده صلح کند، به شرط آنکه بیمه‌کننده خسارت احتمالی که معین شده جبران نماید و بر بیمه‌کننده، جبران واجب می‌شود».^۵

۱. حکیم، سید محسن. منهاج الصالحین. ج ۱. مساله ۹.

۲. گلپایگانی، محمد رضا. توضیح المسائل، مسئله ۲۸۵۵، ص ۴۸۸.

۳. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین. رساله توضیح المسائل. ص ۵۰۲.

۴. نوری همدانی، حسین. رساله توضیح المسائل. ص ۶۰۱.

۵. وحید خراسانی، حسین. رساله توضیح المسائل. ص ۷۶۰.

مرحوم آیت‌الله سید عبدالاعلی سبزواری نیز بیمه را با صلح مقایسه نموده‌اند.^۱

برخی از فقهای امامیه بیمه را با صلح به شرط تحمل خسارت مقایسه و تطبیق نموده‌اند زیرا بیمه‌گذار قسمتی از مال خود را بر اساس قسط بندی مورد توافق به بیمه‌گر صلح می‌نماید به شرطی که چنانچه در اموال او حریق، سرقت، غرق و تلف و غیره رخ بدهد آن را جبران کند و بیمه‌گر نیز آن را بپذیرد و هیچ‌گونه اشکالی بر این قرارداد نخواهد بود.^۲

د- بیمه و عقد جعاله

۱. تعریف جعاله

جعاله به فتح جیم و نیز به کسر و ضم آن، از ریشه «جعل» به معنای قرارداد، اخذ شده است و به معنای اجرت و پاداش، حق الزحمه، مقرری و دستمزد به کار رفته است.^۳ بنابراین در لغت جعاله به معنای اجرتی است که به کسی که کاری انجام می‌دهد پرداخت می‌گردد.

در اینکه جعاله عقد است یا ایقاع بین فقها و حقوقدانان اختلاف نظر است. برخی آن را ایقاع می‌دانند زیرا قبول عامل در آن شرط نیست. برخی با این استدلال که نفس انجام عمل از سوی عامل، در صورتی که با عزم بر انجام جعاله باشد، به منزله قبول است آن را عقد می‌دانند.

قانون مدنی نیز در تعریف جعاله به صراحت واژه عقد را به کار نبرده است. در ماده ۵۶۱ ق.م.آمه است «جعاله عبارت است از التزام شخصی به ادای اجرت معلوم در مقابل عملی، اعم از اینکه طرف معین باشد یا غیر معین» شاید این مطلب به خاطر اختلاف فقها درباره عقد بودن جعاله است.

همچنین در ماده ۵۶۳ ق.م. این گونه آمده است:

«در جعاله معلوم بودن اجرت من جمیع الجهات لازم نیست. بنابراین، اگر کسی ملتزم شود که هر کس گمشده او را پیدا کند، حصه مشاع معینی از آن، مال او خواهد بود، جعاله صحیح است».

۱. سبزواری، سید عبدالاعلی. توضیح المسائل. مسئله ۲۴۹۴. ص ۵۲۸.

۲. حلی، حسین. بحوث فقهیه، ص ۴۰ - ۳۹.

۳. الواسطی ذبیدی الحنفی. تاج العروس من جواهر القاموس. ج ۷. ص ۲۵۷.

البته کسانی که جعاله را عقد می‌دانند آن را عقدی جایز می‌دانند که بعد از انجام عمل توسط عامل لازم می‌شود. مفاد ماده ۵۶۵ ق. م چنین است «جعاله تعهدی است جایز و مادامی که عمل به اتمام نرسیده است هر یک از طرفین می‌توانند رجوع کنند؛ ولی اگر جاعل در اثنای عمل رجوع کند، باید اجرت المثل عامل را بپردازد».

در جعاله خاص خطاب عامل به افراد یا فرد خاصی است. مثلاً شخصی که به فرزندانش بگوید در صورتی که فلان کار را انجام دهی به تو فلان مبلغ جایزه می‌دهم.

۳. تطبیق بیمه با جعاله

برخی از فقهای امامیه برای اثبات مشروعیت بیمه آن را با جعاله تطبیق نموده‌اند.

- نظریه آیت الله سیدمحسن حکیم

آیت الله سید محسن حکیم از مراجع معروف شیعه در این زمینه می‌نویسد: «عقد بیمه جان یا مال، که در این زمان از آن با عنوان سیکورته یاد می‌شود، به عنوان معاوضه صحیح است در صورتی که متعهد بیمه (بیمه‌گر) کار محترمی صورت دهد که نزد عقلا دارای مالیت و ارزش باشد؛ مانند تعیین و تدوین مقرراتی برای خوردن و آشامیدن و گماردن نگهبان برای حفظ مال و سایر کارهای محترم که در چنین صورتی عقد بیمه صحیح بوده و گرفتن مال از ناحیه طرفین قرارداد حلال است و گرنه قرار دارد بیمه باطل (گرفتن مال نیز حرام) خواهد بود.»^۱ از نظر این فقیه، چنانچه بیمه‌گر عملی را برای بیمه‌گذار به انجام رساند با عقد جعاله انطباق دارد. در حقیقت خدمات شرکت بیمه چون معاینات و توصیه‌های بهداشتی، آموزش و اقدامات احتیاطی اموری هستند که دارای ارزشی عرفی و عقلایی می‌باشند؛ لذا می‌توانند مورد جعاله واقع شوند.

در مباحث آیت الله سیدمحسن حکیم تناقضی به نظر می‌رسد: ایشان مسئله عقدالتامین یا همان عقد بیمه را در ذیل بحث جعاله مطرح نموده‌اند هرچند می‌فرمایند که عقد بیمه را می‌توان از طریق عقد هبه مشروطه و عقد ضمان نیز تصحیح نمود. لکن در تعریف جعاله می‌فرمایند: «جعاله از جمله

۱. حکیم، سیدمحسن. منهاج الصالحین. جزء ۲. ص ۱۵۳.

ایقاعات به شمار می‌رود».^۱

حال جای سؤال دارد با تطبیق بیمه با جعاله آیا ایشان بیمه را از عقود می‌دانند یا ایقاعات؟

۵- بیمه و عقد مضاربه

۱. تعریف عقد مضاربه

ماده ۵۴۶ قانون مدنی مضاربه را این گونه تعریف کرده است: «مضاربه عقدی است که به موجب آن، یکی از دو طرف معامله سرمایه‌ای می‌دهد با قید آن که طرف دیگر، با آن تجارت کرده و در سود آن شریک باشند. صاحب سرمایه، مالک و عامل، مضارب نامیده می‌شود. بنابراین ماهیت مضاربه این است که انسان مالی را به دیگری بدهد که او در مقابل سهم معینی از سود آن، کار کند».^۲ عامل از آن جهت که سرمایه را به گردش در می‌آورد مضارب خوانده می‌شود. از عقد مضاربه با عنوان «قراض» نیز یاد شده است. مهم‌ترین ویژگی‌های عقد مضاربه عبارت است از جایز بودن، ماهیت تجاری داشتن، شرکت مالک و مضارب در سود و زیان به نسبت تعیین شده، انفساخ عقد مضاربه با افلاس مالک، انفساخ عقد مضاربه با تلف شدن تمام سرمایه و ربح، انفساخ عقد مضاربه با عدم امکان تجارتی که مورد نظر طرفین بوده است.

۲. تطبیق بیمه با عقد مضاربه

بیمه با اندراج در عقد مضاربه، به عنوان شرط ضمنی عقد مضاربه منعقد می‌گردد. در تکافل خانواده نیز که به دلیلی برای بیمه عمر محسوب می‌شود عقد مضاربه مهم‌ترین قالب برای انعقاد قرارداد است.

برخی از دانشمندان و فقهای شیعه و اهل سنت با انطباق قرارداد بیمه عمر تحت عنوان مضاربه بر مشروعیت این قرارداد فتوا داده‌اند از فقهای اهامیه «امام خمینی ره» لندراج نوعی از بیمه را تحت عنوان شرکت عقدی و عقد مضاربه می‌پذیرند. ایشان در این خصوص می‌نویسند: «ظاهر آن است که

۱. حکیم، سیدمحسن. منهاج الصالحین. ج ۲. ص ۱۵۱.

۲. عاملی، شمس الدین محمد بن مکی، اللعمه الدمشقیه. کتاب مضاربه. ص ۱۳۰.

بیمه مخلوط با اشتراک در ارباحی که برای شرکت حاصل شده از استفاده تجارت با مبلغی که از شرکاء جمع شده صحیح می‌باشد، خواه بیمه بر حیات باشد به اینکه مبلغ بیمه وقت وفات یا وقت انتهای مدت بیمه، پرداخت شود و بیمه کننده طبق قرارداد حق اشتراک در ارباح داشته باشد، پس سهم هریک از ارباح به مبلغ بیمه اضافه می‌شود. یا بیمه بر جبران خسارت باشد بر اشتراک در ارباح همانطوریکه ذکر شده و صحت در هر دو صورت برای این نیست که معامله مذکور، شرکت عقدی است با شرط یا شرایط مجاز اگر از بعضی کار و از برخی از آنها نقود باشد و قراردادشان مانند مضاربه باشد صحیح است؛ زیرا لازم نیست که مالی را که مالک می‌پردازد طلا و نقره مسکوک باشد بلکه پرداخت هر نقدی برای تحقق مضاربه کافی است. این عقد لازم است در صورتی که مضاربه محسوب نگردد یا اگر مضاربه بر آن صدق نماید که در ضمن آن بیمه باشد از دو طرف جایز می‌باشد»^۱.

و- بیمه و نظام عاقله

۱. تعریف عاقله

کلمه «عاقله» مشتق از واژه عقل است و عقل در لغت در معناهای «بستن»، «منع»، «نهی» و «دیه و خونبها» به کار رفته است در زمینه وجه تسمیه پرداخت کننده دیه به، عاقله گفته شده است که او از ناحیه جانی، تحمل عقل یعنی دیه می‌کند یا او پای شتر دیه را بر درب خانه اولیای مقتول بسته و تحویل می‌دهد، یا اولیای مقتول را از انتقام منع می‌نماید.^۲ لغت شناسان نوشته‌اند عصبه مرد، فرزندان و نزدیکان پدری اویند و آنها از آن جهت عصبه خوانده شده‌اند که او را احاطه کرده‌اند.^۳ پدر یک طرف خویشاوندی است و فرزند طرف دیگر، و عمو یک جانب و برادر جانب دیگر است و یا نزدیکان ذکور را بدان دلیل عصبه گفته‌اند که برای حمایت از او، او را احاطه کرده‌اند مشهور فقها نیز،

۱. موسوی الخمینی، سیدروح الله. تحریر الوسیله. ج ۲. مسئله ۸. ص ۵۴۵.

۲. نجفی، محمدحسن. جواهر الکلام. ج ۱۵. ص ۵۱۴.

۳. نجفی، محمدحسن. جواهر الکلام. ج ۱۵، ص ۵۱۴.

عاقله را خویشان ذکور پدری دانسته‌اند. مؤلف جواهرالکلام معتقد است عصبه نزدیکان ذکور از جانب پدر هستند.^۱ شیخ طوسی در معنای عصبه می‌نویسد: «ایشان برادران و برادرزاده‌ها و عموها و عموزاده‌ها و عموی پدری و جدی و فرزندان ایشان هستند».^۲ عصبه را به آن جهت عاقله گفته‌اند که باید دیه قتل خطایی و دیه در جراحات را از جراحات موضعه به بالا بپردازند. بنابراین در تعریف دیه بر عاقله می‌توان گفت دیه بر عاقله عبارت است از پرداخت دیه در مقابل جنایت ناشی از قتل یا جرح خطائی از ناحیه نزدیکان ذکور پدری جانی، ولی باید توجه داشت که عاقله اختصاص به نزدیکان ذکور پدری ندارد؛ بلکه در حقوق اسلامی دیه بر عاقله به صورت یک نظام طولی پذیرفته شده است؛ یعنی خویشاوندان ذکور پدری، معتق یعنی کسی که برده خود را به شرطی آزاده کرده باشد که در مقابل ضمانت جرائم آن برده حق داشته باشد از اموال او ارث ببرد و ضامن جریره و امام به ترتیب طولی مسئولیت ناشی از انجام جنایت ناشی از قتل یا جرح خطائی را به عهده خواهند داشت. بنابراین دیه بر عاقله را می‌توان در قالب یک نظام دانست که در درجه اول مسئولیت قتل یا جرح خطائی بر عهده طبقه اول مستقر می‌شود و در صورت عدم وجود طبقه اول این مسئولیت متوجه طبقه دوم (معتق) و در صورت عدم وجود طبقه دوم ناظر به طبقه سوم (ضامن جریره) و در صورت فقدان هر سه طبقه، امام مسئول پرداخت دیه می‌باشد. مبنای تعهدات عاقله، همانا غنیمتی است که آنان از ارث جانی بهره‌مند می‌شوند «مَنْ لَهُ الْغَنَمُ فَعَلَيْهِ الْغَرَمُ». از مجموع مباحث ارائه شده نتیجه می‌گیریم که دیه بر عاقله عبارت است از پرداخت دیه در مقابل جنایت ناشی از قتل یا جرح خطائی از ناحیه نزدیکان ذکور پدری جانی یا معتق یا ضامن جریره یا امام.

۲. تطبیق بیمه با دیه بر عاقله

عده‌ای از فقها و حقوق‌دانان اسلامی بیمه مسئولیت را با نظام عاقله مقایسه و تطبیق نموده و بر

۱. نجفی، محمدحسن. جواهرالکلام. ج ۱۵، ص ۵۱۹.

۲. طوسی، محمد بن حسن. المسبوط فی الفقه الامامیه، ج ۷، ص ۱۷۴.

مشروعیت آن نظر داده‌اند.^۱ استاد شهید مطهری در تبیین این نظریه می‌نویسد: «طبقه‌ای از وراث انسان در یک موقعی مثل یک دستگاه بیمه هستند در این مواقع باید خساراتی را که انسان از روی عمد بلکه از روی خطا وارد می‌کند بپردازند. این اشخاص که یک روزی اگر این شخص بمیرد دارایش را به ارث می‌برند باید این خسارت را از ناحیه او بپردازند این شبیه بیمه است»^۲ بنابراین وجه تشابه بیمه مسئولیت با نظام عاقله، در این است که طبقه‌ای از وارثان میت مانند شرکت بیمه عمل می‌کنند یعنی خساراتی را که او در زمان حیات خود به صورت خطائی بر دیگران وارد نموده است را جبران می‌نمایند و در ازای آن، چنانچه قاتل غیر عمدی فوت کند از او ارث می‌برند. در حقیقت، پرداخت دیه، شبیه اقساط بیمه است که با پرداخت آن حق بیمه‌ای به پرداخت کننده تعلق می‌گیرد و آن ارث است.

ز- بیمه و ضمان جریره

۱. تعریف ضمان جریره

جریره در لغت به معنای جنایت و گناه است. در اصطلاح فقه ضمان جریره عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین عقد، مسئولیت جنایات مستلزم دیه را نسبت به طرف دیگر عقد می‌پذیرد مشروط بر اینکه از او ارث ببرد. ضامن جریره نباید وارث قانونی مضمون عنه باشد. از آنجائیکه در ضمان جریره شخصی که با رضایت و میل خود با دیگری عقد منعقد می‌نماید و او را ولی خود بر می‌گزیند تا ضامن جنایات احتمالی و خطایی او شود و در ازای آن از او ارث ببرد به آن عقد موالات و ولاء ضمان جریره گفته می‌شود. بدیهی است این شخص از ضامن ارث نمی‌برد مگر آن‌که او نیز متقابلاً ضامن دیگری شود؛ به تعبیر دیگر هر دو ضامن یکدیگر شوند. ضمان جریره، عقدی است که علاوه بر مستندات فقهی چون آیه شریفه (...الَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ فَآتَوْهُمْ نَصِيْبَهُمْ)^۳ «کسانی که با آنها

۱. حسینی نژاد، حسینعلی. مسئولیت مدنی. ص ۱۰۰.

۲. مطهری، مرتضی. ربا بانک بیمه. ص ۳۲۳.

۳. سوره نساء. آیه ۳۳.

پیمان بسته آید، نصیبشان را بپردازید!» فقها بر صحت آن اجماع نموده‌اند.^۱

۲. تطبیق بیمه با ضمان جریره

برخی از دانشمندان حقوق اسلامی بیمه را با ضمان جریره مقایسه کرده‌اند و از طریق مشروعیت و صحت ضمان جریره، بیمه مسئولیت را صحیح دانسته‌اند.^۲

- نظریه فقهی آیت الله شهید مرتضی مطهری

ضمان جریره تنها با نوعی از بیمه یعنی بیمه مسئولیت قابل مقایسه و تطبیق می‌باشد. ضمان جریره از آن جهت که واجد ارکان بیمه مانند ایجاب و قبول، بیمه‌گر و بیمه‌گذار، حق بیمه و موضوع بیمه است بیمه مسئولیت به‌شمار آمده است؛ زیرا موضوع بیمه به منزله مضمون و بیمه‌گذار مضمون له و بیمه‌گر ضامن و مبلغ بیمه که دیه است و خطر مورد بیمه همانا جنایتی است که به نحو احتمالی واقع می‌گردد. استاد شهید مطهری در زمینه تطبیق بیمه با ضمان جریره می‌نویسد: «ضمان جریره خیلی نزدیک به بیمه است اصولاً می‌توان گفت که ضمان جریره خود نوعی از بیمه است. یک نوع بیمه و قرارداد که اسلام آن را امضاء کرده تعهدی در مقابل او داشته باشند. این تعهدی است که شارع مستقیماً برای وارث در مقابل ارثی که مجانی می‌برد قرارداد داده است. در واقع اسلام ارثی را که انسان قهراً برای وارث باقی می‌گذارد از قبل به منزله یک حق بیمه تلقی کرده است، حق بیمه‌ای که آنها خود قرارداد نبسته‌اند ولی اسلام اجباراً این چنین تلقی کرده است نوعی بیمه اجباری است. همین ارثی که این شخص احتمالاً بعدها برای ورثه بجا خواهد گذاشت، از نظر اسلام به عنوان حق بیمه در قبال خسارت‌هایی که متوجه او می‌شود تلقی شده است اگر چه این توارث احتمالی باشد».^۳

- آیت الله سید صادق روحانی

ایشان نیز در مورد ضمان جریره و شباهتش با بیمه می‌فرمایند: عقد ضمان جریره نظیر بیمه است و

۱. عاملی، محمدبن حسن حرّ. وسائل الشیعة. ج ۱۷. ص ۵۴۷.

۲. موسی عزالدین، الاسلام و قضایا الساعة، ص ۲۱ و ابوالقاسم گرجی. مقالات حقوقی. ج ۲. ص ۲۶۷.

۳. مطهری، مرتضی. ربا بانک بیمه. ص ۳۲۶.

حتی می‌توان می‌گفت که بیمه از مصادیق و صور ضمان جریره به شمار می‌آید و همه ارکان ضمان جریره در بیمه وجود دارد، که عبارتند از ایجاب و قبول، موضوع مورد بیمه (که شخص و یا دارایی و یا نظایر آن است) بیمه گر (که شخص یا شرکت است) بیمه گذار، مبلغ بیمه‌ای (که شرکت هنگام بروز خطر می‌پردازد) خطر مورد بیمه از قبیل سرقت و این شرایط در ضمان جریره نیز موجود است در این عقد هم ایجاب و قبول معتبر است و موضوع همان امری است که مورد ضمان ضامن جریره قرار می‌گیرد، و بیمه گر همان ضامن جریره است و مبلغ مورد بیمه و اقساط به منزله دیه وارث در ضمان جریره می‌باشند و خطر مورد بیمه هم معادل جنایت در ضمان جریره به شمار می‌آید.

۲- ۱- ۲. قائلین به مستقل بودن عقد در بیمه

بیمه عقدی مستقل است و تابع عقود دیگر نمی‌باشد، زیرا عرف و عقلاً آن را دارای ارکان و شرایط و ویژگی‌های مستقل و خاص می‌دانند. استقلال این عقد مانع از شباهت آن با عقود معین نمی‌باشد، تا بدانجا که بسیاری از فقها تلاش نموده‌اند که بیمه را تحت عقود معینه قرار دهند. عقد بیمه، تمامی شرایط لازم برای تحقق عقد را دارد، لذا باید آن را عقدی مستقل به شمار آورد.

الف- نظریه امام خمینی رضوان الله علیه

حضرت امام خمینی در تاریخ هفتم مردادماه ۱۳۴۳ ضمن درس خارج فقه، قرارداد بیمه را مطرح نموده و به مشروع بودن کلیه عقود بیمه فتوا داده‌اند و بعد از آن هیچ یک از فقهای شیعه و مراجع تقلید در مقام تحریم صریح انواع بیمه برنیامده‌اند. ایشان در مسأله ۲۸۶۶ رساله توضیح المسائل خود نیز فرموده‌اند: «ظاهراً تمام اقسام بیمه صحیح می‌باشد با به کار بردن شرایطی که ذکر شد، چه بیمه عمر باشد و یا بیمه کالاهای تجاری، یا عمارات یا کشتی‌ها و هواپیماها و یا بیمه کارمندان دولت و یا مؤسسات، یا بیمه اهل یک قریه یا شهر، و بیمه عقد مستقلی است و می‌توان آن را به عنوان بعضی عقود دیگر چون صلح اجرا نمود».

ب- نظریه دیگر فقهای معاصر

۱. آیت الله خامنه‌ای

«آنچه که از نظر اهل فن مسلم است این است که بیمه عقدی مشروع، مقبول و عقلایی است و در شرع مقدس اسلام همه عقود عقلایی تصویب و امضاء شده است. این پدیده خوبی است و بایستی از آن به نفع کشور استفاده کرد».

۲. آیت الله مکارم شیرازی

«بیمه قراردادی است بین بیمه کننده و شرکت یا شخص بیمه گر و بر این اساس است که در برابر پولی که به آن شرکت یا آن شخص می دهد خسارت های وارده بر انسان یا چیزی را جبران کند و این معامله و قرارداد مستقلی است که با شرایطی صحیح است، چه بیمه کالاهای تجارتي باشد، یا ساختمان ها و اتومبیل ها و کشتی ها و هواپیماها، یا بیمه کارمندان و کارگران، یا بیمه عمر و مانند آن که در عرف عقلاء معمول است»^۱.

۳. آیت الله شهید مرتضی مطهری

استاد شهید مطهری در زمینه بیمه می نویسد: «جنبه عقلایی بیمه همان تأمین پیدا کردن از ورشکستگی، تحمل خسارت زیاد بیچارگی در زمان از کار افتادگی و ... می باشد. پولی که بیمه گر می دهد، طرف معامله و یکی از عوضین نیست، آنچه بیمه گر به بیمه گذار می دهد خود «تأمین» است، همان تعهدش ارزش دارد. در مقابل این تعهد، بیمه گذار حق بیمه می دهد، ارزش متعلق به خود تعهد است. اگر عقلاً چنین معامله ای را اختراع کرده باشند که در مقابل تعهد، پول بدهند، چون تعهد یک امر مقتضی است هیچ یک از موانعی که در فقه مسطور است در اینجا وجود ندارد و معامله، معامله صحیحی است بنابراین یکی از مشکلاتی که در باب بیمه هست یعنی شکل مجهول بودن به این طریق حل می شود»^۲.

در قسمت دیگر از دیدگاه های شهید مطهری در زمینه بیمه می خوانیم:

«در میان عقود که ما در فقه داریم، یک عقد هست که احتمال اینکه اساساً بیمه داخل در آن باشد

۱. مکارم شیرازی، ناصر. رساله توضیح المسائل. مسئله ۲۴۳۸.

۲. مطهری، مرتضی. ربا بانک بیمه. ص ۳۰۴.

زیاد است، و آن ضمان است ... بیمه به عنوان یک معامله مستقل هیچ اشکالی ندارد».

اساساً ضمان شرعی همان ضمان دین است و بس، ما تابع اسم نیستیم که آن را ضمان عهده یا ضمان درک بنامیم، ضرورتی ندارد که اسمش را ضمان بگذاریم. خودش یک معامله مستقل است و همان چیزی است که امروز به آن بیمه می‌گویند و شامل همه اقسام بیمه هم می‌شود و جامع مشترک همه آنها برای اینکه این معامله یک معامله عقلانی باشد تأمین بودن آن است.

۴. آیت الله سید محمد حسینی بهشتی

ایشان از نظر فقهی بیمه را امری مشروع می‌دانند، وی در این زمینه می‌گوید: «بیمه عبارت است از یک نوع قرارداد بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر به صورتی که بیمه‌گر بتواند در برابر خطرات احتمالی که متوجه بیمه‌گذار می‌شود تضمین به جبران بکند و به این ترتیب هیچ اشکالی در آن وجود ندارد و یک قرارداد و یک عقد متقابل است».

تنها اشکال در این است که یک طرف قرارداد قطعی نیست و تنها شبهه فقهی که وجود دارد همین است که این شبهه نیز با برخی از قراردادهایی که در فقه اسلامی آمده، (مانند جعاله) حل شده است. ایشان در جایی دیگر اظهار می‌دارند: «بعضی از انواع بیمه وجود دارد که در برابر خطرات احتمالی، با ضریب‌هایی که نسبت به افزایش خطر پیدا می‌شود بیمه‌گذار باید حق بیشتری راپردازد. گاه در بحث ایراد گرفته می‌شود که آیا رابطه‌ای بین میزان حق بیمه با میزان درصد احتمال یا بزرگ بودن خطر مشروعیت فقهی دارد و یا نه، وقتی که ما اصل بیمه را مشروع بدانیم ابعاد دیگر آن نیز هیچ اشکالی ندارد، (بیمه) بیعی است که از نظر عرف و عقل معقول است و از نظر موازین فقهی هم همان مبانی فقهی که اصل بیمه را تأیید بکند اینجا را نیز تأیید و تصحیح می‌کند».^۱

۵. آیت الله محمدعلی اراکی

ایشان در پاسخ سؤالی که در مورد بیمه عمر گردیده نظر خود را ارائه داده‌اند و بیمه را یک عقد مستقل دانسته‌اند. سؤال و جواب به شرح زیر است:

۱. بهشتی، سید محمد حسین. اقتصاد اسلامی. ص ۱۶۹ - ۱۷۱.

س: در قرارداد بیمه چنین آمده است که شخصی بیمه شده در زمان حیات خود می‌تواند افراد یا مؤسسه‌ای را به عنوان استفاده کننده از سرمایه بیمه عمر خود معرفی نماید و ورقه خاصی را امضاء می‌کند و پس از فوت او مبلغ دویست هزار تومان را به فرد یا مؤسسه مورد علاقه بیمه شونده می‌پردازد و در صورتی که کسی را معین نکرده باشد مبلغ مزبور که سرمایه بیمه نامیده می‌شود به طور مساوی بین وراث قانونی تقسیم خواهد شد حال سؤال این است که با توجه به قرارداد مزبور در این قرارداد وصیت محسوب می‌شود یا خیر و آیا تابع مقررات وصیت است یا خیر؟

ج: بیمه عقد مستقلی است، تابع شرایطی که در قرار، طرفین توافق نموده‌اند و در بیمه عمر سرمایه بیمه به ملک بیمه شده در نمی‌آید تا طبق قوانین ارث به ورثه برسد (کما فرض الله) و همچنین وصیت در ثلث نافذ باشد، بلکه بیمه شده می‌تواند در زمان حیاتش سرمایه بیمه را پس از فوت تماماً به غیر وارث بدهد یا بین وارث علی السویه تقسیم کند و با این قید که در قرارداد بیمه آمده معلوم می‌شود که به ملک بیمه شونده در نمی‌آید، پس وصیت نیست و ارث هم نیست، بلکه تابع قرارداد طرفین است.^۱

۶. آیت الله نوری همدانی

ایشان بیمه را یکی از مسائل مستحدثه دانسته و نوشته‌اند: «بیمه هرچند در سابق به شکل فعلی وجود نداشته ولی مشمول کلیات و قوانین پویای اسلام و یکی از عقود است که میان کسی که بیمه را می‌پذیرد و بیمه کننده چه شخص باشد و یا شرکت و مؤسسه به وجود می‌آید و علاوه بر شرایط عمومی معاملات شرایط دیگری هم دارد و بیمه هر چند عقد مستقلی است ولی به عنوان صلح هم می‌توان آن را اجرا کرد».^۲

۷. آیت الله حسینعلی منتظری

ظاهراً بیمه عقد مستقلی است، ولی بنابر احتیاط آن را در قالب بعضی عقود دیگر همچون صلح یا

۱. اراکی، محمدعلی. رساله توضیح المسائل. ص ۵۵۵.

۲. نوری همدانی، حسین. رساله توضیح المسائل. ص ۶۰۱.

هبه معوضه یا ضمانت در مقابل عوض بوجود آورند.

۸. آیت الله موسوی اردبیلی

بیمه عقد مستقلی است و می توان به عنوان بعضی از عقود دیگر از قبیل صلح، آن را اجرا کرد.

۹. آیت الله فاضل لنکرانی

بیمه عقد مستقلی است و احکام خاص خود را دارد و شرایط عقود بیع یا اجاره یا مضاربه در آن جاری نیست.

۱۰. آیت الله محمدی گیلانی

آیت الله محمدی گیلانی از کسانی که بیمه را عقد مستقلی نمی دانند انتقاد می کند و می گوید:

«بیمه عقدی است مستقل و لازم و همانند سایر عقود لازمه از یکطرف مشمول ادله عامه نسبت به تعهد و التزام، طرفین را ملزم به محترم شمردن آن و مراعات شرائطی که مورد توافق طرفین در عقد بیمه قرار گرفته است، می شمارد و از طرف دیگر باید شرائط کلی صحت عقد در انعقاد قرار داد بیمه ملحوظ شود. بعضی از علماء اسلام چون ادله عامه «أَوْفُوا بِالْعُقُود»^۱ یا «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ»^۲ را به عقودی که در زمان نزول وحی رواج داشته منحصر دانسته اند و بیمه را مشمول عناوین دیگر از قبیل: هبه مشروط، صلح، ضمان و ... دانسته و مسائل آن را بر بیمه منطبق کرده اند. اگر چه بیمه از جهاتی شباهت به عناوین یاد شده دارد ولی روشن است که هر یک از عناوین فوق در اصطلاح و عرف جامعه، معنایی ویژه داشته و شرائط ویژه به خود دارد. اگر چه مشترکاتی بین مصادیق آن هست ولی تفاوت هایی دارند که حدود هر یک را مشخص می کند. «بیمه» خود قرارداد خاصی است که در عرف جامعه ارتباطی با عناوین دیگر فقهی ندارد بلکه یک قرارداد رسمی و مستقل است که بیمه گر و بیمه گذار با شرائط ویژه ای بین خود منعقد کرده و ملتزم به مراعات آن می باشند».^۳

۱. سوره مائده، آیه ۱.

۲. طوسی، محمد بن حسن. تهذیب الأحکام. ج ۷. ص ۳۷۱.

۳. محمدی گیلانی، محمد. «درس خارج بیمه»، فقه اهل بیت، شماره ۸، ۱۳۷۵، ص ۸۵.

۲- ۱- ۳. نقد قائلین به غیر مستقل بودن عقد بیمه و ادله قول اقوی

۲- ۱- ۳- ۱. نقد قائلین به غیر مستقل بودن عقد در بیمه

الف- نقد قائلین به عقد ضمان

مخالفان تطبیق عقد بیمه با عقد ضمان، اشکال‌هایی را مطرح نموده‌اند که مهم‌ترین آنها را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم:

۱. تبرع، از عناصر مقوم ضمان است بنابراین ضمان معوض باطل است. بیمه نیز که عقدی معوض است محکوم به بطلان می‌باشد؛ زیرا جبران خسارت از ناحیه بیمه‌گر در عوض حق بیمه دریافتی از سوی بیمه‌گذار است. در پاسخ گفته شده است: «در صدق عنوان ضمان، تبرع ضروری نیست؛ بلکه در حق رجوع ضامن به مضمون عنه، تبرع شرط است». برخی از نویسندگان بیمه معتقدند معاوضه حقیقی، وجود حقیقی دو شیء در برابر همدیگر است ولی در بیمه که وقوع حادثه و خسارت احتمالی است معاوضه محقق نمی‌گردد.^۱

۲. عقد ضمان در اعیان غیر مضمون، «ضمان مالم یجب» به‌شمار می‌آید. و «ضمان مالم یجب باطل» است. برخی از فقها ضمانت از اعیانی که اصالتاً مضمون نیستند را از مقوله «ضمان مالم یجب» به‌شمار آورده‌اند. چنانچه در مباحث پیشین گفته شده است دلیل قاطعی بر بطلان «ضمان مالم یجب» وجود ندارد. تحقق اجماع مورد ادعا نیز به جهت صحیح شمردن ضمان مال الجعالة قبل از عمل و ضمان عهده نسبت به درک مبیع محل تأمل است چنان‌که بسیاری از فقهای عامه و خاصه، ضمان اعیان مضمونه از قبیل مال مغصوب و مقبوض به عقد فاسد را جایز دانسته‌اند.^۲ همچنین فقها ضمان عهده را که مصداق ضمان مالم یجب است صحیح شمرده‌اند؛ بنابراین تحقق اجماع مذکور تمام نمی‌باشد.

۳. ادله صحت و لزوم عقد ضمان بر ضمان دیون دلالت می‌نمایند برای ضمان اعیان دلیلی در دست

۱. خامنه‌ای، سیدمحمد. بیمه در حقوق اسلام. ص ۱۴۱.

۲. طباطبایی حکیم، سید محسن. مستمسک العروة الوثقی. ج ۱۳. ص ۳۴۳.

نیست. در پاسخ این اشکال می‌توان گفت: چنان که در مباحث پیشین ذکر گردید، ضمان مانند دیگر معاملات، امری عقلایی و عرفی است و در صحت ضمان اعیان، صدق عرفی ضمان کافی است. عموماً و اطلاعات ادله شامل ضامن اعیان نیز می‌شود.

۴. چنانچه مضمون عنه نباشد، یکی از عناصر ضمان منتفی است و با انتفای مضمون عنه تحقق عرفی عقد ضمان محل تردید است. در ضمان اعیان غیر مضمونه، عنصر مضمون عنه وجود ندارد و در نتیجه عقد ضمان تحقق عرفی ندارد.

در پاسخ می‌توان گفت: ضمان عنوان عرفی است و برای تحقق عرفی آن نیاز به وجود مضمون عنه نیست. حداکثر می‌توان وجود مضمون عنه را برای ضمان دین ضروری دانست، زیرا از لوازم آن به‌شمار می‌آید. بنابراین بعید نیست که انواعی از بیمه با عقد ضمان اعیان غیر مضمونه منطبق باشد.

ب- نقد قائلین به عقد هبه معوضه

تطبیق بیمه با هبه معوضه مورد اشکال تعدادی از فقها و حقوقدانان اسلامی قرار گرفته است برای مثال حضرت امام خمینی ره بیان داشتند که بیمه راجع فعلی بدون تردید از مصادیق هبه معوضه نیست. زیرا هرچند هبه غیر معوضه آن است که در آن شرط عوض نشده باشد، ولی منافاتی هم ندارد که گیرنده هبه عوض مال موهب را به هبه دهنده بدهد اما ملازمه‌ای بین آنها وجود ندارد در صورتی که در بیمه این ملازمه وجود دارد.

علیرغم تلاش گروهی از فقها در اثبات مشروعیت عقد بیمه از طریق تطبیق آن با عقد هبه معوض، نمی‌توان بیمه را مصداق آن به‌شمار آورد. زیرا:

اولاً: لزوم عقد هبه معوض منوط به قبض عوض است در حالی که در عقد بیمه قبل از ایفاء تعهد بیمه‌گر، عقد بیمه لازم می‌باشد؛ به تعبیر دیگر در هبه، پس از قبض مال موهوب، متبیه مخیر بین رد مال و دفع عوض است در حالی که در بیمه، چنین نیست؛ زیرا وجوه دریافتی، جزو اموال بیمه‌گر

محسوب می‌گردد و قابل استرداد نمی‌باشد.^۱

ثانیاً: درست است که ماهیت هبه معوض ایجاب می‌نماید که شرط عوض در آن شده باشد ولی منافاتی ندارد که عوض مالی «موهب» به واهب داده نشود یعنی ملازمه‌ای بین آنها وجود ندارد. در حالی که در بیمه از نظر طرفین قرارداد، ملازمه‌ای بین پرداخت اقساط و مبلغ بیمه وجود دارد. یعنی با پرداخت اقساط از طرف بیمه‌گذار، بیمه‌گر نیز ملزم به پرداخت خسارت می‌شود و بدون اخذ اقساط بیمه، تعهدی را بر عهده نمی‌گیرد. بنابراین بین عمل طرفین ملازمه وجود دارد. به هر حال عرف و عقلاً تلقی که از هبه دارند غیر از تلقی آنها از بیمه است زیرا اقدام به تملیک مجانی مال اگر چه مشروط به عوض باشد با اقدام به بیمه کاملاً متفاوت است آنها با انگیزه امنیت اموال یا مسئولیت یا اشخاص حق بیمه می‌پردازند و اصولاً قصد و انگیزه آنها تملیک مجانی مشروط به عوض نیست.^۲

ج- نقد قائلین به عقد صلح

این راه حل اگر چه منطبق با موازین شرعی است ولی واقعیت این است که متعاقدين در مقام انشاء عقد، بنابر مصالح ندارند. لذا بیمه‌گذار کالای مورد بیمه را از مالکیت خویش خارج نمی‌سازد. شاید بدین جهت امام خمینی معتقدند که بیمه رایج عرفی بدون تردید صلح نمی‌باشد بلکه عقدی مستقل است.^۳

د- نقد قائلین به عقد جعالة

علیرغم استدلال فقهای که قرارداد بیمه را بر اساس جعالة توجیه می‌نمایند، اشکالاتی به این نظریه وارد است که به شرح زیر می‌باشد:

اولاً: جعالة عقدی جایز است، یعنی عامل می‌تواند قبل از انجام عمل یا بعد از انجام بخشی از آن، عقد را منحل نماید و همچنین انحلال جعالة از ناحیه جاعل نیز قبل از اقدام عامل جایز است. اما بعد

۱. خامنه‌ای، سیدمحمد. بیمه در حقوق اسلام. ص ۱۴۸.

۲. موسوی الخمینی، سیدروح الله. تحریر الوسیله. مسئله ۶.

۳. موسوی الخمینی، سیدروح الله. تحریر الوسیله. ج ۲. ص ۶۰۹.

از انجام بخشی از عمل تنها نسبت به بقیه عمل می‌تواند عقد را منحل نماید ولی عقد بیمه به مجرد تحقق آن برای طرفین لازم می‌باشد.

ثانیاً: بیمه عقد است، ولی جعاله به زعم عده‌ای از فقها ایقاع است. این اختلاف در نظریه آیت الله سید محسن حکیم مشهود است، ایشان در تعریف جعاله می‌فرمایند که: «جعاله از جمله ایقاعات به شمار می‌رود»، اما به هنگام مطرح نمودن مسئله نهم از باب عقدالتامین و پرداختن به مسئله بیمه می‌فرمایند عقد بیمه از مصادیق جعاله است و این تناقض در این متن به نظر می‌رسد.^۱

ثالثاً: در جعاله عامل در ازای انجام عمل مستحق دریافت جعل می‌گردد در حالی که در بیمه، چه بسا بیمه‌گر، برای بیمه‌گذار کاری را انجام نمی‌دهد تا استحقاق گرفتن اجرت را داشته باشند.

رابعاً: در جعاله تعیین عامل شرط تحقق آن نمی‌باشد در حالی که در قرارداد بیمه، بیمه‌گر باید معین و مشخص باشد.

خامساً: در جعاله، عامل بعد از انجام عمل مستحق جعل می‌شود در حالی که بیمه‌گذار به مجرد انعقاد قرارداد بیمه موظف به پرداخت قسط خود می‌باشد و چنانچه اقساط را پرداخت ننماید بیمه‌گر تعهدی نسبت به او نخواهد داشت. بنابراین صحت و مشروعیت قرارداد بیمه را نمی‌توان به وسیله جعاله اثبات نمود.

۵- نقد قائلین به عقد مضاربه

نظریه انطباق بیمه با مضاربه از ناحیه فقها مورد انتقاد قرار گرفته و اشکال‌های فراوانی به این نظریه وارد شده است که برخی از آنها به شرح زیر می‌باشد.

اولاً: فلسفه تأسیس عقد مضاربه، جریان سرمایه برای تحصیل سود بیشتر برای مضارب است، ولی فلسفه عقد بیمه خصوصی تحصیل امنیت از سوی بیمه‌گذار و تحصیل سود برای بیمه‌گر می‌باشد.

ثانیاً: در مضاربه شرط است که پول و وجه داده شده به عامل، در تجارت گردش یابد، ولی در عقد

۱. حکیم، سیدمحسن. منهاج الصالحین. جزء ۲. ص ۱۵۳.

بیمه چنین شرطی وجود ندارد.

ثالثاً: مضاربه عقد جایز است در حالی که بیمه عقد لازم است.

رابعاً: در عقد مضاربه سود و زیان قبل از عملیات مضاربه معلوم نمی‌باشد در حالی که در بیمه عمر، مبلغ مقرری بیمه، که بیمه‌گذار دریافت می‌نماید، از همان ابتدای قرارداد بیمه به صورت قطعی تعیین می‌گردد است.

خامساً: در مضاربه سرمایه از دست صاحب آن خارج نمی‌شود ولی در بیمه، آنچه که بیمه‌گذار پرداخت می‌نماید از مالکیت او خارج شده و در مالکیت شرکت بیمه قرار می‌گیرد. از مجموع اشکال‌های مذکور نتیجه گرفته می‌شود که انطباق بیمه با مضاربه صحیح نمی‌باشد و چگونه می‌توان با مشابهت احتمالی بین بیمه عمر و مضاربه همه اقسام و انواع بیمه را با مضاربه منطبق نمود.^۱

و- نقد قائلین به ضمان عاقله

اگر چه وجه تشابه بین عقد بیمه با دیه بر عاقله وجود دارد، ولی وجوه افتراق بین این دو به حدی است که نمی‌توان آن دو را بر همدیگر منطبق نمود. وجوه افتراق را می‌توان در قالب اشکال‌های زیر مطرح نمود:

اولاً: اکثر انواع بیمه ناشی از توافق طرفین است ولی دیه بر عاقله کاملاً جبری و تحمیلی است.

ثانیاً: عقد بیمه مسئولیت از شمول و گستردگی برخوردار است و تمامی مسئولیت‌ها را شامل می‌شود در حالی که دیه بر عاقله تنها مسئولیت ناشی از جنایت خطائی بر نفس و جراحات از نوع موضحه به بالا می‌باشد.

ثالثاً: دیه بر عاقله بر اساس تعاون اجتماعی شکل گرفته است در حالی که در بیمه مسئولیت، تحصیل سود مورد توجه است.

۱. برهانیان، عبدالحسین. بررسی مبانی بیمه در اسلام. ص ۱۴۶.

رابعاً: دیه بر عاقله تنها یک تکلیف است و اصولاً به افراد دارا و متمکن اختصاص دارد در صورتی که در بیمه مسأله ثروت و فقر تأثیری در پرداخت حق بیمه مقرر، ندارد.^۱

ز- نقد قائلین به ضمان جریره

اگر چه ارکان ضمان جریره با ارکان بیمه قلیل تطبیق هستند، ولی برخی ویژگی‌های عقد بیمه با ویژگی‌های ضمان جریره قابل تطبیق نمی‌باشد. موارد عدم انطباق به صورت اشکال‌های زیر مطرح شده است.

اولاً: تحقق و صحت ضمان جریره مشروط به عدم وجود وارث نسبی برای مضمون له است چه در زمان انعقاد عقد ضمان چه بعد از آن، مضمون له نباید دارای وارث باشد بنابراین وجود یا پیدایش وارث نسبی موجب بطلان عقد ضمان جریره می‌شود در حالی که بیمه عقدی است که مشروط به این شرط نمی‌باشد. به تعبیر دیگر بیمه یک عقد آزاد و مطلق است.

ثانیاً: در ضمان جریره، ضامن پس از فوت مضمون له تنها مبلغی را که به عنوان دیه پرداخت نموده است از اموال او استحقاق برداشت دارد ولی در بیمه مبلغی که بیمه‌گر از بیمه‌گذار می‌گیرد ممکن است کمتر یا بیشتر از مبلغ بیمه باشد.

ثالثاً: ضمان جریره ضرورتاً بین دو شخص حقیقی منعقد می‌گردد در حالی که عقد بیمه می‌تواند بین شخص حقیقی و شخص حقوقی یا یک شخص حقوقی و شخص حقوقی دیگر منعقد گردد.^۲

۲- ۱- ۳- ۲. ادله قائلین به مستقل بودن عقد در بیمه

در رابطه با عقد بودن بیمه اختلافی بین فقهای شیعه به نظر نمی‌رسد لکن در استقلال و عدم استقلال عقد در بیمه اخلاف نظر وجود دارد که در مطالب این بخش در نظر داریم ادله قائلین به مستقل بودن عقد در بیمه را بیان نمائیم.

الف- عموماً و اطلاعات ادله صحت عقد

۱. گرجی. ابوالقاسم. مقالات حقوقی. ج ۱. ص ۲۶۹.

۲. برهانیان. عبدالحسین. بررسی مبانی بیمه در اسلام. ص ۱۶۵.

بیمه از جمله مسائلی است که در جامعه مدنی دوران جدید مطرح شده و در موارد کاربردی خود عهده دار تأمین اجتماعی افراد جامع است و از آنجایی که امری معقول بوده مکتب اسلام آن را پذیرفته و براساس قوانین شرعی، احکام را بر آن مترتب کرده است. وضع نهاد حقوقی بیمه نیز در پی مصالح اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و صورت پذیرفته است. در واقع بیمه معرف میزان توسعه یک کشور بوده و وسیله‌ای برای تسریع توسعه اقتصادی است.

در قرآن کریم سخن صریحی درباره بیمه وجود ندارد، ولی راهکارهایی کلی که جهت گیری آن‌ها می‌تواند متناسب با بیمه یا برخی موضوعات آن قرار گیرد، به چشم می‌خورد. همچنین هیچ گونه منع شرعی در خصوص قراردادهای بیمه در قرآن کریم دیده نمی‌شود. با توجه به آیات قرآن کریم «عهد و پیمان» و لزوم پایبندی به قراردادها و پیمان‌ها قاعده‌های کلی در شریعت محمدی (ص) است که تمامی قراردادهای عرفی بشری را شامل می‌شود و بیمه نوعی قرارداد است که مشمول حکم کلی قراردادها و لزوم وفای به آن می‌گردد.

همچنین با عنایت به آیات و روایات در زمینه انفاق، خمس، زکات، صدقه و ... که هر یک (جدای از بُعد مذهبی) به گونه‌ای جنبه حمایتی از افراد ضعیف جامعه را دارد می‌توان به این نتیجه رسید که نه تنها هیچ گونه احتمال خلافی با اشکال مختلف حمایت‌های تأمین اجتماعی، و به طور کلی بیمه، از نظر شرعی داده نشده است، بلکه مورد تأیید والتبه باید توجه نمود که به صرف شباهت داشتن در برخی اهداف یا راهکارها نمی‌توان حکم شرعی یک پدیده را به دیگری سرایت داد مگر اینکه ملاک قطعی حکم را کشف کرده پس از اثبات وجود ملاک در دیگری به تسری حکم فتوا داد و به اصطلاح با تنقیح مناط یکی کشف حکم کلی و حکمت و علت آن، مصادیق جدیدتر را نیز مشروع دانست.^۱ می‌دانیم که هر عقدی از عقود معاملات که موجب نقل و انتقال اموال است در صورت وقوع شک در حکم کلی آن و عدم دلیل بر وقوع نقل و انتقال نمی‌توان حکم به صحت آن نمود، زیرا براساس اصل اولی فساد و اصل عدم وقوع نقل و انتقال تا زمانی که دلیل روشن شرعی بر صحت و تأیید

۱. برهانیان، عبدالحسین. بررسی مبانی بیمه در اسلام. ص ۱۲۰.

شرعی یک قرارداد به طور خاص یا عام وجود نداشته باشد، باید حکم به بطلان آن نمود. بنابراین حکم به صحت عقد جدیدی مانند بیمه که در عصر معصومان وجود نداشته است هر چند عقلایی باشد نیازمند اقامه دلیل و تأیید شرعی و مشروعیت آن است و در فرض فقدان دلیل یا تعارض ادله و یا اجمال دلیل باید به اصل فساد رجوع نمود چنانچه براساس پذیرش دلالت عمومات شرعی، هر عقدی را پس از انعقاد آن با رعایت اجزاء و شرایط آن صحیح و لازم و واجب الوفا دانستیم قاعده فقهی و اصل ثانوی خواهد بود که با وجود آن راهی به اصل اولی فساد نخواهیم داشت.

برای شناخت حکم شرعی هر عقد و قراردادی چنانچه پس از تحلیل موضوعی آن معلوم شود که داخل هیچ یک از عناوین خاص و عقود معین شرعی نیست ابتدا باید به قواعد فقهی معاملات و ادله عام شرعی در مورد عقود مراجعه نماییم، تا بتوانیم با استفاده از امارات شرعی، حکم فقهی آن را به دست آوریم، در این مرحله نباید از اصول عملیه برای حکم فقهی استفاده نمود. بنابراین برای شناخت حکم فقهی بیمه به صورت کلی قواعد فقهی معاملات را مورد مطالعه قرار داده و حکم شرعی آن را از این طریق استنباط می‌کنیم، ادله عامی که قابلیت شمول نسبت به بیمه را دارند در ذیل بررسی می‌شود:

۱. آیات

ادعای اختصاص العقود به عقود خاص صرفاً بر این اساس است که الف و لام در عقود برای عهد باشد که آن هم خلاف ظاهر است. بنابراین منظور از عقود معنای وسیعی است که شامل عقود الهی و مطلق عقود بشری می‌شود به روشنی می‌توان گفت که قرارداد بیمه از نظر شرعی صحیح و لازم است و مانند سایر انواع عقود تا زمانی که بر خلاف موازین شرع در آن انجام نشود، مشروعیت دارد. عمومات و اطلاقات آیاتی از قرآن بر اعتبار عقود مستحلش (مانند بیمه) دلالت می‌نماید. از جمله می‌توان از آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»^۱ نام برد که به مفاد آنها بر صحت عقود مستحلّه استدلال می‌شود. مفاد

۱. سوره مائده. آیه ۱.

آیه مذکور دلالت بر لزوم وفا به مفاد همه عقود و پیمان‌ها دارد، زیرا العقود چون همراه با «الف و لام» آمده است دلالت بر عموم زمانی و افرادی دارد؛ یعنی هر نوع عقد و پیمانی که در عرف مرسوم است، مشمول آیه می‌گردد.

سیدمحمدکاظم یزدی (ره) می‌گوید: «انحصار در عقود را نمی‌پذیریم و برای مشروعیت عقود مستحده نیاز به دلیل خاص نمی‌باشد بلکه به مقتضای عمومات هر معامله عقلایی صحیح می‌باشد، مگر این که دلیل خاص بر عدم صحت آن داشته باشیم. لذا هرگونه عقدی که بر اساس رضایت دو طرف یا انشاء یک طرف پدید آید، صحیح و لازم الوفاء می‌باشد».^۱

۲. روایات

در بحث استدلال به روایات برای صحت عقود مستحده می‌توان به احادیثی چون «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ، مُؤْمِنِينَ بَايَعُوا شُرُوطَهُمْ» و «الْصُّلْحُ جَائِزٌ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ، صَلْحٌ مِثْلُ مَسْلَمَانٍ جَائِزٌ»^۲ و «لَا يَحِلُّ مَالُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا بِطَيْبِ نَفْسِهِ، تَصَرَّفَ فِي مَالِ كَسِيٍّ جَائِزٌ نَمِيَّ»^۳ مگر با اجازه آن فرد^۴ استناد کرد.

روایت «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ»^۵ از جمله روایاتی است که برای صحت عقود غیر معین همچون بیمه بر آنها استدلال شده است. این روایت از نظر سند شهرت دارد، لذا به صورت یک قاعده فقهی مورد استناد قرار گرفته است. شیخ انصاری (ره) در این مورد می‌فرماید: استدلال این قاعده مبتنی بر این است که شرط را مطلق الزام و التزام بدانیم.^۶ در این صورت حدیث بر وجوب عمل به کلیه عقود و شروطی که اشخاص در هر زمانی منعقد می‌کنند، دلالت دارد و عقد بیمه از مصادیق عقود عرفی

۱. یزدی، سیدمحمدکاظم. عروه الوثقی. ج ۲. ص ۷۱۱.

۲. حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن. تذکره الفقهاء. ج ۲. ص ۱۷۷.

۳. عاملی، محمدبن حسن حرّ. وسائل الشیعه. ج ۱۰. ص ۴۹۹.

۴. طوسی، محمد بن حسن. تهذیب الأحکام. ج ۷. ص ۳۷۱.

۵. انصاری، مرتضی. مکاسب. ج ۱. ص ۲۷.

است، لذا التزام به مفاد آن بر اساس حدیث نبوی ضروری است.^۱

ب- بنای عقلا

۱. مفهوم بنای عقلا

تعبیر دانشمندان از این مفهوم یکسان نبوده است. عده ای از آن به «عرف عقلا»، برخی به «سیره عقلا» بعضی به «روش و طریقه عقلا» و در نهایت بیشتر متأخرین به عنوان «بنای عقلا» یاد نموده اند. برخی به روش عموم در گفتگو و معاملات و روابط اجتماعی آنان و (گرایش به عرف عام) مثل رجوع به خبره و عمل به ظاهر کلام «بنای عقلا» گفته اند.^۲

۲. عناصر و ارکان بنای عقلا

عناصر بنای عقلا عبارتند از:

اول: عمل

دوم: تکرار عمل

سوم: تکرار عمل به حد غالب یا عموم در محل معین و یا غیر معین

چهارم: مفید بودن یا مستحسن بودن عمل

پنجم: عمل ممکن است ارادی یا فطری (ارتکازی) باشد که در این صورت رابطه بناء عقلا با عرف و عادت رابطه عموم و خصوص من الوجهه است. نتیجه آنکه «بنای عقلا» رویه علمی و ارتکازهای عقلای عالم است و مهمترین مصداق آن همان عمل و رفتار عینی و خارجی است که از ویژگی هایی مثل تکرار، شمول، پذیرش و فراگیری عمومی برخوردار است. گروهی از فقها و حقوقدانان راه حل شرعی بیمه را در استناد به عقل و بنای عقلاء یافته اند. علمای اهل تسنن به طور کلی عقل را به عنوان منبع مستقل قبول نداشته و آن را تحت عناوین استحسان و مصالح مرسله و قیاس مورد بحث قرار داده اند. آیت الله نائینی (ره) در ضمن بحث مفصلی از بنای عقلاء می فرماید، هیچ گونه اشکالی در

۱. برهانیان، عبدالحسین. بررسی مبانی بیمه در اسلام. ص ۱۲۲-۱۲۸.

۲. جرجانی، سید شریف. تعریفات، تحقیق عبدالرحمن عمیره. ص ۶۴.

اعتبار سیره عقلاء و صحت تمسک به آن نیست و ظاهراً برای اعتبار سیره عقلاء امضای شارع هم نیاز ندارد بلکه «عدم ردع» کافیهست. زیرا اگر با وجود امکان ردع اقدامی از طرف شارع صورت نگرفته باشد این امر ملازمه با رضای شارع دارد.^۱

شهید مطهری (ره) نیز معتقد است که اگر عقلاء چنین معامله‌ای را اختراع کرده باشند که در مقابل تعهد بیمه گر برای تأمین بیمه گذار پولی پرداخت شود، چون تعهد، امر شخصی است، این معامله با هیچ یک از موانعی که در کتب فقهی نوشته شده است، برخورد پیدا نخواهد کرد و چنین معامله‌ای صحیح خواهد بود.^۲

ج- دلیل عقل

فقه‌های امامیه عقل را به عنوان منبع فقه به رسمیت می‌شناسند. از منظر امامیه دلیلی که صغری و کبری آن عقلی بوده و نتیجه‌ای شرعی داشته باشد «مستقله عقلیه» به شمار می‌آید. فقها عقل مستقل - عقلی که از انفعالات اوهام، عادات و عواطف خالی باشد - را به عنوان منبعی مستقل در عرض کتاب و سنت و اجماع برای کشف حکم شرعی به شمار می‌آورند. کیفیت استدلال دلیل عقل در بحث بیمه، این گونه است که تحصیل امنیت خاطر امری است که عقل آن را مطلوب می‌داند، و بیمه امری است که به همین دلیل عقل آن را پسندیده و نیکو می‌شمارد، چنان که عقل «عدل» را نیکو می‌داند. حال اگر این صغری را بپذیریم و با کبری «کُلَّمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْع»^۳ ضمیمه کنیم، حکم شرعی به مطلوبیت بیمه را از آن استنتاج می‌نماییم. این به آن معناست که بیمه چون قراردادی است که عقل (خالی از هرگونه شائبه نفسانی) آن را نیکو می‌شمارد، شارع مقدس نیز به نیکو بودن آن اذعان داشته و آن را امری مشروع می‌شمارد.^۴

۱. برهانیان، عبدالحسین. بررسی مبانی بیمه در اسلام. ص ۱۱۹.

۲. مطهری، مرتضی. بررسی فقهی مسئله بیمه. ص ۲۸.

۳. این یک قاعده کلی و پذیرفته شده نزد علمای اصول می‌باشد؛ یعنی هرچه عقل حکم کند شرح نیز به آن حکم می‌کند.

۴. برهانیان، عبدالحسین. بررسی مبانی بیمه در اسلام. ص ۱۲۲.

د- عرف

گروهی دیگر برای تأیید حلیت بیمه، به عرف استناد نموده‌اند. نخستین کسی که عرف را در شناخت احکام شرعی در حوزه اجتهاد و استنباط پذیرفت، ابوحنیفه بود. آیت الله نائینی (ره) در مورد ضرر و زیان ناشی از عدم النفع، «عرف» را مبنای نظر خود قرار داده و بدین ترتیب عرف مورد توجه عده‌ای از فقهای شیعه نیز قرار گرفته است.^۱

قانون مدنی ایران، در موارد متعددی حل مشکل را به عرف و عادت واگذار نموده^۲ و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی نیز قاضی را مکلف کرده است که در صورت کامل نبودن، صریح نبودن یا نبودن قانون، نیز می‌توان با اعمال عرف و عادت در مورد بیمه نظر به حلیت آن داد. نظر به اینکه شارع مقدس معمولاً عرف و عادت موجود در بین مردم را امضاء می‌کند، و به قول بعضی از فقها، تعبد در معاملات بعید است، و رسم شارع و قانون گذار نیز امضای عرف و عادت مرسوم در معاملات می‌باشد، و از آنجایی که بیمه نیز شایع در بین مردم بوده و بر حرمت آن نصی وجود ندارد، و این عمل مورد قبول عقلاء بوده و جامعه نیز به آن نیازمند است، و با توجه به این که به نظر بعضی از علمای حقوق نیز اصولاً دلیلی مبنی بر این که منابع حقوق اسلامی منحصر به ادله اربعه بوده است مشاهده نشده، و با توجه به اینکه تعداد زیادی از فقها نیز عرف را از ادله احکام می‌دانند، بنابراین به نظر می‌رسد که استناد به عرف برای توجیه مشروعیت بیمه بلا اشکال بوده است.

۲-۲. تطبیق بیمه با فقه اسلامی

در این مبحث مقررات بیمه از جهت نوع آن که با تطبیقش بر فقه، آیا عقد است یا ایقاع و همچنین تطبیق بیمه با قواعد عامه فقهی و اصول کلی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۲-۱. نوع مقررات بیمه در فقه

۱. غروی اصفهانی، محمدحسین. منیة الطالب علی حاشیة المکاسب. ج ۲. ص ۱۹۸.

۲. کاتوزیان، ناصر. مقدمه علم حقوق (فصل منابع حقوق - مبحث دوم. ص ۱۵۶).

۲-۲-۱. تطبیق بیمه بر تعریف عقد

در رابطه با عقد بودن بیمه در بین علما کم‌تر اختلاف نظری وجود دارد و عمده اختلافات در خصوص استقلال و عدم استقلال عقد در بیمه است، یک گروه قائل به این هستند که بیمه عقدی مستقل است و گروه دوم سعی کرده‌اند که بیمه را جزء عقود معین که از ناحیه شارع مشخص شده‌اند و صحت آن امضاء شده است قرار دهند. بعضی از فقهاء همچون صاحب کتاب (ایضاح الفوائد) قائل به این هستند که شارع مقدس برای هر عقد لازم، صیغه بخصوصی ذکر کرده است و بنابراین باید تنها به عقود مذکور در فقه بسنده کرد ولی شیخ اعظم مرتضی انصاری (ره) در مقام رد بر این کلام می‌نویسند: «برای کسی که فتاوی علما را مورد توجه قرار داده باشد، این کلام مطلب قابل اعتنایی نیست».^۱

هرچند برخی از فقهاء قائل به حصری بودن و توقیفی بودن معاملات شده‌اند، ولی دلیل بر حصری بودن معاملات و عقود وجود ندارد، بلکه با توجه به اطلاقات و عمومات ادله می‌توان صحت هر عقدی را استدلال نمود. به تعبیر دیگر می‌توان گفت که اصل در عقود و معاملات صحت است مگر آنکه فساد آن معامله به دلیل خاص روشن شود. و همانطور که گذشت از طریق عمومات ادله صحت عقد و همچنین از طریق تطبیق بیمه بر عقود جایز می‌توان قائل به صحت عقد بودن بیمه شد. باتوجه به صحیح دانستن عقد در بیمه از جهت شرعی قانون‌گذار نیز در ماده ۱ قانون بیمه، این نهاد را نوعی عقد تلقی کرده است.

الف- ایجاب و قبول

۱. تعریف ایجاب و قبول در عقد بیمه:

ایجاب و قبول در عقد بیمه آن است که دو طرف عقد باید اراده باطنی خویش را در انعقاد عقدی ابراز نمایند و به تعبیر صحیح‌تر باید آن را انشاء نمایند. بنابر این هر عقدی دو انشاء دارد، یکی ایجاب و دیگری قبول به اعتبار ایجاب و قبول در عقود و معاملات، طرف ایجاب کننده را موجب و

۱. ابراهیمی، محمدحسین. بیمه و تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام. ص ۲۵.

طرف قبول کننده را قابل می نامند.

۲. موجب و قابل کیست

حال این سؤال مطرح می شود که کدام یک از دو طرف عقد یعنی بیمه گذار موجب و دیگری قابل به شمار می آیند؟ در این باره به نظریات ذیل می توان اشاره نمود:

۱. موجب: کسی است که موضوع معامله در تصرف او باشد و قابل فردی است که فقط ارزش و بهای معامله را می پردازد. در عقد بیع، موضوع اصلی معامله و منظور اصلی مبادله که مبیع می باشد نزد موجب است، بنابراین بایع موجب و مشتری که ارزش و بهای مبیع را می پردازد قابل می باشد.

۲. موجب: کسی است که زودتر از طرف مقابل، قصد درونی خویش را ابراز نماید. بنابر این کاشف قصد، ایجاب و شخص مبرز را موجب می نامند و کاشف قصد طرف مقابل را قبول و شخص مبرز آن را قابل می نامند. بنابراین ممکن است به اعتبار تقدم در ابراز، دهنده ثمن (در عقد بیع)، را موجب و مالک ثمن را قابل بنامند.

۳. موجب: کسی است که طرف مقابل او در عقد، انشاء چیزی را می نماید که به وسیله حرف «به» مشخص می شود؛ مثلاً در عبارت «فروختن این اتومبیل را به یک میلیون تومان» دهنده ثمن «قابل» و مالک اتومبیل «موجب» شناخته می شود.

به گمان ما نظریه نخست، معیار مطلوبی را جهت تشخیص موجب از قابل ارائه می دهد. در عقد بیمه، جبران خسارت محتمل توسط بیمه گر، محور توافق و تراضی متعاقدين است و مقصود اصلی بیمه و هدف و غایت آن، آرامش و اطمینان خاطری است که با جبران خسارت تحصیل می شود. بیمه گذار در ازای آن مبلغی را به عنوان حق بیمه به بیمه گر می پردازد. از این رو می توان بیمه گر را موجب و بیمه گذار را قابل به شمار آورد. اما با این وصف برخی از فقها با فرض اصالت داشتن عوضین در عقد بیمه، هریک از بیمه گر و بیمه گذار را واجد صلاحیت ایجاب و قبول دانسته اند؛ یعنی بیمه گر می تواند با تصریح به این معنا که خسارت فلان حادثه را در ازای فلان مبلغ، جبران می نماید عقد را ایجاب کند و بیمه گذار نیز آن را قبول می نماید. یا بیمه گذار با تصریح به این معنا که فلان مبلغ را در فلان

مدت در ازای جبران خسارت فلان حادثه می‌پردازم عقد را ایجاب و بیمه‌گر آن را می‌پذیرد. در هر دو صورت عقد بیمه تحقق می‌یابد.^۱

ب- معاطات

بعد از آنکه فهمیده شد که عقد بیمه همانند سایر عقود لازم است همراه ایجاب و قبول باشد باید پرسید، آیا لازم است که ایجاب و قبول زبانی باشد یعنی بایست طرفین آنچه را بصورت قرارداد امضاء می‌کنند به زبان جاری کنند یا تنها به امضاء قرارداد می‌توان بسنده کرد. می‌دانیم که فقها بزرگ شیعه، در مواردی که ایجاب و قبول لفظی، شرط صحت عقد قرارداد محسوب نشده است، معاطات را مطرح کرده‌اند. در «معاطات» لفظی به زبان جاری نمی‌شود ولی با عمل خود عقد و التزام به آن را نشان می‌دهند. اگر ما در بحث بیع و اجاره و... معاطات را صحیح دانستیم و گفتیم که الفاظ نقش مستقل در انعقاد قرارداد ندارند بلکه تصمیم و اراده و انشاء طرفین معامله، موجب نقل و انتقال و انجام معامله می‌شود؛ در بحث بیمه نیز، همینطور خواهد بود؛ امضاء اوراق قرارداد بیمه، بعد از خواندن و یا اطلاع از مفاد آن برای پیدایی عقد قرارداد بس خواهد بود.^۲

ج- ایقاع

معاملاتی که بر انشای طرفین متوقف نیستند ایقاع نامیده می‌شوند مانند طلاق، عتاق و ابراء دین. ایقاع با قصد انشاء یک نفر بدون نیاز به ضمیمه شدن موافقت دیگری تحقق پیدا می‌کند و در نتیجه حقی را ایجاد (تملک در حیازت مباحات) یا اسقاط (ابراء حق دینی) می‌نماید. ایقاع در بسیاری موارد و مصادیق خود، امر موجود در عالم اعتبار را از بین می‌برد مانند طلاق که علقه زوجیت را منحل می‌نماید یا ابراء که دین را ساقط می‌کند، اما با این حال در برخی از موارد ایقاع سبب تملک حقوق عینی می‌شود، چنان‌که شخص می‌تواند با آبادکردن زمینی یا حیازت آب مباحی آن را مالک شود. مرحوم آیت الله بروجردی در مورد ایقاع اینگونه می‌فرماید: «اما اگر کاری باشد که از نظر حقوقی،

۱. موسوی الخمینی، سیدروح الله. تحریرالوسیله. ج ۲. مسئله ۲. ص ۵۴۷.

۲. قمی، میرزا ابوالقاسم. جامع الشتات. ج ۲. ص ۳۶۸.

صرفاً در سلطه یک طرف است و در سلطه طرف دیگر نیست، در این صورت، برای تصرف یک طرف، نیازی به قبول طرف دیگر نخواهد بود و چنین موردی ایقاع است؛ مثل ابراء دین، اگر کسی از فردی طلبکار باشد و می‌خواهد از طلب خود صرف نظر کند، در اینجا نمی‌خواهد در چیزی که در سلطه دیگری است، تعرض کرده باشد، بلکه می‌خواهد آنچه را که مربوط به خودش هست، بردارد و رفع کند. بنابر این، ابراء دین، ایقاع است و به قبول طرف دیگر نیازی ندارد.^۱

به گمان ما همان‌گونه که وجه اشتراک عقد و ایقاع انشاء قصد درونی است وجه افتراق این دو در کیفیت همین انشاء است. یعنی اگر انشاء متضمن دو خلع و دو لبس باشد یعنی انشاء با ولایت و سلطان دیگری برخورد می‌نماید عقد تحقق پیدا می‌کند چنان‌که در بیع، موجب با انشاء خود رابطه اضافی مثنی و مبیع را از خود خلع و به مشتری اضافه می‌دهد و قابل نیز اضافه ثمن را از خود خلع و به بایع اضافه می‌دهد لذا دو خلع و دو لبس صورت می‌پذیرد. ولی در ایقاع تنها یک خلع و یک لبس صورت می‌پذیرد. چنان‌که ابراء کننده در ابراء، مالی را که به صورت دین، ذمه مدیون را مشغول نموده است از خود خلع و به او اضافه می‌دهد. در بیمه چون دو خلع و دو لبس صورت می‌پذیرد باید آن را از مقوله عقود به‌شمار آورد. زیرا در سلطه دو طرف بیمه یعنی بیمه‌گر و بیمه‌گذار تصرف صورت می‌پذیرد. البته باید گفت بیمه عقد است مگر آن که مثل برخی قائل به غیر مستقل بودن بیمه شویم و آن را از مصادیق جعاله بدانیم که در این صورت بنابر نظر برخی که جعاله را ایقاع می‌دانند می‌توان گفت که بیمه ایقاع است نه عقد.^۲

۲-۲-۲. تطبیق بیمه با قواعد عامه فقهی

۲-۲-۲-۱. بیمه وقواعد فقهی

از آنجا که قواعد فقهی کمک شایانی به حل بسیاری از مسائل و معضلات بیمه‌ای در رسیدگی به

۱. مطهری، مرتضی. مسئله ربا به ضمیمه بیمه. ص ۲۷۶.

۲. برهانیان، عبدالحسین. بررسی مبانی بیمه در اسلام. ص ۳۳.

پرونده‌های حقوقی بیمه‌ای می‌نماید در این قسمت به ذکر تعدادی از قواعد فقهی که کاربرد بیشتری نسبت به سایر قواعد فقهی دارند می‌پردازیم.

الف- قاعده اتلاف و تسبیب

«من أتلّفَ مالَ الغير فهو له ضامن»

۱. تعریف قاعده:

هرگاه کسی شخصاً، یعنی بدون واسطه، یا به وسیله‌ای و با واسطه مال دیگری را تلف کند، تلف کننده مال در برابر صاحب آن ضامن و مسئول است. مثلاً هر گاه کسی شخصاً مزرعه دیگری را آتش بزند ضامن است و این اتلاف بالمباشره است، ولی اگر مثلاً برای تفریح به مزرعه‌ای رفته و برای طبخ غذا آتشی بیافروزد و باد آن آتش را به مزرعه مجاور برساند و سبب آتش سوزی در آن مزرعه شود او ضامن است و این اتلاف بالتسبیب است.

۲. عناصر مهم تعریف قاعده اتلاف:

تلف، مال، ضمان، شخصاً یا با واسطه

تلف: به معنای نابود کردن و از بین بردن و از مالیت انداختن است. مثل اینکه شخصی خودروی دیگری را آتش بزند. یا اینکه شخصی منافع مال دیگری را تلف کند مثلاً نگذارد مالک مغازه‌اش را اجاره دهد. تلف اول را می‌توان تلف حکمی بر شمرد و تلف مورد دوم را تلف عرفی هرچند به قاعده لاضرر هم در اینجا می‌شود استناد کرد و تفصیل آن خواهد آمد.

مال: هر چیزی که برای رفع نیازمندی انسان به کار می‌رود مانند خوراک، پوشاک. مرحوم دکتر کاتوزیان قید قابل اختصاص یافتن را از تعریف مال خارج دانسته تا مثلاً هوا را که مورد نیاز انسان است از تعریف خارج سازد.^۱

ضمان: یعنی وجود اعتبار چیزی که از بین رفته بر عهده تلف کننده آن است و او موظف و مسئول است که بدل آن را به صاحبش بدهد اعم از اینکه مثلی باشد یا قیمی که این ضمان را ضمان واقعی

۱. کاتوزیان، ناصر. کلیات حقوق. ص ۱۰.

گویند در برابر ضمان جعلی، ضمان قراردادی یا معاوضی.

شخصاً یا با واسطه: شخصاً یعنی اینکه میان عامل و عمل واسطه‌ای وجود نداشته باشد مثل آتش زدن مزرعه توسط شخص در حالیکه تسبیب یعنی ایجاد وسیله و به تعبیری میان عامل و عمل واسطه یا واسطه‌هایی وجود دارد. مثل مثال دوم که باد سبب گسترش آتش به مزرعه مجاور و آتش سوزی آن شده بود. نکته‌ای که لازم به ذکر است اینکه سبب در اینجا با تعریف سبب در اصول فقه زیاد مطابقت ندارد که جای بحث آن در این پژوهش نمی‌باشد.

۳. قاعده اتلاف و تسبیب در حقوق بیمه:

پیش از این به تعریف عقد بیمه و تعریف قانونی آن پرداخته شد. در اینجا لازم است به برخی موارد که در قوانین بیمه بدان پرداخته شده است و می‌توان اساس آن را این قاعده مهم دانست اشاراتی داشته باشیم. از آنجا که در حقوق بیمه، مسئولیت بیمه گر فرع بر مسئولیت بیمه گذار است فلذا می‌باید مسئولیت مقصر حادثه ابتدا احراز گردیده تا سپس شرکت بیمه گر به جبران خسارت وارده که مقصر (بیمه گذار) سبب اتلاف آن شده است، بپردازد.

- ماده ۱ قانون بیمه مصوب سال ۱۳۱۶:

بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند در ازای پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه، خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی بپردازد.

- ماده ۱۸ قانون بیمه مصوب سال ۱۳۱۶:

مسئولیت بیمه گر عبارتست از تفاوت قیمت مال بیمه شده بلافاصله قبل از وقوع حادثه با قیمت باقیمانده آن بلافاصله بعد از حادثه.

- ماده ۲ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب سال ۱۳۹۵:

کلیه دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون اعم از اینکه اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مکلفند وسایل نقلیه خود را در قبال خسارت بدنی و مالی که در اثر حوادث وسایل نقلیه مذکور به اشخاص

ثالث وارد می‌شود حداقل به مقدار مندرج در ماده ۸ این قانون نزد شرکت بیمه‌ای که مجوز فعالیت در این رشته را از بیمه مرکزی داشته باشد، بیمه کنند.

تبصره ۲ ماده ۱ قانون مذکور:

مسئولیت دارنده وسیله نقلیه در تحصیل بیمه نامه موضوع این قانون مانع از مسئولیت شخصی که حادثه منسوب به فعل یا ترک فعل او است نمی‌باشد. در هر حال خسارت وارد شده از محل بیمه نامه وسیله نقلیه مسبب حادثه پرداخت می‌گردد. همانگونه که در مواد مار الذکر نیز آمده، فلسفه وضع قوانین بیمه جبران خسارات وارده اعم از بدنی یا مالی به شخص زیان‌دیده یا زیان‌دیدگان است که سبب آن بیمه گذار بوده است حال یا بالمباشره مثل مسئولیت مدنی پزشک که در حین عمل جراحی شخصاً سبب قصور شده و باعث ورود آسیب به زیان‌دیده گردد یا با واسطه مثل راننده مقصر حادثه که در حادثه رانندگی و به وسیله خودرویی که رانندگی آن را بر عهده دارد سبب ورود خسارت گردد. در همه این موارد رد پایی از قاعده فقهی اتلاف و تسبیب به چشم می‌خورد. اگر چه با تدقق بیشتر در متون قوانین بیمه می‌توان موارد دیگری از قاعده فقهی اتلاف و تسبیب را در آن پیدا نمود لکن به جهت بررسی سایر قواعد فقهی به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

ب- قاعده اقدام

قاعده مهم دیگری که طبق نظر برخی از فقهاء همچون میرعبدالفتاح مراغه‌ای یکی از مسقطات ضمان می‌باشد قاعده اقدام است.

۱. تعریف قاعده اقدام:

همانگونه که از نامش پیداست، این است که کسی با علم و قصد و رضا، ضرر یا ضمانی را بپذیرد. مانند اینکه با علم و قصد مالی را به بهای بیشتر بخرد.

۲. موارد قاعده اقدام:

مورد اقدام ممکن است اقدام به ضمان خود باشد مانند اقدام به معامله فاسد و ممکن است اقدام به عدم ضمان غیر باشد، مانند اذن در اتلاف مال خود به دیگری مثل اینکه مالی را به دیگری بدهد که

در دریا بیاندازد.

۳. قاعده اقدام در حقوق ایران و حقوق بیمه:

موارد فراوانی می‌توان در قوانین یافت که مبتنی بر قاعده اقدام هستند از جمله:

- ماده ۲۶۳ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۰۷:

هر گاه مالک معامله را اجازه نکند و مشتری هم بر فضولی بودن آن جاهل باشد حق دارد که برای ثمن و کلیه غرامات به بائع فضولی رجوع کند و در صورت عالم بودن فقط حق رجوع برای ثمن را خواهد داشت.

- ماده ۳۹۱ قانون مذکور:

در صورت مستحق للغير در آمدن کل یا بعض از مبیع، بایع باید ثمن مبیع را مسترد دارد و در صورت جهل مشتری به وجود فساد، بایع از عهده غرامات وارده بر مشتری نیز برآید.

- ماده ۴۱۸ قانون مذکور:

اگر بایع از عیوب مبیع تبری کرده باشد به اینکه عهده عیوب را از خود سلب کرده یا با تمام عیوب بفروشد مشتری در صورت ظهور عیب، حق رجوع به بایع نخواهد داشت و اگر بایع از عیب خاصی تبری کرده باشد فقط نسبت به همان عیب حق مراجعه ندارد.

- ماده ۱۰ قانون بیمه مصوب سال ۱۳۱۶:

در صورتی که مالی به کمتر از قیمت واقعی بیمه شده باشد بیمه گر فقط به تناسب مبلغی که بیمه کرده است با قیمت واقعی مال مسئول خسارت خواهد بود.

- ماده ۱۲ قانون مذکور:

هرگاه بیمه گذار عمداً از اظهار مطالبی خود داری کند یا عمداً اظهارات کاذبه بنماید و مطلب اظهار نشده یا اظهارات کاذبه طوری باشد که موضوع خطر را تغییر داده یا از اهمیت آن در نظر بیمه گر بکاهد عقد بیمه باطل خواهد بود ...

- ماده ۱۵ قانون مذکور:

اولین زمان امکان و منتهی در ظرف پنج روز از تاریخ اطلاع خود از وقوع حادثه بیمه گر را مطلع سازد و الا بیمه گر مسئول نخواهد بود.

- ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب سال ۱۳۹۵:

در موارد زیر بیمه گر مکلف است بدون هیچ شرط و اخذ تضمین، خسارت زیان دیده را پرداخت کند و پس از آن می تواند به قائم مقامی زیان دیده از طریق مراجع قانونی برای باز یافت تمام یا بخشی از وجوه پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده است مراجعه کند:

الف- اثبات عمد مسبب حادثه در ایجاد حادثه نزد مراجع قضایی

ب- رانندگی در حالت مستی یا استعمال مواد مخدر یا روان گردان مؤثر در وقوع حادثه که به تأیید نیروی انتظامی یا پزشکی قانونی یا دادگاه رسیده باشد.

پ- در صورتی که راننده مسبب، فاقد گواهینامه رانندگی باشد یا گواهینامه او متناسب با نوع وسیله نقلیه نباشد.

ت- در صورتی که راننده مسبب، وسیله نقلیه را سرقت کرده یا از مسروقه بودن آن، آگاه باشد.

- ماده ۳۳ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب سال ۱۳۹۵:

چنانچه بیمه گر یا صندوق به رغم کامل بودن مدارک، تکلیف مقرر در ماده ۳۱ این قانون را انجام ندهند و در پرداخت خسارت تأخیر کنند و یا بیمه گر تکلیف مقرر در ماده ۳۲ این قانون را انجام ندهد، به پرداخت جریمه ای معادل نیم در هزار به ازای هر روز تأخیر در حق زیان دیده یا قائم مقام وی محکوم می شود.

در تمامی موارد مذکور که البته تنها به بخشی از آن اشاره شده است، قاعده اقدام تأثیر بسزایی داشته است.

ج- قاعده حمل فعل مسلم بر صحت

۱. تعریف قاعده:

یعنی اینکه کاری را که مسلمانی انجام می‌دهد دیگران آن را صحیح بدانند. مثلاً وقتی شخصی نماز می‌خواند نماز او حمل بر نماز صحیح شود. این قاعده شامل حمل قول مسلم بر صحت نیز می‌گردد. یعنی وقتی مسلمانی خبری را می‌دهد دیگران آن را راست پندارند مگر اینکه خلافش ثابت شود. همچنین این قاعده شباهت زیادی به قاعده صحت که آن هم از قواعد مهم فقهی است دارد.

۲. قاعده حمل فعل و قول مسلم بر صحت در حقوق بیمه:

این قاعده در حقوق بیمه‌ای تحت عنوان اصل (حد اعلای) حسن نیت بیان شده است که از اصول مهم حاکم بر قراردادهای بیمه‌ای است. اگر چه در متن قوانین صراحتاً این عنوان نیامده لکن در جاهای مختلفی از قوانین و مقررات بیمه‌ای و شرایط عمومی بیمه نامه‌ها به این اصل مهم بیمه‌ای تأکید شده است. به موجب این اصل، تمامی قراردادها و روابط باید مبتنی بر حسن نیت باشد ولی در بیمه، حسن نیت از عوامل اساسی تنظیم رابطه بین تعهدات طرفین است.

- اصل حسن نیت در مورد بیمه گذار:

بیمه گذار موظف است که در هنگام عقد قرارداد بیمه و در جریان آن کلیه اطلاعاتی را که در خصوص مورد بیمه دارد با کمال درستی و صداقت اظهار کند.

- اصل حسن نیت در مورد بیمه گر:

بیمه گر موظف است که در سند بیمه (بیمه نامه) هر آنچه نشان دهنده تعهدات اوست، چه از لحاظ کیفی و چه از نظر کمی به وضوح ذکر کند و مواردی را که به نحوی از انحاء در صورت بروز حادثه می‌تواند مؤثر در پرداخت خسارت باشد در بیمه نامه قید نماید. همانگونه که بیان شد اگر چه این اصل مهم صراحتاً با این عنوان در متن قوانین بیمه‌ای قید نشده لکن مفهوماً در بسیاری از موارد مانند ماده اول قانون بیمه مصوب سال ۱۳۱۶ بیان شده است و همچنین در شرایط عمومی بیمه نامه‌ها که به عنوان مثال در شرایط عمومی مسئولیت مدنی کارفرما در قبال کارکنان این ماده معمولاً درج می‌شود که: بیمه گذار مکلف است با رعایت دقت و صداقت در پاسخ به پرسش‌های بیمه گر همه اطلاعات

راجع به موضوع بیمه را در اختیار وی قرار دهد.

د- قاعده لزوم عقد یا اصاله اللزوم

(أَوْفُوا بِالْعُقُودِ)^۱

۱. تعریف قاعده:

لزوم و لازم در لغت و عرف به معنی بایستن و باید می‌باشد.

فقهاء نیز چنین تعریف نموده‌اند:

«وضع و بنای عرفی و شرعی بیع بر این است که مالک پس از منعقد کردن آن مانند بیگانه می‌شود و

دیگر حق دخالت در آن را ندارد. مگر اینکه حق دخالت خود را با اختیار حفظ کرده باشد»^۲.

قانون مدنی نیز در ماده ۱۸۵ در تعریف عقد لازم بیان می‌کند: عقد لازم آن است که هیچ یک از

طرفین حق فسخ آن را نداشته باشد مگر در موارد معینه. که در برابر عقد جایز است که تعریق آن در

ماده بعد ذکر شده است. نکته مهم در این خصوص اینکه این قاعده یک حکم تأسیسی شرعی نیست

و دو طرف که معامله‌ای را انشاء می‌کنند و اختیار فسخ قرار نمی‌دهند قصد باطنی آنها استمرار تأثیر

انشاء بوده حتی نسبت به زمانی که یکی از آنها بدون حق فسخ اعلام فسخ نماید.^۳

۲. موارد کاربرد قاعده لزوم:

فقهاء می‌گویند قاعده لزوم در عقود عهدی به کار برده می‌شود نه عقود اذنی^۴ آن هم در عقد عهدی

منجز نه معلق.

عقد عهدی: آن است که دارای تعهد و الزام باشد چنانکه در بیع کسی تعهد کند که خانه‌اش را به

دیگری بفروشد.

۱. سوره مائده. آیه ۱.

۲. انصاری، مرتضی. مکاسب. ص ۲۱۴.

۳. سیستانی، سیدعلی. قاعده لاضرر. ص ۲۲۷.

۴. غروی نائینی، محمدحسین. منیه الطالب فی حاشیه المکاسب. ص ۸۱.

عقد اذنی: آن است که به موجب اذنی به وجود آمده باشد تا اذن باقی است عقد باقی است و با ازبین رفتن اذن، عقد نیز از بین می‌رود مانند امانت.

از موارد دیگر که قاعده لزوم در آن بکار می‌رود، ایقاعات است.

۳. قاعده لزوم در حقوق بیمه:

- ماده ۸ قانون بیمه مصوب سال ۱۳۱۶:

در صورتی که مالی بیمه شده باشد در مدتی که بیمه باقی است نمی‌توان همان مال را به نفع همان شخص و از همان خطر مجدداً بیمه نمود.

- ماده ۱۰ همان قانون:

در صورتی که مالی به کمتر از قیمت واقعی بیمه شده باشد، بیمه گر فقط به تناسب مبلغی که بیمه کرده است با قیمت واقعی مال مسئول خسارت خواهد بود. توضیح اینکه این ماده در عرف صنعت بیمه به قاعده نسبی مشهور است از اصول تخلف ناپذیر و قابل اعمال در موارد مربوطه است.

- ماده ۱۵ همان قانون:

بیمه گذار باید برای جلوگیری از خسارت، مراقبتی را که عادتاً هرکس از مال خود می‌نماید نسبت به موضوع بیمه نیز بنماید. موضوع مهم دیگری که در بخش دیگر این ماده تأکید شده است اعلام حادثه توسط بیمه گذار به شرکت بیمه گر ظرف مهلت پنج روز از تاریخ اطلاع خود از وقوع حادثه است که عمده‌تاً بیمه گذاران از این ماده بی اطلاع بوده و در عمل مشکلات فراوانی در این رابطه ایجاد شده است. در بیشتر مواد قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب سال ۱۳۹۵ از جمله مواد ۲ و ۴ و ۶ و ۸ و نیز این قاعده فقهی به چشم می‌خورد که به دلیل پرهیز از اطاله کلام صرفاً به یک مورد اشاره می‌نمایم.

ماده ۶ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب سال ۱۳۹۵:

از تاریخ انتقال مالکیت وسیله نقلیه، کلیه حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد بیمه موضوع این قانون به

انتقال گیرنده منتقل می‌شود و انتقال گیرنده تا پایان مدت قرارداد بیمه، بیمه گذار محسوب می‌شود.

ه- قاعده العقود تابعه للقصود

۱. تعریف قاعده:

مفهوم این قاعده روشن است، عقد تابع قصد است. در این خصوص نکاتی لازم به یادآوری است که ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نکته اول: در کتاب مکاسب شیخ انصاری (ره) ایشان قصد را به صورت علمی تعریف نکرده ولی مواردی از عقد را که به علت فقدان قصد باطل یا ناقص می‌داند بر شمرده است. از جمله: اگر لفظ را قصد نکرده باشد عقد به وجود نمی‌آید مانند اینکه به جای زوجت بگوید جوزت. یا معنا را قصد نکرده باشند مانند معامله صوری و مواردی از این قبیل.

نکته دوم: در اینجا منظور از قصد، قصد ابرازی است نه قصد درونی.

نکته سوم: علاوه بر قصد و توجه باید به لفظ نیز اهمیت داد.

نکته چهارم: معنای لفظی که بکار برده می‌شود نیز مورد توجه و قصد باشد.

نکته پنجم: معنایی را که از لفظ قصد کرده باید با عقدی که می‌خواسته به وجود بیاورد مغایر و مخالف نباشد.

به تعبیر برخی، معنای این قاعده این است که عقد وجودا و عدما تابع قصد است. خلاصه اینکه، عقد با قصد بوجود می‌آید و بدون قصد به وجود نخواهد آمد.

۲. قاعده العقود تابعه للقصود در حقوق بیمه:

- ماده ۱ قانون بیمه مصوب سال ۱۳۱۶:

بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند که در ازای پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه، خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی بپردازد.....

توضیح اینکه معمولاً بیمه گذاران پس از مراجعه به نمایندگی‌ها یا شرکتهای بیمه جهت خرید بیمه

نامه، اقدام به تکمیل فرم پیشنهاد می نمایند و در این فرم پیشنهاد که بیان قصد طرف عقد می باشد خواسته خود را از شرکت بیمه مطرح می نماید.

- ماده ۶ همان قانون:

هرکس بیمه می دهد، بیمه متعلق به خود اوست مگر آنکه در بیمه نامه تصریح شده باشد مربوط به دیگری است.

- ماده ۲۵ همان قانون:

بیمه گذار حق دارد ذینفع در سند بیمه عمر خود تغییر دهد مگر اینکه آن را به دیگری انتقال داده و بیمه نامه را هم به منتقل الیه تسلیم کرده باشد.

- ماده ۲۶ همان قانون:

در تمام مدت اعتبار قرارداد بیمه عمر، بیمه گذار حق دارد وجه معینه در بیمه نامه را به دیگری منتقل نماید. انتقال مزبور باید به امضای انتقال دهنده و بیمه گر برسد.

ماده ۱ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب سال ۱۳۹۵:

در این ماده نیز که شامل بیان اصطلاحات موجود در این قانون است شمول این قاعده فقهی را می توان ملاحظه نمود.

۲ - ۲ - ۲ - ۲. بیمه و اصول

الف - اصالة الصّحه

برخی از فقها برای مشروعیت و صحت عقود، از جمله عقد بیمه، به اصالة الصّحه تمسک کرده اند و عده ای دیگر گفته اند که شارع بسیاری از معاملات متداول بین مردم را امضا کرده است و عادت شارع در معاملات مبنی بر قبول معاملات رایج در میان مردم است و چون بیمه عقدی عرفی و خارج از حوزه شرع است که مردم آن را پذیرفته اند شارع آن را می پذیرد.

ب - اصالة الاباحه

برخی از فقها برای مشروعیت عقد بیمه به اصل اباحه تمسک کرده‌اند براساس این اصل مبنی بر مباح بودن همه اشیا و افعال است مگر این که از طرف شارع منعی وارد شده باشد. بنابراین عقد بیمه نیز که منعی درباره آن نرسیده مشروع است.

ج- اصل استحسان

ادله موافقان اهل سنت در مقابل، بعضی از مذاهب که اصل را بر تحریم می‌دانند مگر این که دلیلی بر مشروع بودن آن به ما رسیده باشد. اغلب فقهای اهل سنت که بیمه را از عقود مشروع و مستحذنه دانسته‌اند برای اثبات مشروعیت آن به این دلیل استناد کرده‌اند. بر اساس این قاعده در جایی که با قیاس یا قاعده کلی یا دلیل دیگری می‌توان حکم شرعی را استنباط کرد به ملاحظه مصلحتی خاص می‌توان حکمی مخالف برای مسئله برگزید و در عقد بیمه، گرچه احتمال غرر، ربا، قمار، جهل به عوضین و... وجود دارد اما چون عدم مشروعیت آن خلاف مصالح اجتماع است، از راه اصل استحسان می‌توان قائل به مشروعیت آن شد. در میان مذاهب اسلامی، امامیه و شافعیه این قاعده را نپذیرفته‌اند چرا که آن را از مصادیق ظنون غیر معتبر دانسته‌اند.^۱

۲- ۳. ماهیت عقد بیمه و مقررات مربوطه در حقوق ایران

این مبحث در ضمن بررسی ادله حقوق دانان و قانون گذاران در رابطه با ماهیت عقد بیمه و مقررات مربوط به آن در حقوق ایران بحث خواهیم نمود.

۲- ۳- ۱. ماهیت قرارداد بیمه در حقوق ایران

در این قسمت به مباحثی از جمله دیدگاه‌های حقوقی بیمه، ادله این دیدگاه‌ها و رابطه مسئولیت مدنی و عقد بیمه خواهیم پرداخت.

۲- ۳- ۱- ۱. دیدگاه‌های حقوقی بیمه

۱. خروشی، عبدالعظیم. تعهدات بیمه گذار و بیمه گر در بیمه‌های زیان. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهبشتی.

الف- علمای علم حقوق

طبق نظر اکثر علمای علم حقوق بیمه یک عقد مستقل است و فقط در مسئله ماهیت حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث اختلاف نظر است. برخی آن را از مصادیق تعدد عقد می‌دانند و برخی دیگر قائل به نظریه عقد فضولی و کارگشایی هستند و قول دیگری که برخی از حقوق دانان به آن قائل شده‌اند نظریه ایقاع است و نظریه چهارم نظریه تعهد مستقیم ناشی از قرارداد نیز می‌باشد. اما فقهای امامیه آن را به عنوان شرط ضمن عقد قبول دارند.

ب- قانون گذاران

۱. قانون بیمه مصوب سال ۱۳۱۶

قانون بیمه مشتمل بر ۳۶ ماده در اردیبهشت ۱۳۱۶ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. با تصویب این قانون، امور بیمه سازمانهای دولتی انحصاراً به شرکت بیمه ایران واگذار شد و شرکتهای دولتی موظف شدند که ۲۵٪ از بیمه‌های صادره خود را در ایران، نزد شرکت سهامی بیمه ایران، بیمه اتکایی کنند. بدین ترتیب، عملاً بازار بیمه کشور به انحصار این شرکت درآمد.^۱

برای فهم بهتر این ۳۶ ماده قانون بیمه مناسب است توضیحاتی پیرامون مواد این قانون داده شود.

توضیح هریک از مواد قانون بیمه:

ماده ۱: بیمه گر و بیمه گزار باید در ازای تعهدی که نسبت به هم دارند پای بند باشند، تعهد بیمه گر پرداخت خسارت و تعهد بیمه گذار پرداخت حق بیمه است.

ماده ۲: هر صحبتی و حرفی میان بیمه گر و بیمه گزار باید مکتوب باشد و باید بصورت سند کتبی در بیمه نامه قید و امضاء شده باشد.

ماده ۳: بیمه نامه باید حاوی چه مشخصاتی باشد.

ماده ۴: هر چیزی بیمه نمی‌شود بلکه باید یک مال، یک منفعت یا یک مسئولیت باشد و طرف در آن ذینفع باشد یعنی مسئولیت فرد مالک در بیمه اتومبیل این است که نمی‌تواند با سرعت بالا براند.

۱. مجیدی، محمدرضا. ایران قوانین و احکام. ص ۵.

ماده ۵: یک مسئولیت باید بدوش فرد باشد یا در آن ذینفع باشد و طبق این موارد آن فرد می تواند در بیمه نامه صاحب نفع بیمه‌ای باشد. مثلاً فرد X برای کارهای اداری یک اتومبیل به بانک Y داده است پس مسئولیت این ماشین با بانک است اما اگر حادثه‌ای رخ دهد این فرد X است که خسارت خورده پس در بیمه نامه نوشته می‌شود بانک Y به نفع شخص X.

ماده ۶: بیمه نامه متعلق به کسی است که حق بیمه را پرداخت می‌کند مگر اینکه شرط دیگری قید شده باشد ولی در بیمه شخص ثالث اتومبیل مهم نیست که بیمه نامه به اسم چه کسی باشد چون اتومبیل و شماره شهربانی است که بیمه است راننده‌اش هر کسی که می‌خواهد باشد.

بیمه باربری هم می‌تواند فاقد نام باشد چون ممکن است بازرگانی کالایی را در دریا به کس دیگری با یک تلفن فروخته باشد و اسنادش را بعداً بدهد. اگر بیمه نامه باربری به نفع بانک زده می‌شود و نام بانک تغییر کند با یک الحاقیه این کار انجام می‌پذیرد.

ماده ۷: فرض کنید بانک وامی را به فرد X می‌دهد و در قبالتش منزلش را وثیقه می‌گیرد حالا اگر در اثر آتش سوزی این وثیقه آتش بگیرد در واقع بانک متضرر است و باید آنرا بیمه می‌کرد. مثلاً منزلی ۲۰ میلیون تومان ارزش دارد که بانک در قبال ۳ میلیون تومان وامی که به فرد X داده منزل را وثیقه گرفته است. حال در آتش سوزی، منزل از بین رفته اما بانک از این مبلغ (ارزش منزل)، ۳ میلیون وام داده و به اندازه همین مبلغ ذینفع است و ۱۷ میلیون هم صاحب اصلی ذینفع است. حالا اگر بانک ۱ فروردین ماه وام را داده باشد و ۳۰ شهریورماه این حادثه رخ داده باشد

(یعنی ۶ قسط) بانک دیگر ۳ میلیون ذینفع نیست بلکه به مبلغ ۲ میلیون ذینفع است چون یک میلیون بازیافت شده، و ۱۸ میلیون تومان هم به صاحب اصلی داده می‌شود.

ماده ۸: اگر از ۱ فروردین ماه تا ۲۹ اسفند ماه یک اتومبیل پراید را که در ۵.۰۰۰.۰۰۰ قیمت دارد، در قبال سرقت و آتش سوزی نزد بیمه آسیا بیمه کرده باشیم، همان ماشین را نمی‌توانیم با همین قیمت نزد بیمه سامان بیمه نمائیم. این اصل تعدد بیمه نامه است که نمی‌تواند باشد. تعداد بیمه‌ای در قبال بیمه عمر انجام می‌شود.

ماده ۹: بیشتر در آتش سوزی و عمر شایع است. مثلاً یک کارخانه به ارزش ۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰ می‌تواند یک بیمه نامه مشارکتی داشته باشد. ۳۰ میلیون آن نزد بیمه ایران، ۵۰ میلیون نزد بیمه آسیا و ۲۰ میلیون آن نزد بیمه سامان بیمه شود.

یعنی مالی به کمتر از قیمتش بیمه شده، مشروط بر اینکه الحاقی مال نزد بیمه گره‌ای دیگر نیز بیمه شود و همه شرکت‌های بیمه باید در جریان آن باشند و شرکتها به همان مبلغی که آن را بیمه کرده‌اند مسئول پرداخت خسارت می‌باشند.

ماده ۱۰: این ماده در تمامی رشته‌های بیمه‌ای اعمال می‌شود و معمولاً در متن بیمه نامه Bold می‌شود مثلاً اگر یک پژی ۱۰.۰۰۰.۰۰۰ تومانی، ۵.۰۰۰.۰۰۰ تومان بیمه بلند شود حق بیمه هم به همان نسبت کمتر است و بیمه گر هم به همان نسبت خسارت را کمتر پرداخت می‌کند چون ۵۰ درصد سرمایه کمتر اعلام شده است. یا مثلاً در رشته مسئولیت گاهی اوقات عنوان می‌شود: ما ۵ نفری نام را بیمه می‌کنیم. جمله مشخص کننده میزان تعهدات بیمه گر است. یعنی بیمه گر در سال به ۵ نفر از آن ۲۰۰۰ نفری که اسمشان به وی داده نشده خسارت پرداخت می‌کند نه اینکه از کارخانه ۲۰۰۰ نفری، بیمه گر ۵ نفرشان را بیمه می‌کند.

فسخ و بطلان: فسخ یعنی اینکه آثار بیمه نامه به ابتدا بر نمی‌گردد بلکه به آینده بر می‌گردد. اما بطلان یا ابطال یعنی اینکه آثار بیمه نامه به ابتدا بر می‌گردد که این مطلب در قانون شماره ۱۱ کاربرد دارد. ماده ۱۱: این ماده نقطه مقابل ماده ۱۰ است یعنی اگر سرمایه‌ای را به قصد تقلب بیشتر از مبلغش بیمه کرده باشند: اولاً خسارات پرداخت نمی‌شود. ثانیاً بیمه نامه باطل می‌شود ثالثاً حق بیمه‌های پرداختی هم برگشت داد نمی‌شود چون راجع به اصل حسن نیت صحبت شده است.

ماده ۱۲: مثلاً بیمه گذار مطالبی را عمداً می‌گوید تا موضوع بیمه را کاهش بدهد یا این تداعی بشود که موضوع بیمه ساده است مثلاً در بیمه منازل بیمه گذار عمداً عنوان نمی‌کند که فعالیت اداری انجام می‌گیرد. چون اگر بگوید نرخ ۰.۶۳ اعمال می‌شود و اگر نگوید نرخ ۰.۲۷، پس وی قصد تقلب دارد و اولاً، ثانیاً و ثالثاً بالا (در ماده ۱۱) راجع به وی اعمال می‌شود، یعنی خسارت پرداخت نمی‌شود،

بیمه نامه باطل می‌شود، حق بیمه پرداختی هم برگشت داده نمی‌شود.

ماده ۱۳: این ماده نقطه مقابل ماده ۱۲ است. اگر بیمه گذار در میان اظهاراتش قصد تقلب نداشته اما اظهاراتش خلاف واقع باشد در اینجا عقد بیمه نامه باطل نمی‌شود اما اگر این مطلب قبل از حادثه مشخص شود باید حق بیمه اضافی پرداخت کند.

اگر بیمه گذار موافقت کرد، بیمه نامه اعتبار دارد، اما اگر موافقت نکرد بیمه نامه فسخ می‌شود، یعنی بیمه گر نسبت به آینده تعهدی ندارد و بیمه گر باید بیمه نامه را با یک پست سفارشی دو قبضه برای بیمه گذار ارسال نماید. حال اگر مطالبی که گفته شد بعد از حادثه اتفاق بیفتد یعنی باعث تشدید خطر بشود در این حالت بیمه گر خسارت را کمتر از آنچه که هست پرداخت می‌کند چرا که در اینجا تغییر نرخ وجود دارد و اظهاراتی که باید عنوان می‌شد، نشده و مبلغ خسارت به همان نسبت کمتر می‌شود.

ماده ۱۴: یعنی اگر ه بیمه گذار خودش به خود (مورد بیمه، مثلاً منزلش) خسارت بزند، بیمه گر تعهد پرداخت خسارت را ندارد.

ماده ۱۵: بطور مثال اتومبیل بیمه شده در مقابل سرقت را نمی‌توان به صرف بیمه بودن مواظب و مراقبت نمود بلکه باید از سرمایه حفاظت شود. مثلاً درب ماشین را قفل کرده و یا به ماشین قفل فرمان زده شود و....

حال اگر آتش سوزی پیش بیاید ممکن است بیمه گذار عملی انجام دهد تا از توسعه خسارت جلوگیری کند اما این عمل بیفایده بوده و نتیجه ای در بر نداشته و خود باعث خسارتی نیز شده باشد، که خسارت این کار توسط بیمه گر پرداخت می‌شود و اگر این مسئله توسط بیمه گر موافقت نشود و یا در میزان خسارت آن عمل یا لزوم انجام آن اختلافی پیش بیاید، کار به محکمه می‌رسد، که آنجا حل و فصل می‌گردد.

ماده ۱۶: فرض کنید بیمه گذار درخواست یک بیمه نامه آتش سوزی می‌کند. اگر بیمه گذار با عملش خطر را زیاد کند بطوریکه اگر قبلاً محل توسط شرکت بیمه دیده می‌شد یک اضافه نرخ اخذ می‌شد.

باید بیمه گر را ظرف مدت ۱۰ روز مطلع نماید. اگر بیمه گذار حق بیمه اضافی را قبول نکرد بیمه گر می تواند قرارداد را فسخ نماید. اگر بیمه گر تشدید خطر را متوجه شود و عکس العملی نشان ندهد موظف به پرداخت خسارت تا آخر قرارداد می باشد.

ماده ۱۷: وقتی بیمه گذاری فوت نماید و اتومبیلش به افراد ارث برسد یا از طریق فروش منتقل شود افراد به تعهداتشان پای بند باشند قرارداد بیمه به قوت خودش باقی است. با این انتقال این حق بیمه برای بیمه گذار محفوظ است که تا سه ماه بیمه نامه را فسخ کند.

ماده ۱۸: فرض کنید یک پیشنهاد بیمه آتش سوزی پرمی شود و منزلی بیمه می شود که قبلاً آتش گرفته، بیمه نامه باطل است و باید ۰.۱ حق بیمه به عنوان هزینه اداری از بیمه گذار برگردانده شود.

قبل و بعد از خسارت X ماده ۱۹: فرمول پرداخت خسارت در این ماده است. مثلاً جنس چقدر است. تفاوت آن بعنوان خسارت پرداخت می شود و اگر چیزی از جنس باقی نماند خسارت کلی می شود. این خسارت معمولاً پول نقد است یا حق تعمیر و تعویض، این مسئله در بیمه نامه مشخص است و باید در یک مدت زمان مشخص این تعمیر یا تعویض انجام شود، در هر حال مسئولیت بیمه گر از مبلغ سرمایه اش بیشتر نیست.

ماده ۲۰: اگر کالای مورد بیمه خود عیبی داشته باشد، بیمه گر مسئول آن نیست که از قبل این کالا خراب بوده است. به طور مثال اگر در بیمه باربری، شکلات فاسد حمل شود بیمه گر تعهد پرداخت خسارت ندارد.

ماده ۲۱ و ۲۲: مثلاً منزلی آتش گرفته، اگر اقدامات لازم برای جلوگیری از توسعه خسارت انجام شود و در کنارش، هزینه پیش بیاید، بیمه گر آن هزینه ها را که هزینه نجات نام دارد تقبل کند، مثلاً در انتقال کامپیوتر به بیرون از آتش مانیتور بشکند. هزینه های نجات در شرایط عمومی است، مثلاً برای رشته باربری قیمت کالا در مقصد نهایی در نظر گرفته می شود و ۱۰٪ به ارزش سرمایه اضافه می کنند. مثال دیگر، در بیمه های عدم النفع فرضاً کارخانه ای آتش گرفته، سود کارخانه، حقوق کارمندان و.... در نظر گرفته می شود. این بیمه نامه (عدم النفع) در ایران فقط در بیمه سامان عرضه می شود.

ماده ۲۳: راجع به بیمه عمر است و عنوان می‌کند که یک بیمه عمر باید با سرمایه مشخص منعقد بشود و رضایت شخص در آن باشد و اگر بیمه گذار اهلیت قانونی نداشته باشد باید قیم او راضی به انجام این عقد باشد.

ماده ۲۴: باید در پیشنهاد بیمه عمر عنوان شود که سرمایه به چه کسی پرداخت شود.

ماده ۲۵: بیمه گذار باید ذینفع (وارث اش) و اینکه به هر شخصی چقدر پرداخت شود را خودش مشخص نماید.

ماده ۲۶: اگر قبل از فوت بیمه گذار ورثه آن تغییر کند با الحاقیه می‌توان این کار را انجام داد و بیمه گذار چندین بار می‌تواند ورثه یا ذینفعهای خود را تغییر دهد (با امضا و تأیید)

ماده ۲۷: از زمان فوت بیمه گذار مبالغ بیمه عمر وی به وراثت داده می‌شود و مسائل انتقال سرمایه صورت می‌گیرد حالا اگر یک معامله روی بیمه عمر انجام شده باشد، قانون و ماهیت آن بیمه نامه بر سرجای خود باقی است (مثلاً وام گرفته شده باشد).

ماده ۲۸: بیمه گر مسئول پرداخت خسارتهای ناشی از آشوب، بلوا، جنگ و نیست. (بدلیل افزایش ریسک پرداخت خسارت) این موارد جزء استثنائات بیمه نامه است مگر اینکه با توافق طرفین شرط دیگری قید شده باشد.

ماده ۲۹: در مورد اموال منقول (یعنی مالی که جابجا می‌شود مثل میز) اگر حادثه‌ای پیش بیاید خسارت آن مال پرداخت می‌شود و بیمه گر تعهدی نسبت به اشخاص دیگر (ثالث) ندارد چون متعهد پرداخت خسارت به مال می‌باشد.

ماده ۳۰: این ماده پیرو اصل جانشینی است. فرض کنید فردی از پشت به اتومبیل شما بزند، در اینجا باید با بیمه شخص ثالث مقصر، آن را جبران کرد. اگر مقصر حادثه، بیمه شخص ثالث نداشته باشد یا باید از بیمه بدنه خودتان استفاده کنید یا از طرف خسارت بگیرید.

در واقع باید حادثه را به بیمه اطلاع دهید و چون مقصر حادثه وجود دارد شرکت بیمه خسارت پرداختی را از مقصر در دادگاه بازیافت می‌نماید.

ماده ۳۱: اگر بیمه گر ورشکست شود، بیمه گذار می تواند قرارداد را فسخ نماید.

ماده ۳۲: اگر بیمه گر ورشکست شد اول طلب بیمه گذاران پرداخت می شود چون حق بیمه داده اند و در بین این بیمه گذاران اولویت با بیمه گذاران عمر است.

ماده ۳۳: اگر بیمه گذار ورشکست شد از بین بدهکارانی که وجود دارند، اول طلب شرکت بیمه (بیمه گر) نسبت به هرفرد دیگری ارجح است.

ماده ۳۴: اگر بیمه گذار در یک قرارداد بیمه، چند موضوع را بیمه کرده، اما نسبت به یکی از آن موضوعها خلاف واقع گفته باشد، بیمه نامه تنها نسبت به آن موضوع باطل نمی شود، بلکه کلاً باطل است.

ماده ۳۵: طرفین در بیمه نامه هر شرطی می توانند اضافه کنند، اما ماده ۱۶ به قوت خود باقی است.

ماده ۳۶: خسارت ظرف مدت ۵ روز باید اعلام شود، تا دو سال قرارداد فی مابین مفتوح است.

۲. قانون بیمه اجباری جدید

در ایران بیمه مسئولیت دارنده وسیله نقلیه نهادی تقریباً نوپا و جدید به شمار می رود. طرحی که کارشناسان و حقوقدانان شرکت سهامی بیمه ایران تهیه کردند در تاریخ ۲۷ دی ماه ۱۳۴۷ در چهار ماده به تصویب مجلس وقت رسید و از اول سال ۱۳۴۸ به مرحله اجرا درآمد.^۱

این قانون حمایتی، آثار و پیامدهای اجتماعی مفیدی را به ارمغان آورد. برقراری سیستم مسئولیت بدون تقصیر دارنده، حمایت از حقوق زیان دیدگان، مشارکت در همبستگی و تعاون ملی و گسترش بازار بیمه از جمله این ره آورد هاست.

این قانون پوشش دهنده تمام خسارت های وارده بر قربانیان حوادث رانندگی نیست، اما مهم ترین دست آورد آن توسعه این حمایت ها نسبت به قانون سابق است. پرداخت هزینه معالجه در کنار دیه و آرش، پرداخت دیه های متعدد وارده به شخص واحد، تساوی دیه زن و مرد و مسلمان و غیرمسلمان، افزایش میزان حداقل بیمه اجباری، توسعه خسارت های مالی قابل جبران، حذف موانع و

۱. گرجی، ابوالقاسم. مقالات حقوقی. جلد ۱. ۵۶.

ایجاد اقتضاء حمایت‌های بیمه‌ای و حذف استثنائات خسارت‌های قابل جبران، از جمله مواردی است که به موجب قانون جدید توسعه پوشش‌های بیمه‌ای را در پی دارد.

به جهت بررسی بهتر به مواردی از این قانون اشاره مینمائیم:

۱. حذف تنها مستند قانونی مسئولیت بدون تقصیر دارندگان وسایل نقلیه موتوری

در حوادث رانندگی اگر هر زیان دیده‌ای ناچار باشد برای رسیدن به حق خود، تقصیر راننده را اثبات کند و گرفتار تشریفات طولانی دادرسیهای مدنی گردد، آرامش و نظم اجتماعی بهم می‌ریزد و زیان دیده را دچار مصیبتی دیگر می‌کند. قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ به عنوان مهمترین قانون در زمینه مسئولیت مدنی نیز همچنان اثبات تقصیر را به عنوان شرط اساسی برای جبران خسارت می‌دانست و درمانی را برای این درد ارائه ننمود. اما ماده یک قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۴۷ کلیه دارندگان وسایل نقلیه را در برابر حوادث ناشی از این گونه وسایل مسئول شناخت. این ماده که در حقیقت مبتنی بر نظریه خطر می‌باشد، در برگیرنده دو اصل کلی است:

الف) اصل مسئولیت دارندگان اتومبیل

به موجب این اصل دارندگان وسیله نقلیه موتوری مسئول جبران پیامدهای زیان بار حوادث ناشی از کاربرد آن هستند و نیازی نیست زیان دیده در پی تحصیل دلیل برای اثبات تقصیر دارنده اتومبیل باشد. در حالیکه در سایر موارد مسئولیت مدنی، اثبات تقصیر به عهده زیان دیده و یکی از ارکان ایجاد مسئولیت است.

ب) اصل اجباری بودن بیمه مسئولیت مدنی

در حقیقت این اصل تکمیل کننده اصل قبلی است و بدون آن مشکلی از زیاندیدگان حوادث رانندگی حل نمی‌شود، زیرا برای کمتر کسی توان پرداخت خسارت‌های قابل توجه، به صورت یک جا وجود دارد.

اما در قانون جدید، این تنها مستند مسئولیت بدون تقصیر دارنده حذف گردید و به موجب آن فقط تکلیف به بیمه نمودن به دوش آنها نهاده شد و دلیل این حذف، سوالی بود که از سوی شورای

نگهبان مطرح شده بود.

شورای مزبور در تاریخ ۸۷/۳/۲۲ ایرادات متعددی را به مصوبه ارسالی از سوی مجلس مطرح ساخت. از جمله، در مورد ماده یک اظهار داشت: «ماده یک از این جهت که معلوم نیست آیا منظور از مسئول جبران خسارت بودن این است که اشخاص مزبور مکلفند خسارت مذکوره را جبران و یا تکلیف برای صرف بیمه نمودن وسایل نقلیه است، ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد».

مجلس شورای اسلامی به جای این که رفع ابهام کند و مانند قانون قبلی، بر مسئولیت بدون تقصیر دارنده تاکید نماید، قسمت اول ماده را حذف نمود و به اصطلاح صورت مساله را محو ساخت و به این ترتیب، تنها مستند و منبع مسئولیت بدون تقصیر دارنده اتومبیل را نسخ کرد. ممکن است گفته شود که از تکلیف قانون گذار به بیمه نمودن مسئولیت، می توان به طور ضمنی به مسئول بودن آنان در برابر حوادث ناشی از وسایل نقلیه، بدون نیاز به اثبات تقصیر پی برد. ولی، چنین استنباطی صحیح به نظر نمی رسد و از این تکلیف نمی توان مسئولیت مطلق و بدون تقصیر آنان را استکشاف نمود، چه مانعی دارد بگوییم بر اساس قواعد عمومی، دارنده وسیله نقلیه، پس از اثبات تقصیر، مسئول شناخته می شود و مکلف است مسئولیت خود را نزد یکی از شرکت های بیمه، بیمه نماید.^۱

۲. رفع ابهام از مفهوم دارنده

در قانون گذشته کلمه دارنده تعریف نشده بود و با این ابهام مواجه بود که مقصود از دارنده کیست؟ فردی که سند اتومبیل به نام اوست؟ یا کسی که سلطه بر اتومبیل دارد و از آن استفاده می کند؟ از نظر عرف، دارنده به کسی اطلاق می شود که سلطه و اختیار نسبت به اتومبیل دارد و منافع اتومبیل به او می رسد، هرچند سند رسمی به نام فرد دیگری باشد. بنابراین اگر سلطه و اختیار به موجب قراردادی به دیگران واگذار گردید، مانند واگذاری به آژانس مسافری، و یا بطور قهری از سلطه مالک خارج گردید، آیا مالک را باید مسئول خسارت های وارد بر دیگران دانست یا فردی که اتومبیل تحت سلطه

۱. تاجبخش، محمدباقر. بیمه. انواع و شرایط آن. ص ۲۳.

و اختبار او قرار داشته است؟

ممکن است بگوییم با توجه به اینکه شرکت بیمه در نهایت خسارت را جبران می‌کند، چندان مهم نیست که مالک را مسئول بدانیم یا متصرف را، ولی باید توجه داشت که همیشه، همه اتومبیل‌ها بیمه نیستند، در مواردی که مالک مسئولیت خود را بیمه نکرده است یا به دلیلی بیمه از اعتبار ساقط شده باشد و اتومبیل در سلطه و اختیار فرد دیگری باشد، مسئول شناختن مالک نسبت به خسارت وارد به اشخاص ثالث چگونه با عدالت سازگار است؟

برای جبران این بی‌عدالتی چنین تفسیر می‌شد که ماده یک قانون بیمه ۱۳۴۷ که مالک را بدون هیچ قیدی مسئول می‌داند، ناظر به موارد شایع و غالب است، به این معنا که چون به طور معمول مالک بر مال خود سلطه دارد و اوست که باید در انتفاع از وسیله نقلیه احتیاط کند و به دیگران ضرر نرساند، قانون او را مسئول شناخته است. در نتیجه اگر این سلطه معنوی به دلیلی از بین برود، دیگر نباید او را مسئول شناخت. خوشبختانه یک ماده یک قانون جدید، دارنده را اعم مالک و متصرف دانسته است و تا حدودی این ابهام را برطرف ساخته است. اما این ابهام همچنان باقی است که منظور از مالک، آیا مالک به موجب سند رسمی است یا فردی که با قولنامه عادی یا سند وکالتی که امروز متداول است، مالک شده است؟ علاوه بر این، مشخص نیست منظور قانونگذار از عبارت «مالک یا متصرف» این است که هریک، به استقلال، دارنده محسوب می‌شوند یا در بعضی موارد مالک و در برخی حالات، متصرف تلقی می‌گردد.

برخی از حقوق‌دانان کشور، در طرح پیشنهادی خود برای مسئولیت دارنده اتومبیل اظهار داشته‌اند: «مالک وسیله نقلیه، دارنده آن است، مگر اینکه حق اداره و تصرف در آن به دیگری واگذار شده باشد یا ثابت شود که در اثر غصب یا سرقت این حق، امکان اعمال آن از مالک سلب شده است. ایشان مالکیت را نشانه دارنده بودن دانسته‌اند و در دو صورت فرد دیگری را دارنده و مسئول می‌دانند؛ یکی متصرف قانونی و دیگری متصرف غیر قانونی. در حقوق آلمان نیز دارنده به کسی اطلاق می‌گردد که بر وسیله نقلیه کنترل مستقیم دارد».

۳. توسعه پوشش بیمه‌ای و توسعه مفهوم ثالث^۱

در قانون قدیم افراد زیادی به عنوان استثنائات شخص ثالث از شمول بیمه خارج می‌شدند. از جمله مالک، راننده، کارمندان بیمه گذار و برخی بستگان او ثالث تلقی نمی‌شدند و در صورت خسارت به آنان در صورتی که سرنشین اتومبیل مقصر حادثه بودند، فقط دیه سرنشین که مبلغ آن به مراتب کمتر از دیه شخص ثالث است، به آن پرداخت می‌شد. تعداد استثنائات فوق مخالف فلسفه و هدف اساسی از وضع قانون بیمه اجباری شخص ثالث بود و پیوسته مورد انتقاد نویسندگان و دست اندرکاران مسائل بیمه‌ای قرار می‌گرفت.

براساس قانون جدید فقط راننده سبب حادثه ثالث تلقی نمی‌شود و حتی مالک اتومبیل در صورت تحمل خسارت، می‌تواند به عنوان ثالث، مطالبه جبران خسارت کند. اعم از این که خسارت مالی باشد یا جانی، فقط خسارت مالی ناشی از آسیب دیدن اتومبیل خود را نمی‌تواند مطالبه نماید. زیرا در ماده ۷ قانون جدید «خسارت وارده به وسیله نقلیه مسبب حادثه» از شمول بیمه موضوع این قانون خارج دانسته شده است. بند مزبور در قانون قدیم وجود نداشت و ضرورتی هم به ذکر آن نبود، زیرا طبق آن مالک اصلاً ثالث تلقی نمی‌شد تا خسارت‌های مادی یا جانی او قابل جبران باشد. نکته‌ای که نباید آن را از نظر دور داشت این است که ثالث تلقی نشدن راننده، تنها نسبت به بیمه نامه اتومبیلی است که رانندگی آن را بر عهده داشته است ولی در برابر اتومبیل مقابل، ثالث تلقی می‌شود. ماده ۶ آیین نامه قانون سابق تصریح کرده بود: «در صورت تصادف دو وسیله نقلیه هریک از رانندگان نسبت به وسیله نقلیه طرف مقابل، شخص ثالث محسوب می‌شود.» اما به لحاظ مفاد ماده مزبور امری بدیهی و روشن بود، قانونگذار جدید آن را به وضوح خود واگذار کرده و نیازی به ذکر آن ندیده است.^۲

به نظر می‌رسد توسعه مفهوم شخص ثالث اگرچه هزینه زیادی را به دوش شرکت‌های بیمه قرار می‌دهد، اما بهره مندی افرادی مانند فرزندان، همسر و کارکنان بیمه گذار از جبران خسارت به عنوان

۱. نقیبی، ابوالقاسم. عقد بیمه از دیدگاه حقوق و تعهدات. «فصلنامه رهنمون». شماره‌های ۲ و ۳. ص ۱۰.

۱. محمد نبی، حسین. «بیمه». «فصلنامه حق». دفتر ششم. ص ۱۷.

ثالث، گامی مؤثر در تحقق اهداف و فلسفه تأسیس بیمه خواهد بود و این اقدام قانونگذار قابل تمجید است. تنها انتقادی که به آن وارد است، شمول عنوان ثالث نسبت به مالک اتومبیل است، زیرا با عنوان قانون سازگاری ندارد. اگر شرکت بیمه را شخص اول و بیمه گذار (مالک) را شخص دوم قرارداد بدانیم، شخص ثالث سایر افراد خواهند بود و شامل مالک نمی‌شود. فلسفه وجودی این قانون جبران خسارت‌های وارد به غیر از طرفین قرارداد بیمه است، نه مالک که خود یکی از طرفین قرارداد است. شاید هدف قانونگذار از توسعه مفهوم ثالث به مالک این بوده که هیچ خسارت ناشی از حوادث رانندگی جبران نشده باقی نماند، حتی در موردی که فرد دیگری غیر از مالک، رانندگی اتومبیل را به عهده دارد و سبب ورود خسارت جانی به مالک شود، تا مبادا با اعسار راننده مواجه شود.

۴. کاهش موارد استثناء و خارج از شمول بیمه

در قانون قدیم شش مورد از شمول بیمه خارج شده بود ولی در قانون جدید موارد خارج از شمول به چهار مورد کاهش پیدا کرده است. خسارات ناشی از فورس ماژور از قبیل جنگ، سیل و زلزله که به ندرت اتفاق می‌افتاد و اتومبیلی به واسطه یکی از این حوادث به ثالثی آسیب برساند حذف شد. بند دوم با تغییر عبارتی مختصری ابقاء گردید و بند سوم بدون هیچ تغییری حفظ شد. بند چهارم قانون قدیم که جبران خسارت راننده زیان دیده‌ای که فاقد گواهینامه بود را استثناء کرده بود و بیمه گذار را دچار مشکلات عدیده‌ای می‌ساخت حذف گردید.

بند پنجم نیز بدون تغییر ابقاء شد و بند ششم که خسارت ناشی از حوادث واقع شده در خارج از کشور را خارج از شمول بیمه می‌کرد، حذف شد و عیناً در ماده ۹ همین قانون ذکر شده است. در قانون جدید خسارات وارده به وسیله نقلیه سبب حادثه نیز خارج از شمول تعهدات بیمه گر شناخته شده، موضوعی که در قانون قدیم وجود نداشت. در نگاه بدوی شاید این بند زاید به نظر آید، بدین بیان که موضوع بیمه شخص ثالث، جبران خسارات وارد به اشخاص ثالث است و بدیهی است که بیمه گذاری که مقصر شناخته شده ثالث تلقی نمی‌شود، تا جبران خسارت وارده به اتومبیل او در تعهد بیمه گر قرار گیرد. ولی با توجه به تغییری که قانونگذار در مصادیق شخص ثالث داده است و

مالک اتومبیل را ثالث دانسته، وجود این بند ضروری است. فرض کنیم اگر راننده‌ای که مالک اتومبیل نیست در حادثه‌ای به اتومبیل تحت تصرف خود و اشخاص ثالث صدمه‌ای وارد آورد. با توجه به اینکه مالک اتومبیل مزبور ثالث تلقی می‌شود، باید از محل همان بیمه نامه خسارت وارده به اتومبیل وارد شود.

۵. پوشش بیمه‌ای هزینه معالجه^۱

یکی از امتیازات قانون جدید، این است که هزینه معالجه را به عنوان یک قاعده عمومی مطرح ساخته و نوعی بیمه مستقیم برای آن پیش بینی کرده است.

ماده ۳ آئین نامه اجرایی قانون قدیم، تأمین و جبران هزینه معالجه صدمات بدنی و یا جرح حاصل از حوادث رانندگی و همچنین جبران زیان‌های نقص عضو، از کار افتادگی دائم و مطلق یا نسبی یا فوت ناشی از حوادث مشمول بیمه را، از مصادیق خسارت بدنی می‌دانست، بنابراین نمی‌توان گفت در گذشته این مسئله مورد توجه قرار نگرفته است، مطمئناً مدنظر مقنن بوده است. اما ابتکار جالب و لازم قانونگذار جدید در این است که آن را به متن قانون منتقل ساخته و علاوه بر دیه، جبران هزینه معالجه را نیز مشمول تعهدات بیمه گر قرار داده است و به تمام بحث و نظرهای رایج در گذشته در خصوص جبران خسارت زاید بر دیه خاتمه داده است.^۲

۶. بالا بردن کف مسئولیت بیمه گر

تا قبل از تصویب قانون جدید، حداکثر میزان بیمه اجباری ۸ میلیون تومان بود (ماده ۱۰ آیین نامه اجرایی قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷) و مازاد آن اختیاری محسوب می‌شد. بر اساس قانون فعلی حداقل مبلغ بیمه اجباری در بخش خسارت بدنی معادل حداقل ریالی دیه یک مرد مسلمان در ماه‌های حرام است. هدف قانونگذار از شناور ساختن حدود مسئولیت بیمه گر، این است که فلسفه بیمه که همان ایجاد

۱. محمود صالحی، جان علی. مفهوم ثالث و نقش بیمه در تحول حقوق ایران. فصلنامه صنعت بیمه. شماره ۶۰.

۲. محمود صالحی، جان علی. حقوق بیمه. ص ۴۵.

اطمینان خاطر و آرامش است فراهم گردد و هیچ بیمه گذاری به واسطه ایراد خسارت غیر عمدی به دیگران دچار مشکل نگردد و بیمه گر تمام خسارات مزبور را تحت پوشش بیمه قرار دهد. البته به این معنا نیست که مسئولیت بیمه گر نامحدود است و تعیین حداکثر سقف تعهد، هیچ اثری در قلمرو مسئولیت بیمه گر ندارد. بلکه به تصریح ماده ۵ همین قانون مسئولیت بیمه گر تا حد مذکور در بیمه نامه خواهد بود.^۱

سؤال مهمی که درباره میزان مسئولیت بیمه گر مطرح می شود این است که تعارض آشکار بین تبصره یک ماده چهار^۲ و ماده پنج^۳ قانون جدید چگونه قابل حل است؟ آیا قانون جدید از سیستم جبران نامحدود خسارت تبعیت کرده است یا مانند سلف خود، جبران خسارت را محدود به مبلغ خریداری شده از سوی بیمه گذار می داند؟

چنین به نظر می رسد این دو در تعارض آشکار هستند و حل تعارض به اصلاح قانون است.^۴ تاکید قانونگذار در ماده ۲۱ همین قانون مبنی بر پذیرش بیمه نامه "تا میزان مندرج در بیمه نامه" از سوی محاکم به عنوان وثیقه، دلالت بر این دارد که نظریه مسئولیت نامحدود شرکت های بیمه، مورد قبول وی نیست. اگر مسئولیت بیمه گر فراتر از میزان مندرج در بیمه نامه نیز باشد، دلیلی ندارد وثیقه قرار گرفتن بیمه نامه را محدود به مبلغ آن نماید. متن ماده ۲۱ به این شرح است: «محاکم قضایی موظفند در حوادث رانندگی منجر به خسارت بدنی، بیمه نامه شخص ثالثی را که اصالت آن از سوی شرکت بیمه ذی ربط کتباً مورد تأیید قرار گرفته است تا میزان مندرج در بیمه نامه به عنوان وثیقه قبول نمایند».

۱. محمود صالحی، جان علی. حقوق زیان دیدگان و بیمه شخص ثالث. ص ۶۵.

۲. تبصره ۱ ماده ۴ که اعلام می کند: «در صورتی که در یک حادثه، مسئول آن به پرداخت بیش از یک دیه به هریک از زیان دیدگان محکوم شود، بیمه گر موظف به پرداخت تمامی دیه های متعلقه خواهد بود».

۳. ماده ۵ همین قانون که بیان می دارد: «بیمه گر ملزم به جبران خسارت های وارد شده به اشخاص ثالث تا حد مذکور در بیمه نامه خواهد بود».

۴. کریمی، آیت. بیمه اموال و مسئولیت. ج ۱. ص ۳۸.

۷. حذف مرور زمان^۱

یکی از بزرگترین موانع تحقق اهداف بیمه، که همان توزیع ریسک بین افراد جامعه و ایجاد اطمینان خاطر به جای اضطراب، می‌باشد، مرور زمان دوساله دعاوی بیمه در قانون گذشته بود. از زمان وقوع حادثه تا صدور حکم و قطعی شدن آن مدت زمان طولانی طی می‌شود و شرکت‌های بیمه با استفاده از این مرور زمان نسبتاً کوتاه مدت، به راحتی از پذیرش مسئولیت، شانه خالی می‌کنند و به رغم اینکه مرور زمان از سوی شورای نگهبان خلاف شرع اعلام شده بود، شرکت‌های بیمه به ماده ۱۲ که مرور زمان دو ساله را پیش بینی کرده بود استناد می‌کردند. به موجب ماده ۱۰ تصویب نامه فوق، در مواردی که شمول مرور زمان دعاوی موضوع ماده ۱۲ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث، به علت عدم اقدام به موقع ذینفع و اجرای تعهدات بیمه گر محل اختلاف بین بیمه گر و بیمه گذار (یا ذینفع) لازم الاجرا می‌باشد و بیمه گر موظف به ایفای تعهد خود بوده و از شمول ماده ۱۲ قانون مذکور خارج است.^۲

در حال حاضر که قانون جدید، مرور زمان را حذف نموده است، نمی‌توان به ماده ۳۶ قانون بیمه استناد کرد. در ماده ۳۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ که هنوز اعتبار دارد نیز، مرور زمان دعاوی بیمه همان مدت دوساله تعیین شده است، ولی به دلیل اینکه بیمه شخص ثالث دارای قانون خاصی می‌باشد و بر قانون عام تقدم دارد، دعاوی بیمه شخص ثالث از شمول مرور زمان خارج هستند.

۸. دعوت از بیمه گر در جلسه دادرسی^۳

حضور شرکت بیمه در جلسه دادرسی، فواید متعددی دارد. از تبانی زیان دیده و بیمه گذار جلوگیری می‌شود، امکان دفاع و اظهار نظر به بیمه گر داده می‌شود، بعد از صدور حکم، شرکت بیمه دیگر به عنوان ثالث حق اعتراض نخواهد داشت و دادرسی پایان می‌یابد و بالاخره زیان دیده زودتر به

۱. محمدی، ابوالحسن. مبانی استنباط حقوق اسلامی. ج ۱. ص ۷۲.

۲. روزنامه رسمی. ش ۱۸۳۴۱.

۳. وجدانی، فؤاد. «تقسیمات و رشته‌های بیمه. اهمیت و نقش آن در بازرگانی». نشریه تعاون. شماره ۱۸. ص ۱۴.

حقیقت می‌رسد و نیازی به طرح دعوی دیگر علیه شرکت بیمه نخواهد داشت.

در زمان حاکمیت قانون قدیم، تکلیفی به دعوت از شرکت‌های بیمه وجود نداشت و به طور معمول، شرکت بیمه از روند دادرسی و جریان پرونده هیچ اطلاعی پیدا نمی‌کرد، بلکه پس از محکومیت، بیمه‌گذار و قطعی شدن حکم، شرکت بیمه بدون اینکه حق اعتراضی داشته باشد مجبور به پرداخت خسارت می‌شد.

مداخله شرکت بیمه در دعوی به عنوان "وارد ثالث" ابزار کافی و مطمئن برای همه موارد نبود، زیرا شرط آن این است که دعوی در جریان دادرسی باشد و متاهی به صدور حکم قطعی نشده باشد، در حالیکه غالباً شرکت بیمه از طرح دعوی اطلاعی پیدا نمی‌کرد.

جلب شرکت بیمه نیز، به مراتب کارایی کمتری داشت. زیرا، اولاً مستلزم این است که یکی از اصحاب دعوی اقدام به تقدیم دادخواست جلب ثالث کند و ثانیاً مهلت آن محدود به اولین جلسه دادرسی است و همین دو اشکال برای کنار نهادن این راه کافی بود.^۱

قانون‌گذار ایران نیز با الهام از قوانین جدید کشورهای دیگر، در ماده ۲۲ قانون جدید اعلام می‌دارد: محاکم قضایی مکلفند در جلسات رسیدگی به دعاوی مربوط به حوادث رانندگی، حسب مورد شرکت بیمه ذی ربط و یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی را جهت ارائه نظرات و مستندات خود دعوت نمایند و پس از ختم دادرسی یک نسخه از رأی صادره را به آنها ابلاغ کنند. قانونگذار دو تکلیف را به دوش دادگاهها نهاده است:

۱- دعوت به دادرسی

۲- ابلاغ رأی به آنها

اما مشخص نکرده است که عنوان شرکت بیمه چیست، آیا خواننده محسوب می‌شود یا فقط به عنوان مطلع حضور می‌یابد. ضمانت اجرای این تکلیف چیست؟ ابلاغ رأی به بیمه‌گر چه اثری دارد؟ آیا حق اعتراض دارد؟ این‌ها نمونه سؤالاتی هستند که در بوته‌ای از ابهام به سر می‌برند.

۱. مشایخی، همایون. مبانی و اصول حقوقی بیمه. ج ۱. ص ۲۴.

در پاسخ به سؤالات فوق اجمالاً می‌توان گفت: با توجه به اصول و قواعد کلی حقوقی از جمله مقررات آیین دادرسی، بیمه گر باید عنوان خوانده را داشته باشد.

بدیهی است اگر خواهان دعوی اقدام به طرح دعوی علیه آنان نکرد و در ستون خواندگان نامی از آنها نبرد، دادگاه راساً اقدام خواهد کرد و جلسه را با حضور آنان تشکیل خواهد داد. تکلیف قانون گذار به لزوم ابلاغ رأی به بیمه گر بدون اینکه حق اعتراض داشته باشد نیز امری لغو خواهد بود، بدین ترتیب، بیمه گر همانند سایر اطراف دعوی حق اعتراض به رأی خواهد داشت.

۹. پذیرش بیمه نامه به عنوان وثیقه^۱

به طور معمول، دعاوی مربوط به حوادث رانندگی به صورت کیفری مطرح می‌شود و بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام به فرد یکی از قرارهای تأمین کیفری را صادر نماید. از جمله آن‌ها، اخذ وثیقه است که اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و مال غیر منقول می‌باشد. روال گذشته این بود که بیمه نامه، به دلیل اینکه هیچ یک از مصادیق فوق محسوب نمی‌شود، به عنوان وثیقه پذیرفته نمی‌شد. اما قانونگذار با ابتکار لازم و خوب خود، بیمه نامه را در ردیف موارد فوق قرارداد و از حبس شدن و بازداشت متهم به واسطه فراهم نشدن سایر مصادیق وثیقه ممانعت بعمل آورد، اما این اقدام با این ابهام روبرو است که اگر مقصر حادثه از حضور در دادگاه امتناع نماید و قاضی پرونده حضور وی را در مراحل دادرسی ضروری تشخیص دهد، محاکم چه چیزی را توقیف می‌کنند؟ سرمایه شرکت بیمه یا اموال مقصر حادثه؟ فلسفه اخذ وثیقه اینست که در صورت امتناع متهم از حضور در دادگاه، مورد وثیقه به نفع دولت ضبط شود. حال اگر متهم پرونده از حضور در دادگاه امتناع نمود، دادستان اموال چه شخصی را ضبط کند؟ باید دید وثیقه گذار کیست؟ بیمه گذار یا شرکت بیمه؟

در صورتی که بیمه گذار را وثیقه گذار بدانیم و اموال شخصی او را به علت عدم حضور در دادگاه ضبط کنیم، توثیق بیمه نامه کاری لغو خواهد بود. بنا بر این، باید گفت منظور قانونگذار اینست که

۱. هوشنگی، محمد. بیمه حمل و نقل کالا. ص ۵۶.

شرکت بیمه وثیقه گذار باشد تا بتواند براحته در صورت محکومیت بیمه گذار، شرکت بیمه را ملزم به پرداخت نماید. نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد اینست که بیمه نامه شخص ثالث فقط در پرونده‌های کیفری تشکیل شده برای حوادث رانندگی منجر به خسارت بدنی، به عنوان وثیقه پذیرفته می‌شود و در سایر موارد قابلیت اعمال ندارد.^۱

۱۰. ارتباط با ماده ۴ قانون ایمنی راهها ۲

یکی از موضوعات اساسی و مهم، ارتباط و جایگاه ماده ۴ قانون ایمنی راهها و راه آهن مصوب ۱۳۴۹ با قانون جدید است. در ماده ۴ قانون مزبور ورود و عبور عابرین پیاده در آزاد راهها ممنوع شناخته شده است و در صورت وقوع حادثه منجر به فوت یا جرح یا خسارت مالی، تمام تقصیر را به دوش عابر نهاده و راننده مجاز را که وسیله نقلیه او مجاز به حرکت در آزاد راه بوده، فاقد هرگونه مسئولیتی می‌داند.

در ذیل همین ماده اشاره کرده است که عدم مسئولیت راننده مذکور، مانع استفاده شخص ثالث از مقررات بیمه نخواهد بود. اصولاً، شرکت بیمه زمانی موظف است خسارت وارده به اشخاص ثالث را جبران نماید که بیمه گذار مسئول شناخته شود. زیرا، مسئول اصلی جبران خسارت، بیمه گذار است و وی از طریق انعقاد قرارداد بیمه، این مسئولیت را به دوش بیمه گر منتقل می‌سازد، چگونه ممکن است که در یک حادثه‌ای بیمه گذار هیچ مسئولیتی نداشته باشد، ولی بیمه گرمسئول شناخته شود؟ در حوادث رانندگی، تقصیر عامل زیان، نیاز به اثبات از سوی زیان‌دیده ندارد و از نظریه تقصیر پیروی نشده است، ولی اثبات تقصیر زیان‌دیده در ایجاد حادثه، از مسئولیت عامل حادثه می‌کاهد و گاهی منجر به سلب هرگونه مسئولیتی از راننده می‌گردد. یکی از مواردی که دادگاهها به فقدان مسئولیت راننده حکم می‌دهند، مصادیق ماده ۴ قانون فوق الذکر است و توجیهی که برای مکلف ساختن شرکت بیمه به پرداخت خسارت شده، اینست که اگرچه بیمه گذار مقصر شناخته نشده تا براساس قرارداد، بیمه گرمکلف به پرداخت خسارت باشد، ولی تکلیف بیمه گر به پرداخت خسارت منشاء

۱ - نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه ۷/۲۹۴ مورخه ۸۸/۵/۱۷

قانونی دارد نه قراردادی و هدف از این تکلیف اینست که خسارت زیاندیدگان حتی الامکان جبران شود و عدم رعایت برخی مقررات از سوی زیاندید، مانع جبران خسارت او نشود. به این ترتیب، قانون ایمنی راهها که در سال ۱۳۴۹ تصویب شده است، درخصوص حوادث واقع در آزاد راهها که بین عابر پیاده و وسیله نقلیه مجاز رخ می دهد، مخصص قانون بیمه اجباری شخص ثالث تلقی می شد و از باب تخصیص عام به وسیله خاص، به آن عمل می شد.

۱۱. پرداخت فوری حداقل

۵۰٪ دیه تقریبی به زیان دیده که در ماده ۱۶ قانون جدید پیش بینی شده است، امری پسندیده و مورد ستایش است. به موجب این ماده در حوادث رانندگی منجر به صدمات بدنی غیر از فوت، بیمه گر وسیله نقلیه مسبب حادثه و یا صندوق تأمین خسارتهای بدنی حسب مورد موظفند پس از دریافت گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه و در صورت لزوم گزارش سایر مقامات انتظامی و پزشکی قانونی بلافاصله حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) از دیه تقریبی را به اشخاص ثالث زیان دیده پرداخت نموده و باقی مانده آن را پس از معین شدن میزان قطعی دیه بپردازند.^۱

۱۲. پیش بینی کمیسیون حل اختلاف تخصصی

افزایش چشمگیر میزان پرداختی صندوق ماده ۱۰ و ادغام آئین نامه در متن قانون، تجمیع موارد رجوع بیمه گر به عامل خسارت پس از پرداخت خسارت که در قانون قدیم به صورت پراکنده ذکر شده بود، سهمیم شدن عامل حادثه در جبران خسارت در موارد خاص، از دیگر محسنات این قانون است که امیدواریم با اجرای دقیق و صحیح آن، نابسامانی های موجود رخت بر بندند.

۲ - ۳ - ۱ - ۲. ادله دیدگاه های حقوقی بیمه

الف - ادله علمای حقوق

۱. مسئولیت مدنی ماهیت حقوقی بیمه

۱. ایزدپناه، مسیح. جزوه درس حقوق بیمه. دانشگاه شهید بهشتی. سال تحصیلی ۱۳۷۷ - ۱۳۷۸. ص ۱۸.

بیمه مسئولیت مدنی قراردادی است که بر اساس آن بیمه گر در ازای دریافت حق بیمه تعهد می‌کند که در صورتی که بیمه گذار در اثر فعل یا ترک فعل خود یا اشیایی که حفاظت آن‌ها به عهده اوست، خساراتی به دیگران وارد آورد که قانوناً ملزم به جبران آن باشد، آن را پرداخت کند. بنابراین، این بیمه نیز نوعی تعهد به نفع ثالث است، که بیمه گذار متعهد می‌شود در صورت بروز حادثه زیان بار و صدور رأی دادگاه مبنی بر محکومیت بیمه گذار به پرداخت دیه، مبلغ دیه را به زیان‌دیده یا اولیای دم او بپردازد و ضرر آن‌ها را جبران کند. در واقع ذی نفع نهایی در بیمه مسئولیت زیان‌دیده است. حق اقامه دعوی مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه گر نیز مؤید این معنی است و ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری نیز به آن اذعان دارد.^۱

اما درباره ماهیت آن باید گفت: از آنجا که بیمه مسئولیت مدنی جزء بیمه‌های اموال است، صرف ورود ضرر از ناحیه بیمه گذار به ثالث، موجب پرداخت خسارت توسط بیمه گر نمی‌شود، بلکه ادعای زیان و درخواست غرامت از طرف متضرر و اثبات رابطه علیت مستقیم بین وقوع حادثه و خسارت وارده، عملاً تشکیل دهنده پرداخت خسارت است. بنابراین شرکت بیمه مستقیماً خسارت زیان دیده (که در قرارداد بیمه شرکت نداشته) را نمی‌پردازد، بلکه به قائم مقامی از بیمه گذار اقدام به پرداخت خسارت می‌کند. و این امر درست همانند آن است که بیمه گذار خود اقدام به پرداخت کرده باشد.^۲

به همین دلیل در بیمه مسئولیت، بیمه گر جبران خسارت اشخاص ثالث را تعهد نمی‌کند، بلکه بدهی احتمالی بیمه گذار را که در مقابل اشخاص ثالث (زیان‌دیده) مسئول شناخته شده و باید از اموال و دارایی خود بپردازد، تعهد می‌کند. بنابراین متعهدله در بیمه مسئولیت بیمه گذار است هرچند ثالث از آن منتفع می‌شود و بیمه مسئولیت مدنی ماهیتاً تعهد به نفع ثالث نیست.^۳

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. دایرة المعارف حقوق مدنی و تجارت. ج ۱. ص ۶۷۵.

۲. عرفانی، توفیق. قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران. ص ۲۳۳.

۳. آل شیخ، محمد. «ماهیت حقوقی و خصوصیات عقد بیمه در بیمه‌های عمر و مسئولیت مدنی». مجله صنعت بیمه. شماره ۶۶. ص ۱۲۲. ۱۳۳.

۲. اصل شخصی بودن قراردادهای بیمه به نفع ثالث

در برخی انواع بیمه عمر و بیمه مسئولیت بدنی، شخص ثالث استفاده کننده از بیمه است، یعنی کسی که مبلغ بیمه‌ای را دریافت می‌کند شخصی غیر از بیمه گذار است، و معامله به نفع کسی است که طرف قرار داد بیمه نیست.

در بیمه عمر بیمه گر تعهد می‌کند در صورت فوت یا حیات بیمه شده در زمان مشخص مبلغ مشخصی را به شخص یا اشخاص معین در قرارداد بیمه بپردازد. در بعضی صورت‌های بیمه عمر بیمه گر پرداخت مبلغ بیمه‌ای را به نفع شخص ثالث تعهد کرده است. مثلاً در صورت‌های زیر:

- گاهی بیمه گذار خود رابه نفع ثالث بیمه کرده است. مثلاً فردی خود را بیمه می‌کند که اگر در مدت ۲۰ سال پس از زمان انعقاد بیمه، فوت کند مبلغ معینی به ورثه او پرداخت شود. در این صورت بیمه شده از مزایای بیمه بهره مند نمی‌شود. بلکه فقط ورثه او از مبلغ بیمه‌ای بهره مند می‌شوند.

- بیمه گذار شخص ثالث رابه نفع خود ثالث بیمه می‌کند. یعنی بیمه شده شخص ثالث است که دریافت کننده وجوه بیمه‌ای است. مثلاً پدری فرزندش را بیمه کند که اگر به سن هجده سالگی رسید، بیمه گر فلان مبلغ را به وی (فرزند) بپردازد.

- بیمه گر ثالث را به نفع ثالث دیگر بیمه کند. مثلاً شخصی پدر چند صغیر را بیمه کند که اگر پدر آنها فوت شد بیمه فلان مبلغ رابه صغار او پرداخت کند.^۱

در واقع مهمترین عقدی که بر پایه تعهد به نفع ثالث بنیانگذاری شده است بیمه است. عقد بیمه وسیله فنی تعهد به نفع ثالث را به صغار به استخدام خود گرفته است.^۲

منظور از اصل شخصی بودن قراردادهای آن است که در قراردادی که بین اشخاص منعقد می‌شود فقط طرفین قرارداد از آن متفع می‌گردند. و تنها آنان خواهند توانست درباره آن عقد بعنوان ذی نفع در دادگاه طرح دعوا نمایند و نیز هیچ کس خارج از عقد، مسئولیت و تعهدی نسبت به عقد نخواهد

۱. فصلنامه بیمه مرکزی ایران. سال هشتم. شماره ۴. ص ۳۶.

۲. کاتوزیان، ناصر. قواعد عمومی قراردادهای. ج ۳. ص ۳۷۳.

داشت. به عبارت دیگر کسانی که خارج از عقد می‌باشند و طرفین عقد نیستند به هیچ وجه نفع یا زیانی از عقد نخواهد داشت.^۱

در نتیجه با توجه به محتوای اصل شخصی بودن قرارداد باید گفت که بین تعهد به نفع ثالث و این اصل ناسازگاری وجود دارد.

۳. ماهیت حقوقی تعهد به نفع ثالث

برای رفع ناسازگاری بین تعهد به نفع ثالث و اصل شخصی بودن قراردادها و تشریح روابط حقوقی بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر و استفاده‌کننده و همچنین بیان ماهیت این عمل حقوقی (تعهد به نفع ثالث)، مکاتب حقوقی نظریه‌های مختلفی را بیان کرده‌اند، که به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

- نظریه پیشنهاد (تعهد عقد)

طبق این نظریه ابتداء عقد بیمه بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر منعقد می‌شود. سپس بیمه‌گذار طلب خود را که ناشی از عقد است، به موجب قرارداد جدید به شخص ثالث (استفاده‌کننده) منتقل می‌کند، اگر شخص ثالث موافقت کرد، قرارداد جدیدی بین بیمه‌گذار و شخص ثالث منعقد می‌شود، اگر شخص ثالث موافقت کرد، قرارداد جدیدی بین بیمه‌گذار و شخص ثالث منعقد می‌شود، که طلب بیمه‌گذار را به استفاده‌کننده انتقال می‌دهد.

- نظریه عقد فضولی یا کارگشایی

این نظریه را اولین بار پوتیه (pothier) حقوقدان فرانسوی مطرح کرد. طبق این نظریه بیمه‌گذار از طرف ثالث معامله را به طور فضولی انجام می‌دهد، سپس استفاده‌کننده آن را تنفیذ می‌کند، بنابراین در حقیقت متعهدله همان ثالث است، که به نام او قرارداد منعقد شده است، به این ترتیب تعهد به طور مستقیم برای استفاده‌کننده ایجاد می‌شود. حتی اگر استفاده‌کننده پیش از تنفیذ بمیرد وارث او می‌تواند عمل فضولی را تنفیذ کند.^۲

۱. محقق داماد، سیدمصطفی. مجله تحقیقات حقوقی. شماره ۱۶ و ۱۷. ص ۱۱.

۲. مشایخی، همایون. مبانی اصول حقوقی و بیمه. ص ۴۱۱ و امامی، سیدحسن. حقوق مدنی. ج ۱. ص ۲۵۶.

- نظریه ایقاع: عده‌ای معتقدند به اینکه رابطه حقوقی بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر یک عقد است، اما تعهد بیمه‌گر در قبال استفاده‌کننده یک ایقاع است. به این معنا که رضایت استفاده‌کننده برای ایجاد تعهد ضروری نیست. در بین معتقدان به این نظریه از حقوقدانان فرانسوی کولن و کاپیتان تعهد بیمه‌گر در مقابل استفاده‌کننده را یک ایقاع مستقل می‌دانند.^۱

ب- ادله قانون‌گذاران

قرارداد بیمه به علت ماهیت خاصی که دارد علاوه بر رعایت اصول کلی حاکم بر قراردادها، لازم است که قواعد و قوانین خاص دیگری (قوانین بیمه) در آن رعایت شود، به عبارت دیگر عقد بیمه در برخی موارد تابع قوانین خاص بیمه بوده و از قواعد عمومی قراردادها پیروی نمی‌کند. در برخی موارد نیز بیمه به دلیل جنبه تجاری داشتن آن از قوانین حقوق تجارت تبعیت می‌کند. در کل می‌توان گفت که بر انعقاد، آثار و پایان قرارداد بیمه، قواعد عمومی قراردادها (شرایط ماده ۱۹۰ قانون مدنی)، قانون بیمه و قانون تجارت حاکم است.

برخی از حقوقدانان برای بیان صحت عقد بیمه و دیگر عقود جدید به ماده ۱۰ قانون مدنی که بیانگر اصل آزادی قراردادها است استناد کرده‌اند. مطابق این اصل توافق اراده افراد از مهمترین عوامل ایجاد عقد است. با توجه به اینکه این ماده از سوی کسانی وضع شده است که خود به شرع اسلامی توجه داشته‌اند و غالب مواد این قوانین بر گرفته از فقه امامیه است. پس وضع این ماده نشان‌دهنده این است که حقوقدانان مسلمان ایرانی که برخی از آنان نیز خود فقیه بوده‌اند، در این ماده مفاد «أوفوا بالعقود» و «تجارة عن تراضٍ» را مد نظر داشته‌اند. دکتر کاتوزیان در مورد استناد به این ماده برای صحت عقود جدید می‌فرماید: منشأ تردید در صحت و فساد قرارداد گاه شک در چگونگی حکم قانون‌گذار است. برای مثال قراردادی واقع می‌شود که نهاد و سنخ آن در قانون پیش‌بینی نشده است. مانند بیمه و فروش سر قفلی و این سؤال مطرح می‌شود که آیا حکم عام لزوم وفای به عقد شامل این گونه قراردادها می‌شود یا ویژه عقود معین است؟

۱. مشایخی، همایون. مبانی اصول حقوقی و بیمه. ج ۲. ص ۴۱۲.

این گونه تردیدها به طور معمول با اصل آزادی قراردادها رفع می‌شود. ماده ۱۰ قانون مدنی جای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد و نفوذ همه قراردادها را جز در مواردی که خلاف صریح قانون است نافذ می‌داند اشخاص می‌توانند قراردادها را به هر صورت که تمایل دارند منعقد سازند و آثار آن را آزادانه معین کنند و اینکه در قانون مدنی آثار و شرایط برخی عقود مانند بیع و اجاره و صلح که عقود معین نام دارند، صریحاً پیش بینی شده است بدان معنی نیست که اشخاص موظف باشند که اراده خود را در این قالب‌های معین بریزند و یا به صورت شرط ضمن عقد این عقود بیان کنند.^۱

۱. کاتوزیان، ناصر. قواعد عمومی قراردادها. ج ۲. ص ۳۵۳.

فصل سوم: احکام مقررات بیمه

با تبیین ماهیت بیمه می توان احکامی را برای آن بیان نمود که برخی از این آثار به مقررات بیمه بر میگردد و برخی دیگر از زمره آثار عملی بیمه به شمار می آیند که در این فصل علاوه بر بیان این آثار، به مواردی اشاره خواهد شد که با توجه به این مسائل و رفع نواقص موجود می توان به گسترش آثار عملی بیمه کمک شایانی نمود.

۳- ۱. مقررات بیمه در حقوق و فقه

در این مبحث به احکامی از مقررات بیمه با توجه به حقوق ایران و فقه اسلامی خواهیم پرداخت که از جمله این مباحث بررسی اوصاف حاکم بر عقدبیمه، اصول حاکم بر عقدبیمه، صورت عقدبیمه و مسئولیت بیمه در انواع جنایات نیز می باشد.

۳- ۱- ۱. اوصاف حاکم بر عقد بیمه

۳- ۱- ۱- ۱. لازم بودن عقد بیمه

در باب عقود، چه در معاملات و معاوضات و چه در معاهدات، اصل اولیه لزوم است. نتیجه این اصل این است که اگر در لازم بودن یا جایز بودن معامله شک کردیم اصلی اولی لزوم است، مگر دلیل خاصی حکایت از جایز بودن آن کند. همچنان که قانون مدنی در ماده ۲۱۹ می‌گوید:

«عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام قانونی آنها لازم الاتباع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود».

باید توجه داشت که عقد جایز با فوت یا جنون و سفاهت هر یک از متعاقدین خود به خود فسخ می‌شود (انفساخ). در حالی که عقد لازم تنها با تفاسخ (اقاله) یا مواردی که قانون اجازه می‌دهد قابل انحلال است.

بنابراین مقصود از لزوم در عقد بیمه آن است که عقد بیمه به لحاظ ذات و طبیعتش با حفظ اصول حاکم بر آن، عقدی لازم و غیرقابل فسخ است. استثنائاً در مورد بیمه عمر باید گفت که نسبت به بیمه‌گر لازم و نسبت به بیمه‌گذار جایز است. زیرا بیمه‌گذار هر وقت مایل باشد می‌تواند از پرداخت اقساط خودداری و تقاضای فسخ بیمه‌نامه یا بازخرید یا تخفیف نماید^۱. شورای عالی بیمه، بیمه آتش‌سوزی را از مصادیق عقد جایز دانسته است^۲، به طوری که بیمه‌گذار هر زمان که اراده کند می‌تواند قرارداد بیمه را فسخ نماید، و در این صورت حق بیمه به صورت اعتبار کوتاه‌مدت محاسبه خواهد شد.

۳- ۱- ۱- ۲. الحاقی بودن عقد بیمه

عقود و قراردادهای الحاقی به قراردادهایی اطلاق می‌گردد که: شرایط قرارداد از نظر شکلی و ماهوی قبلاً از سوی یک طرف تهیه می‌شود، و طرف دیگر در رد یا قبول آن مختار خواهد بود. قراردادهای افتتاح حساب در بانک‌ها، و نیز اکثر قراردادهایی که یک طرف آنها عموماً مؤسسات بزرگ هستند از جمله قراردادهای الحاقی می‌باشند. البته با وجود شرایط عمومی قراردادهای بیمه که عموماً دارای

۱. بجنوردی، سیدمحمد. عقد بیمه. ص ۱۹۶.

۲. آیین نامه شماره ۲۱ مصوب شورای عالی بیمه.

خصوصیت یک طرفه می‌باشند ولیکن منافاتی با تنظیم شرایط خصوصی که اراده دو طرف در آن کاملاً ملحوظ باشد، ندارد.

بهر حال در قراردادهایی که دارای شرایط خصوصی نیست موجبات اجحاف بیمه‌گران به بیمه‌گذاران وجود دارد، از این رو نظارت دستگاه‌های دولتی را بر نحوه عملکرد و تنظیم این گونه قراردادهای جهت حفظ حقوق بیمه‌گذاران می‌طلبد.^۱

۳-۱-۱. استمراری بودن عقد بیمه

عقود به اعتبار اثری که عنصر زمان در تعیین و اجرای تعهدات ناشی از آن دارد، به مستمر و فوری تقسیم شده است. در عقود فوری، عقد، در لحظه‌ای که طرفین گزینش نموده‌اند ایجاد می‌گردد، در حالی که در عقود مستمر، موضوع معامله به گونه‌ای است که باید در طول مدت معین انجام شود. برای نمونه، عقد بیع، فوری است زیرا به مجرد وقوع آن، مشتری، مالک مبیع و بایع، مالک ثمن می‌گردد و بایع و مشتری به نحو مستمر هیچ‌گونه تعهدی در مقابل هم ندارند. ولی در عقد مستمر مانند شرکت، اجاره و بیمه، دو طرف عقد به صورت تدریجی در برابر یکدیگر تعهد دارند؛^۲ یعنی زمان دخالت در تعیین موضوع دارد. به تعبیر دیگر موضوع تعهد مستقل از زمان نمی‌باشد. در حالی که در عقد فوری، موضوع تعهد مستقل از زمان است و اگر عنصر زمان در آن دخالت نماید تنها از جهت تعیین وقت انجام و اجرای آن می‌باشد. بنابر این عقد اجاره، چون مورد تعهد یعنی استیفای منفعت یک امر تدریجی الحصول می‌باشد یعنی زمان، دخالت در تعیین موضوع دارد عقد مستمر و تدریجی به‌شمار می‌آید. یا در عقد بیمه دو طرف عقد به طور مستمر در برابر یکدیگر تعهد دارند. به عبارت دیگر در این عقد، در طی زمان، التزام طرف یا دو طرف عقد انجام می‌شود؛ یعنی تعهد مداوم بیمه‌گر منوط به پرداخت مرتب حق بیمه از ناحیه بیمه‌گذار است. بنابراین عقد بیمه را باید عقد مستمر و تدریجی به‌شمار آورد.

۱. موحدی، رضا عباس. مبانی کاربردی حقوق بیمه. ص ۳۵ و شهیدی، مهدی. تشکیل قراردادها و تعهدات. ص ۵۶.

۲. کاتوزیان، ناصر. حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها). ج ۱. ص ۸۴.

۳- ۱- ۱- ۴. بیمه عقدی احتمالی و معلق است

این دو اصطلاح در عقد بیمه به سبب نزدیکی با یکدیگر، معمولاً با هم مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ چرا که براساس «احتمال وقوع حادثه‌ای در آینده» منعقد می‌گردد. بیمه عقدی است متضمن دو تعهد متقابل، یکی پرداخت حق بیمه و دیگر پرداخت خسارت احتمالی. ولی ماهیت این دو تعهد با هم مختلف است، تعهد اول معلق است و موکول به وقوع خسارت، بدین معنی که وقتی بیمه‌گر مجبور به انجام تعهد خود خواهد شد که حادثه وقوع یافته و خسارتی وارد شده باشد. در غیر این صورت یعنی در صورت عدم احراز این شرط اصولاً انجام تعهد از طرف بیمه‌گر معنی ندارد زیرا خسارتی وقوع نیافته است که جبران گردد. پس تعهد بیمه‌گر معلق و مشروط به حدوث حادثه است، لیکن تعهد دوم یعنی تعهد بیمه‌گذار منجز و بدون قید و شرط است.^۱ بیمه‌گذار ناچار است که به محض انعقاد قرارداد بیمه حق بیمه را بپردازد، و در غیر این صورت مادام که حق بیمه را نپرداخته است عقد بیمه اصولاً تحقق نمی‌یابد. حتی در مواردی که بیمه‌گر تشریفات مقدماتی کار را فراهم نموده و یک نسخه آن را به طرف داده باشد، صرف در دست داشتن بیمه‌نامه دلیل بر وقوع عقد نمی‌تواند باشد؛ زیرا یک عنصر که پرداخت حق بیمه است موجود نیست و عقد بیمه در حقیقت از موقعی تحقق می‌یابد که حق بیمه پرداخت شده باشد.^۲

۳- ۱- ۱- ۵. بیمه عقدی رضایی^۳ است و نه تشریفاتی

بیمه عقدی نیست که شفاهاً واقع شود بلکه باید علاوه بر ایجاب و قبول طرفین، مکتوباً هم عقد نوشته شود. طبق ماده ۶۷ قانون بیمه چنانچه در اثر مسامحه نماینده شرکت بیمه، بیمه‌نامه صادر شده باشد اما از سوی بیمه‌گذار تعهدات انجام شده باشد شرکت بیمه موظف است خسارت را

۱. جمالیزاده، احمد. بررسی فقهی عقد بیمه. ص ۲۵۱.

۲. هدایتی، علی اصغر. بیمه و نقش آن در تأمین خسارت. ص ۱۹.

۳. برخی عالمان حقوق در تعریف عقد رضایی نوشته‌اند: «عقد رضایی» عقدی است که به صرف توافق دو قصد و بدون تشریفات «از قبیل لفظ خاص یا تنظیم سند» به وجود می‌آید. ترمینولوژی حقوق. ص ۴۵۸. شماره ۳۶۵۱.

بپردازد. (در صورت وقوع حادثه) قرارداد بیمه اصولاً با بیمه نامه کتبی منعقد می‌گردد.^۱

ماده ۲ قانون بیمه مقرر داشته:

عقد بیمه و شرایط آن باید به موجب سند کتبی باشد و سند مزبور موسوم به بیمه نامه خواهد بود. آیا برای اعتبار عقد، کتبی بودن قرارداد امری ضروری محسوب می‌شود؟ به تعبیر دیگر آیا بیمه قراردادی تشریفاتی است که اعتبار آن موکول به تهیه سند کتبی است یا صرف توافق طرفین و ایجاب و قبول برای انعقاد عقد بیمه کفایت می‌کند و سند کتبی مذکور در قانون تنها برای اثبات رابطه قراردادی و شرایط عقد است؟

از ظاهر ماده ۲ قانون چنین بر می‌آید که شرط اعتبار عقد بیمه، انعقاد آن به موجب سند کتبی است. ولی دلایل متعددی خلاف ظاهر فوق را به اثبات می‌رسانند و بیمه را در عداد عقود رضایی قرار می‌دهد. با توجه به سابقه و رویه کشورهای منشأ حقوق بیمه و الهام‌گیری حقوق ایران از این کشورها باید در قابلیت استناد به ظاهر ماده ۲ قانون تردید اساسی نمود، و همچون دیگر کشورها عقد را رضایی تلقی کرد و مقررات راجع به کتبی بودن عقد را تنها وسیله‌ای برای تسهیل اثبات انعقاد و شرایط عقد محسوب نمود، بدین نحو به محض توافق بر سر موضوع و شرایط و ایجاب و قبول، حتی شفاهی، عقد بیمه منعقد شده و منشأ اثر است. لذا ماده ۲ قانون بیمه که تنظیم سند کتبی را در عقد بیمه لازم شمرده، باید به عنوان وسیله اثبات عقد و شرایط بیمه لحاظ شود. با تسهیلاتی که در مورد اثبات روابط قراردادی در قانون مدنی ایجاد شده، به نظر می‌رسد اثبات انعقاد بیمه به وسایلی غیر از مندرجات سند کتبی نیز ممکن باشد.

۳-۱-۱. بیمه عقدی رضایی است و نه عینی^۲

در ادبیات بیمه‌ای اندکی که در کشور ما وجود دارد، معمول نویسندگان با تکیه بر ماده یک قانون

۱. کاتوزیان، ناصر. دوره مقدماتی حقوق مدنی. اعمال حقوقی. قرارداد و ایقاع. شرکت انتشار. ش ۴۲. ص ۳۷.

۲. جعفری لنگرودی، مجدم‌جعفر. ترمینولوژی حقوق. ص ۴۵۸: تعریف عقد عینی: در عقود عینی تا مال موضوع عقد تسلیم نگردد آن عقد تحقق نمی‌یابد مانند عقد ودیعه.

بیمه چنین اظهارنظر کرده‌اند که در عقد بیمه تعهد بیمه گر در مقابل پرداخت عینی و عملی حق بیمه توسط بیمه گذار است. و مادامی که این پرداخت عملاً صورت نگرفته عقد بیمه کامل نیست و برای بیمه گر تعهدی ایجاد نمی‌شود. تفسیر مذکور از ماده یک قانون بیمه بر ظاهر عبارت ماده تکیه دارد و قائلین به آن بیش از تکیه بر این ظاهر در مورد مبانی حقوقی نظر خود توضیحی نداده‌اند. ولی از آنجا که ماهیت عقد بیمه و تعهدات طرفین منشأ آثار بسیاری است و صرفاً با تکیه بر یک کلمه در قانون منطقاً نمی‌توان احکام خاص عقد بیمه را استنتاج کرد، باید مبانی این نظر با توجه به قواعد عمومی قراردادها در حقوق ایران تبیین شود تا با تکیه به این مبانی و اصول کلی حقوقی بتوان احکام متفاوت حقوقی عقد بیمه را استخراج کرد. بر همین اساس با توجه به آن که عقد بیمه یکی از عقود معین در حقوق ایران است و در قدم اول بر قواعد کلی قراردادهای مدنی تکیه دارد و سپس با توجه به ویژگی‌های خاص خود منشأ احکام ویژه است باید ماهیت حقوقی آن را بر اساس قواعد کلی حقوق قراردادها تبیین نمود. اصل در حقوق ایران رضایی بودن عقد است. عقد عینی جنبه استثنا دارد و برای آنکه عقدی عینی تلقی شود لازم است که قانون به عینی بودن یا لزوم تسلیم یا پرداخت به عنوان یکی از عناصر تحقق عقد تصریح کرده باشد.^۱

دلیل دیگری که بیانگر عدم پذیرش ماهیت عینی عقد بیمه در حقوق ایران است، پیش بینی حق فسخ بیمه گر در قراردادهای بیمه به علت عدم پرداخت حق بیمه توسط بیمه گذار است. در واقع در برخی قراردادهای بیمه چنین پیش بینی شده که چنانچه بیمه گذار مطابق قرارداد به تعهد پرداخت حق بیمه عمل ننماید بیمه گر می‌تواند عقد را به علت عدم پرداخت حق بیمه فسخ کند. مشخصاً امکان حق فسخ در عقد فرع بر انعقاد و صحت عقد است. در حالیکه عینی تلقی کردن عقد بیمه مستلزم آن است که اساساً عقد بدون پرداخت حق بیمه کامل و منعقد نشده و لذا حق فسخ بی مورد باشد.

۳-۱-۱-۲. بیمه عقدی مبتنی بر حسن نیت است

۱. بابایی، ایرج. «نقد و بررسی یک رأی داوری در امور بیمه‌ای». فصلنامه صنعت بیمه. ش ۸۹-۹۰. ص ۵۳.

در دیگر قراردادهای معوض وجود یا عدم حسن نیت در اعتبار عقد تأثیری ندارد. ولی در عقد بیمه حسن نیت یکی از عناصر اصلی اعتبار قرارداد بیمه است. در این عقد بیمه گر به اعلام بیمه گذار اطمینان می‌کند و اساس محاسبات و حق بیمه قرارداد را بر آن قرار می‌دهد. به این نحو اعلام همراه با حسن نیت بیمه گذار و دادن اطلاعات خواسته شده اهمیت عمده‌ای برای بیمه گر و صحت عقد بیمه دارد. به همین علت چنانچه بعداً ثابت شود بیمه گذار در اعلامات خود فاقد حسن نیت بوده، ضمانت اجرای سنگینی برای این تخلف پیش بینی شده است. بطلان عقد در صورت سوء نیت در اعلام ریسک و یا قیمت مال موضوع بیمه و عدم پوشش در صورت اعلام غیر واقعی وقوع حادثه^۱.

۳- ۱- ۱- ۸. منجز بودن عقد بیمه

به محض ایجاب و قبول عقد واقع می‌شود برخی معتقد می‌باشند عقد بیمه معلق است به پرداخت حق بیمه. در عقد بیمه نه انشا معلق است و نه تعهد بیمه گر (منشاء)، بلکه انشا و منشاء، هر دو منجزند و به محض وقوع عقد، هر دو، انشا و اعتبار شده‌اند؛ یعنی با انشای عقد بیمه، طرفین به طور منجز و قطعی درباره ایجاد التزام تصمیم گرفته‌اند. در عقد بیمه، تنها جبران خسارت و عملی شدن تعهد بیمه گر، معلق و وقوع خسارت است.

۳- ۱- ۲. صورت عقد بیمه

۳- ۱- ۲- ۱. عناصر اصلی قراردادی بیمه

انعقاد عقد بیمه تابع قواعد عمومی قراردادهاست. لذا برای تشکیل آن باید ارکان و عناصر اصلی و سازنده بیمه، مهیا باشد و سپس تمام شرایط ماهوی و شکلی آن، که موجب صحت و تأثیر عقد است، رعایت شود.

در این رابطه امام خمینی (ره) پس از ذکر شروط کلی عقد در مساله ۳ در مساله ۴ شش شرط را برای عقد بیمه بیان می‌نماید که عبارتند از:

۱. عرفانی، توفیق. قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران. ص ۵۱.

- «۱- اینکه منفعت مورد بیمه، مشخص باشد که چه چیز بیمه شود، شخص بیمه شونده (و سلامتی او) و یا فلان مال معین او، و یا بیماری او و یا امثال این‌ها و مشخص گردد.
- ۲- تعیین دو طرف عقد، آیا بیمه کننده شخص است یا شرکتی است و یا مثلاً دولت است.
- ۳- اینکه مبلغی که بیمه شونده باید بپردازد را معین کنند که چه مقدار به بیمه کننده بپردازد.
- ۴- تعیین خسارتی که بیمه کننده باید خسارت خصوص آن را به عهده بگیرد. از قبیل آتش سوزی و یا غرق و یا سرقت و مرض وفوت و امثال این‌ها.
- ۵- تعیین اقساط پرداخت - البته اگر اقساطی باشد - و همچنین در این صورت تعیین زمان هر قسط.
- ۶- اینکه مدت بیمه یعنی شروع و پایان آن را معین کنند و اما تعیین مبلغ تأمین، به اینکه بیمه کننده بگوید: من متعهد می‌شوم در صورت رخ دادن فلان حادثه، هزار دینار خسارت وارده بر آن را بپردازم، لازم نیست. بلکه همینکه بیمه کننده بگوید: هر خسارتی که بر مورد بیمه وارد شود بعهده من و من ملتزم به پرداخت هستم، کفایت می‌کند.»^۱ در ذیل به طور تفصیل و با توجه به منابع قانونی این شروط بررسی می‌شود».

الف- نفس قرارداد و انشای عقد بیمه

ماده ۱۸۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد:

«عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد».

ماده قانونی فوق‌الذکر دلالت بر این امر دارد که فلسفه اعتبار و رسمیت داشتن عقد، مستلزم توافق طرفین است که می‌تواند بین فرد یا مجموعه واقع شود.

انشای عقد در حقیقت ابراز قصدی است که در دورن متعاقدين وجود دارد، و بر قصد و رضایت آنها به انجام معامله دلالت می‌نماید. انشای عقد به وسیله و ابزار خاصیه مانند لفظ خاص یا مطلق لفظ،

۱. موسوی الخمینی، سید روح الله. تحریر الوسیله. ج ۲. ص ۶۱۱ و ۶۰۸.

مقید نمی‌باشد.^۱

بنابراین لفظ، فعل و نوشتن، در نزد عرف انشاء تلقی می‌شوند و عقد نیز با آن تحقق می‌یابد. اصولاً وسیله و روش ابراز قصد و رضایت موضوعیت ندارد، بلکه عرف برای آن طریقت قائل است. از این رو برخی فقها فتوا داده‌اند که «صیغه عقد بیمه را می‌توان با هر زبانی اجرا کرد و یا قرارداد بیمه را روی کاغذ آورد و آن را امضا کرد»^۲، انشای هر عقد در صورتی معتبر است که اولاً عرف آن را انشاء تلقی کند، اعم از اینکه قولی یا فعلی یا تلفیقی یا کتبی باشد؛ ثانیاً بین ایجاب و قبول تطابق وجود داشته باشد، یعنی هر دو طرف عقد بر موضوع واحد تراضی نموده باشند؛ ثالثاً متعاقدين هنگام انشای عقد از اهلیت انعقاد قرارداد برخوردار باشند.^۳

امام خمینی (ره) در مورد عقد بیمه و انعقاد آن می‌گوید:

«بیمه قرار و عقدی است بین بیمه‌کننده و مؤسسه یا شرکت یا شخصی که بیمه را می‌پذیرد. این عقد مثل سایر عقود محتاج به ایجاب و قبول است و شرایطی که در موجب و قابل و عقد در سایر عقود معتبر است در این عقد نیز معتبر است و می‌توان این عقد را با هر لغتی و زبانی اجرا کرد»^۴.
اعتقاد گروه بزرگی از فقهای امامیه بر این است که ایجاب و قبول به هر طریقی اعم از قول، فعل یا کتابت و اشاره... که کاشف قصد متعاقدين باشد، اطلاق می‌گردد.

امام خمینی (ره) با فرض اصالت داشتن عوضین در عقد بیمه، هر یک از بیمه‌گر و بیمه‌گذار را واجد صلاحیت ایجاب و قبول می‌دانند؛ یعنی بیمه‌گر می‌تواند با تصریح به این معنا که خسارت فلان حادثه را در ازای فلان مبلغ، جبران می‌نماید عقد را ایجاب کند، و بیمه‌گذار نیز آن را قبول می‌نماید. یا بیمه‌گذار با تصریح به این معنا که فلان مبلغ را در فلان مدت در ازای جبران خسارت فلان حادثه

۱. خویی، سید ابوالقاسم. مصباح الفقاهه. ج ۳. ص ۱۱ و ۱۶.

۲. مکارم شیرازی، ناصر. توضیح المسائل. م ۲۴۴۰: ص ۵۰۰.

۳. برهانیان، عبدالحسین. بررسی مبانی بیمه در اسلام. ص ۴۲.

۴. سیدروح الله، خمینی. توضیح المسائل: م ۲۸۶۷.

می‌پردازم عقد را ایجاب و بیمه‌گر آن را می‌پذیرد. در هر دو صورت عقد بیمه تحقق می‌یابد.^۱ شروط دیگری مانند عربیت، ماضویت، موالات و تقدیم ایجاب بر قبول در انشای عقد معتبر نمی‌باشند. انشای عقد بیمه معمولاً با امضای سند قرارداد بیمه (بیمه‌نامه) صورت می‌پذیرد.

ب- طرفین قرارداد بیمه

در عقد بیمه طرفین عقد را بیمه‌گر و بیمه‌گذار می‌نامند.

۱. بیمه‌گر

بیمه‌گر کسی است که تعهد را قبول می‌کند و با گرفتن حق بیمه در صورت بروز خطر و ایجاد خسارت مسئول پرداخت خسارت به بیمه‌گذار است.^۲

در ماده ۱ بیمه‌گر طوری تعریف شده که به نظر می‌رسد فرد هم می‌تواند بیمه‌گر واقع شود، و به اضافه با یک عمل هم می‌توان عقد بیمه را منعقد ساخت. ولی حقیقت این است که از این جهت نیز تعریف عقد بیمه ناقص است زیرا اساس بیمه بر تعاون و بر تعدد و تکثر قرار دارد.

به طوری که اگر بخواهیم حقیقت قضایی بیمه را بیان کنیم باید بگوییم:

بیمه عبارت است از اینکه تعدادی از افراد حقیقی یا حقوقی که در معرض خطر مشترک هستند مبالغی بر حسب نوع خطر و میزان خسارت احتمالی به شخص معینی به نام بیمه‌گر می‌پردازد، تا در صورتی که خطری برای احدی از مشترکین پیش آید، شخص بیمه‌گر خسارت مقرر را از مبالغ جمع‌آوری شده بپردازد. لذا بیمه‌گر شخص حقوقی یا مؤسسه و شرکتی است که بر پایه ضوابط قانون بیمه‌گری و قانون تجارت شکل می‌گیرد، و در ازای دریافت حق بیمه از بیمه‌گذار (مطابق تعرفه‌های مصوب و مورد عمل) متعهد جبران خسارت یا پرداخت سرمایه بیمه، در صورت تحقق خطر موضوع بیمه می‌شود. بیمه‌گر در بیشتر موارد یک شرکت بازرگانی است ولی گاهی یک گروه از اشخاص که مؤسسه‌ای را تشکیل می‌دهند نیز در کسوت بیمه‌گر به فعالیت بیمه‌ای می‌پردازند.

۱. خمینی. سیدروح الله. تحریرالوسیله. ج ۲. ص ۵۴۷. م ۲.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ترمینولوژی حقوق. ص ۱۲۳.

بیمه‌گر شخصی است که شغل او بر عهده گرفتن عواقب خطرناک موضوع عقد بیمه است. حدود مسئولیت بیمه‌گر عبارت است از: «تفاوت مال بیمه‌شده بلافاصله قبل از وقوع حادثه با قیمت باقیمانده آن بلافاصله بعد از حادثه».^۱

۲. بیمه گذار

طرف دیگر عقد بیمه، بیمه‌گذار است، به طور کلی بیمه‌گذار شخصی است که مال یا جان یا سلامتی خود و شخص دیگری را با پرداختن مبلغی به عنوان حق بیمه، بیمه می‌کند تا اگر خسارت بر مال او وارد شود، بیمه‌گر خسارت او را بپردازد. و اگر فوت نماید یا مصدوم شود سرمایه معین را بیمه‌گر به شخص و یا وارث یا به شخص ثالث بپردازد.

بیمه‌گذار بر عکس بیمه‌گر که برحسب معمول شخص حقوقی است، ممکن است شخص حقوقی خصوصی و یا عمومی یا حقیقی باشد، یعنی می‌تواند فرد یا شرکت تجاری یا شهرداری و یا مؤسسه دولتی و... باشد.^۲

بیمه‌گذار ممکن است شخص حقیقی یا حقوقی باشد، همچنین ممکن است اصیل باشد یا به یکی از عناوین قانونی نمایندگی صاحب مال یا شخص ذینفع را داشته و یا مسئولیت حفظ آن را از طرف ذینفع داشته باشد.

گاهی بیمه‌گذار و بیمه‌شده و استفاده‌کننده از مزایای بیمه یک شخص است. مانند آنکه شخصی یک بیمه عمر در صورت حیات به سود خود خریداری کند یا خلع خود را به سود خود در برابر آتش‌سوزی بیمه کند. ولی گاهی بیمه‌گذار و بیمه‌شده و استفاده‌کننده یک شخص نیستند، مانند این که پدری بخواهد عمر و زندگی خود را به سود همسر و فرزندان خود بیمه کند. در این حالت، پدر بیمه‌گذار و بیمه‌شده و همسر و فرزندان او استفاده‌کنندگان از سرمایه بیمه به شمار می‌روند.

بیمه‌شده: شخصی است که در معرض خطر موضوع بیمه قرار دارد و سلامت و حیات او موضوع

۱. عرفانی، توفیق. قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران. ص ۹.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ترمینولوژی حقوق. ص ۱۲۳.

بیمه است. در صورتی که بیمه‌گذار و بیمه‌شده یک شخص باشند، پرداخت حق بیمه در تعهد اوست و استفاده‌کنندگان از سرمایه بیمه بر حسب نوع قرارداد بیمه (بیمه عمر در صورت فوت و بیمه عمر در صورت حیات) متفاوت خواهند بود.

استفاده‌کننده از قرارداد بیمه: شخصی است که از مزایای قرارداد بیمه (سرمایه بیمه یا هزینه‌ها و غرامت‌ها)، در صورت تحقق خطر موضوع بیمه، برخوردار می‌شود. استفاده‌کننده گاهی خود بیمه‌گذار یا بیمه‌شده است ولی در صورت فوت بیمه‌شده، استفاده‌کنندگان کسانی هستند که نامشان در بیمه‌نامه (برگ‌های الحاقی) قید شده باشد. در صورتی که نام و ویژگی‌های شخصی استفاده‌کنندگان در بیمه‌نامه قید نشده باشد، سرمایه بیمه به وارثان قانونی زمان فوت شخص بیمه شده پرداخت می‌شود. لذا بهتر است که بیمه‌گذار یا بیمه‌شده نام و ویژگی‌های استفاده‌کنندگان را به بیمه‌گر اعلام کند.^۱

ج- حق بیمه

قانون بیمه در ماده ۱ متذکر شده که بیمه‌گر در ازاء تعهد طرف دیگر به پرداخت وجه یا جوهی، خسارت وارده را بپردازد، این وجه یا جوه حق بیمه نام دارد. بنابراین حق بیمه مبلغی است که بیمه‌گذار در برابر تعهد بیمه‌گر می‌پردازد. البته وجه بیمه سالانه و به اقساط داده می‌شود. اگر در اثناء سال عقد بیمه، فسخ شود نسبت به این سال، حق بیمه به بیمه‌گر داده نمی‌شود و اگر گرفته شود باید پس بدهد زیرا اقساط بیمه غیرقابل تفویض و تجزیه است. دیوان کشور فرانسه عقیده دارد که اگر خطر، بروز کرده باشد حق بیمه آن سال پس داده نمی‌شود. قسط اول حق بیمه، در محل اقامت بیمه‌گر یا محل اقامت نماینده‌ای که بیمه‌گر برای وصول حق بیمه، معین کرده است قابل پرداخت است.

برای وصول سایر اقساط بیمه، بستانکار طبق اصول تعهدات، باید به بیمه‌گذار مراجعه کند مگر اینکه بیمه‌گذار پس از سررسید، ۱۰ روز تأخیر کرده باشد که با سپری شدن آن مدت، بیمه‌گر می‌تواند علیه او اخطار مطالبه صادر نماید. این اخطار از طریق ارسال نامه سفارشی برای بیمه‌گذار صورت می‌گیرد.

۱. محمود صالحی، جان علی. حقوق بیمه. ص ۱۲۲.

با تحقق امتناع بیمه‌گذار از پرداخت قسط مزبور، باید قسط عقب‌افتاده را بپردازد. ممکن است مال مورد عقد بیمه پس از بستن عقد بیمه کم شود، مثلاً چهار مغازه مورد بیمه به ۲ مغازه کاهش یابد، آیا حق بیمه‌ای که بیمه‌گذار باید بدهد کاسته می‌شود؟

قانون ما در این زمینه ساکت است اما ماده ۲۰ قانون ژوئیه سال ۱۹۳۰ فرانسه جواب مثبت به پرسش مذکور داده است.

اگر اوضاع و احوالی که خطر مال مورد بیمه را افزایش می‌دهد پس از عقد بیمه، شروع به کاستن کند و تخفیف یابد آیا بیمه‌گر قانوناً مکلف است که وجه بیمه را کسر کند یا نه؟

قانون ما در مورد تشدید خطر تکلیف کار را روشن کرد و به سود بیمه‌گر، نظر داده است لیکن نسبت به کاهش خطر، ساکت است. از آنجا که عقد بیمه عقد طرفینی است و با استناد از روح ماده، و با توجه به سابقه تاریخی حقوق بیمه ایران، یعنی حقوق فرانسه، بیمه‌گر باید با کاهش وجه بیمه، موافقت کند و گرنه بیمه‌گذار می‌تواند یک جانبه عقد بیمه را از تاریخ فسخ، منحل گرداند.

د- خسارت

از نظر حقوقی علت تعهد بیمه‌گذار به پرداخت حق بیمه، تعهد بیمه‌گر به پرداخت خسارت است. تعهد پرداخت حق بیمه از ارکان تشکیل‌دهنده عقد بیمه است ولی پرداخت خسارت از آثار عقد بیمه است، یعنی همیشه پرداخت خسارت بعد از وقوع عقد بیمه پیش می‌آید.

شرط اصلی تحقق پرداخت خسارت وقوع خطری است که بیمه‌گر در مورد آن مسئولیت را قبول کرده است، مثلاً در آتش‌سوزی باید حریق واقع شود و یا در سرقت، دزدی انجام گیرد و در بیمه عمر فوت محقق گردد. چنانچه گفتیم بیمه‌گذار بایستی قبل از وقوع حادثه، حق بیمه را پرداخته باشد و یا عمد در وقوع حادثه نداشته باشد، و یا اینکه بیمه‌گذار و نمایندگان او، مرتکب تقصیر نشده باشند.

ممکن است این سؤال مطرح شود که مبلغ بیمه یا خسارت بیمه به چه کسی باید پرداخت گردد؟ در جواب باید گفت که اصولاً مبلغ بیمه به بیمه‌گذار داده می‌شود. لکن در این مورد چهار استثنا به شرح

ذیل وجود دارد:

اول: در بیمه مسئولیت، در حدود مبلغ بیمه، باید خسارت را به زیان دیده که نسبت به عقد بیمه، شخص ثالث است پرداخت. این شخص حق طرح دعوی مستقیم علیه بیمه گر دارد.

دوم: ثالثی که مستفید از بیمه عمر است، علیه بیمه گر، حق مستقیم دارد، پس مبلغ بیمه به او داده می شود (به موجب قاعده شرط به نفع ثالث).

سوم: ثالثی که بیمه به حساب او شده است.

چهارم: بستانکاران از بیمه گذار، که حق رهن و یا حق تقدم روی مالی که موضوع بیمه قرار گرفته است، نسبت به مبلغ بیمه، با توجه به ماده ۷۹۱ قانون مدنی، حق رهن و یا حق تقدم دارند و باید مبلغ بیمه، در حدودی که آنان ذیحق^۱ هستند به آنها پرداخت گردد.^۲

۵- خطر

خطر در بیمه عنصر اساسی است زیرا اصولاً پیدایش بیمه به جهت خطراتی است که متوجه انسان یا اموال بوده و خواهد بود مثلاً بیمه دریایی که به صورت واقعی بیمه، قدیمی ترین بیمه هاست، و به علت خطراتی از قبیل غرق، آتش سوزی و به گل نشستن کشتی به وجود آمده است، و همین طور به هر نوع بیمه که توجه نماییم ملاحظه می شود فلسفه ایجاد آن خطری است که موضوع بیمه را تهدید می کرده است، لذا اگر موضوع، منتفی باشد عقد بیمه به علت فقدان موضوع منعقد نخواهد شد.^۳

۳- ۱- ۲- ۳. موضوع قرارداد بیمه

عقد بیمه مانند دیگر عقود، دارای موضوعی است که عقد برای آن واقع می شود (معقود علیه).

۱. ماده ۷۹۱: اگر مرهونه به واسطه عمل خود راهن یا شخص دیگری تلف شود باید تلف کننده بدل آن را بدهد و بدل مزبور رهن خواهد بود.

۲. مدنی کرمانی، عارفه. حقوق بیمه. ص ۹۱ و ۹۲.

۳. مدنی کرمانی، عارفه. حقوق بیمه. ص ۶۵ و ۶۶.

ماده ۴ قانون بیمه مقرر می‌دارد: «موضوع بیمه ممکن است مال باشد، اعم از عین یا منفعت، یا هر حق مالی یا هر نوع مسئولیت حقوقی مشروط بر اینکه بیمه‌گذار نسبت به آنچه بیمه می‌دهد ذینفع باشد و همچنین ممکن است بیمه برای حادثه یا خطری باشد که از وقوع آن بیمه‌گذار متضرر می‌گردد».

با این حال موضوع بیمه می‌تواند شخص، شیء یا مسئولیت و یا میزان معینی وجه نقد باشد. چنانچه مورد بیمه شخص باشد بیمه‌گر در مقابل فوت، حیات، بیماری، از کار افتادگی و نقص عضو بیمه شده متعهد خواهد بود، این نوع بیمه را بیمه اشخاص می‌نامند.

در صورتی که مورد بیمه شیء باشد، بیمه‌گر در مقابل خسارت وارده به آن شیء متعهد خواهد بود، (مانند آتش‌سوزی اموال منقول و غیر منقول، بیمه حمل و نقل کالا، بیمه هواپیما و کشتی، بیمه اتومبیل، بیمه مرگ و میر حیوانات، بیمه محصولات کشاورزی)، این نوع بیمه را بیمه اشیاء یا اموال می‌نامند. همچنین مورد بیمه ممکن است مسئولیت بیمه‌گذار در مقابل دیگری باشد، که در این صورت بیمه‌گر متعهد است چنانچه در نتیجه حادثه‌ای که بیمه‌گذار مسئول آن باشد، و به دیگری خسارت وارد شود، خسارت آن شخص را جبران کند (مانند بیمه مسئولیت اتومبیل، بیمه مسئولیت کارفرما، بیمه مسئولیت حرفه‌ای پزشکان و...)، این نوع بیمه را بیمه مسئولیت (Insurance Liability) می‌نامند.

همچنین در بیمه‌های پولی موضوع بیمه مقادیری پول مانند پول در صندوق و پول در حمل است. با این همه قانون بیمه آنچه را که بیمه می‌شود «موضوع بیمه» می‌نامد. در واقع قانون بیمه اصطلاح «موضوع بیمه» را به عنوان موضوع معامله یا آن گونه که قانون مدنی می‌گوید «موضوع معین مورد معامله» می‌داند.

به نظر می‌رسد که به کار بردن مال (عین یا منفعت) به عنوان موضوع بیمه چندان دقیق نباشد، زیرا در واقع موضوع بیمه یا موضوع قراردادهای بیمه‌ای خطر (ریسک) و پیامد وقوع آن است.^۱ البته موضوع

۱. محمود صالحی، جان علی. حقوق بیمه. ص ۱۲۳.

بیمه با این حیثیت مورد بیمه قرار می‌گیرد که در معرض خطر باشد؛ یعنی موضوع مخاطره‌آمیز، بیمه‌پذیر است. عنصر خطر در بیمه، آن قدر اهمیت دارد که چنانچه موضوع مورد درخواست بیمه، در معرض خطر نباشد، بیمه آن عقلایی نیست؛ زیرا عقلاً حاضر به پرداختن حق بیمه در موردی که نفی خطر در آن قطعی است، نیستند و اگر وقوع خطر نیز قطعی باشد، بیمه‌گر حاضر به پذیرش آن نیست.^۱

۳- ۱- ۲- ۴. عوضین قرارداد بیمه

عوضین در بیمه، از سوی بیمه‌گذار، پرداخت حق بیمه است و از سوی بیمه‌گر، تعهد به پرداخت خسارت است. از ناحیه بیمه‌گر، چیزی که در برابر عوض حق بیمه قرار می‌گیرد، تعهد بیمه‌گر است که در تعریف عقد بیمه^۲ نیز بر آن تأکید شده است. بیمه‌گر در برابر بیمه‌گذار یا خریدار بیمه، تعهد می‌کند که خسارت را جبران کند و در بیمه‌های اشخاص، مبلغ معینی را حسب مورد، طبق توافق، به بیمه شده یا شخص ثالث بپردازد. آنچه از ناحیه بیمه‌گذار قطعی است، تعهد به پرداخت خسارت یا دادن وجه معینی است؛ اما نفس پرداخت خسارت (در بیمه‌های اموال) و دادن وجه معینی (در بیمه‌های اشخاص) از ناحیه بیمه‌گر، قطعی نیست؛ زیرا پرداخت مبلغ بیمه‌ای، معلق بر وقوع حادثه‌ای احتمالی است. بنابراین عوضین در عقد بیمه، تعهد و پول است؛ یعنی تعهد بیمه‌گر با پول مبادله می‌شود، با این توجیه که تعهد، امری ارزشمند است و مالیت دارد؛ زیرا عقلاً به آن اقدام می‌کنند و آن را قابل تقویم مالی می‌دانند.^۳

در باب اهمیت و امتیازی که قانون‌گذار برای حق بیمه در نظر گرفته است می‌توان به تقدم حق بیمه بر طلب دیگران در ماده ۳۳ قانون بیمه اشاره کرد که مقرر می‌دارد:

«بیمه‌گر نسبت به حق بیمه در مقابل هرگونه طلبکاری بر مال بیمه شده حق تقدم دارد حتی اگر

۱. جمالیزاده، احمد. بررسی فقهی عقد بیمه. ص ۲۴۰.

۲. ماده ۱ قانون بیمه.

۳. جمالیزاده، احمد. بررسی فقهی عقد بیمه. ص ۲۴۱.

طلب سایرین به موجب سند رسمی باشد».

۳- ۱- ۳. مسئولیت بیمه در انواع جنایات

با توجه به کلام آقای خویی که بیان دارند تمام انواع بیمه را می‌توان از جهت تطبیق آن بر عقده‌به شرعاً تصحیح نمود، لذا بیمه شامل مسئولیت در خصوص جنایات هم می‌شود.^۱

۳- ۱- ۳. ۱. جنایت عمدی

چنانچه گذشت بر طبق فقه و قانون مسئول پرداخت دیه در جنایات عمدی شخص جانی است. اما آیا جانی می‌تواند در چنین مواردی مسئولیت را به بیمه منتقل نماید. ماده ۱۴ قانون بیمه مقرر می‌دارد: «بیمه گر مسئول خسارات ناشی از تقصیر بیمه گزار یا نمایندگان او نخواهد بود».

همچنین این مطلب در موارد دیگری از قوانین بیمه تصریح شده است. از این مواد استفاده می‌شود که در جنایات عمدی که همراه با تقصیر جانی است، بیمه گذار مسئولیتی ندارد و خود جانی مسئول پرداخت دیه می‌باشد. برخی با مقایسه بیمه با نهاد عاقله در این زمینه بیان می‌دارند:

«از طرفی با نگاهی به نظام بیمه‌ای نیز در می‌یابیم که تنها خطرهای خسارت‌های غیر عمد و ناشی از خطا از قصور بیمه پذیر است و خسارتی که از قصد و عمد بیمه گزار ناشی شده باشد، از ناحیه بیمه گر جبران نمی‌شود و بیمه گر هیچگونه تعهدی در آن موارد ندارد. علت چنین تصمیمی هم در نظام عاقله و هم نظام بیمه‌ای روشن است؛ زیرا اگر تقصیر و جنایت عمدی بیمه گزار، بر عهده بیمه گزار باشد، در جامعه نابسامانی و ارتکاب جنایت رواج می‌یابد، زیرا جانی احساس می‌کند در قبال جنایات خود مسئولیتی ندارد».^۲

اصل عقلایی بودن عقد بیمه از ناحیه بیمه گر نیز اقتضا می‌کند که در موارد عمدی مسئولیت را قبول نکند و می‌توان گفت مسئولیت بیمه در موارد عمدی با فلسفه هدف بیمه سازگار نیست، زیرا هدف

۱. خویی، سیدابوالقاسم. منهاج الصالحین. ج ۲. ص ۴۰۱.

۲. جمالیزاده، احمد. بررسی فقهی عقد بیمه. ص ۸۰.

از بیمه ایجاد امنیت خاطر برای بیمه گزار در مورد خطر احتمالی پیش روی اوست نه آرامش خاطر برای انجام جنایت و به همین دلیل است که قانون گزار در خصوص بیمه مسئولیت (شخص ثالث) در ماده ۵ تصریح می کند:

«در مورد عمد راننده در ایجاد حادثه یا در صورتی که راننده فاقد گواهینامه رانندگی باشد، شرکت بیمه پس از پرداخت خسارت زیان دیده می تواند برای استرداد وجوه پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده مراجعه نماید».

۳-۱-۲. جنایت شبه عمد

چنانکه گذشت مسئول پرداخت دیه در چنین مواردی نیز جانی می باشد، ولی از آنجا که همراه با قصد جنایت نیست، مشکلات مطرح در جنایات عمدی در اینجا نمی آید، لذا مهمترین مورد مسئولیت بیمه در پرداخت دیه مرتبط به جنایات شبه عمد، ناشی از حوادث رانندگی است که بر طبق ماده ۱ قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث:

«کلیه دارندگان این وسیله نقلیه مکلفند مسئولیت خود را نزد شرکت های بیمه ایران و یا یکی از مؤسسات داخلی که اکثریت سهام آنها متعلق به اتباع ایرانی و صلاحیت آنها به پیشنهاد وزارت دارایی و وزارت اقتصاد مورد تأیید دولت باشد، بیمه نمایند».

۳-۱-۳. جنایت خطای محض

چنانکه گذشت مسئول پرداخت دیه در جنایات خلای محض عاقله است و با نبود عاقله نوبت به بیت المال می رسد، در مورد قبلی بیمه جانشین شخص جانی بود، اما آیا بیمه می تواند جانشین دیگر مسئولین پرداخت دیه مانند عاقله، بیت المال و یا ضامن جریره گردد. در مورد جانشینی بیمه نسبت به عاقله بطور اختصار باید گفت که نهاد عاقله، نهادی پویا و دائمی است که منحصر به صدر اسلام نبوده، لذا نمی توان همچون برخی مدعی شد که با وجود نظام های بیمه در عصر حاضر نیازی به وجود نهاد عاقله نیست، بلکه نهاد عاقله همچنان پابرجاست؛ ولی مساله این است که آیا مانعی دارد که شخصی که جنایت خطای محض مرتکب شده است به جای مراجعه به عاقله و مسئول شناختن

آنها، بر طبق قرارداد بیمه‌ای خود بیمه را مسئول پرداخت دیه بدانند. به نظر می‌رسد پاسخ به این سؤال مبتنی بر این مطلب است که آیا خود جانی در چنین مواردی می‌تواند به جای عاقله پرداخت دیه نماید. اگر جواب مثبت باشد - حتی اگر قائل شویم که پرداخت دیه ابتداءً بر عهده عاقله می‌آید - در این صورت منعی در انتقال چنین حقی بر طرف قرارداد خود، یعنی شرکت بیمه نیست. لذا شخص می‌تواند حتی در جنایات خطای محض از بیمه استفاده کند. اما اگر قائل شویم با وجود عاقله شخص جانی نمی‌تواند خود دیه را پرداخت نماید، نتیجه آن می‌شود که شرکت بیمه که طرف قرارداد با شخص جانی است نیز نمی‌تواند مسئول پرداخت دیه باشد و نهاد مسئول پرداخت دیه در چنین جنایاتی عاقله خواهد بود. با تأمل در ادله مسئولیت عاقله و همچنین کلام فقهاء به نظر می‌رسد منعی در پرداخت دیه توسط شخص جانی در صورت تمکن و رضایت وجود ندارد. لذا از این راه می‌توان حتی در جنایات خطای محض بر طبق قرارداد، بیمه را مسئول دانست و با توجه به مشکلات نهاد عاقله در عصر حاضر مسئولیت را به بیمه منتقل نمود.

اما در مورد بیت المال در برخی موارد همچون مشخص نبودن قاتل که بحث جانشینی بیمه اصلاً مطرح نمی‌گردد؛ زیرا جانی مشخص نیست؛ ولی در برخی موارد مانند موردی که جانی مرتکب قتل خطای محض شده و عاقله ندارد، همانند عاقله منعی در انتقال مسئولیت به بیمه نیست.

و اما در مورد ضمان جریره باید گفت چون ضمان جریره هم عقدی است بین جانی (مضمون عنه) و ضامن جریره و از طرف دیگر بیمه هم عقدی است بین جانی و شرکت بیمه، هر دو طرف مسئول پرداخت دیه هستند و شاید بتوان گفت در چنین مواردی که جمع بین مسئولیت ضامن جریره و بیمه می‌شود، انتخاب با خود شخص است که هرکس را ترجیح داد به عنوان پرداخت کننده دیه به مجنی علیه یا ولی دم معرفی نماید. با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت در غیر از جنایات عمدی در تمامی موارد امکان مسئولیت بیمه و جانشینی آن به جای دیگر مسئولان پرداخت دیه وجود دارد و با در نظر گرفتن این امر که پرداخت دیه توسط بیمه دارای فواید و مصالحی هم برای جانی و هم برای مجنی علیه یا ولی دم دارد، زیرا وصول دیه راحت‌تر است، باید به این سمت گام برداشت که در تمام

موارد مسئولیت را به بیمه منتقل نمود. و حتی شاید بتوان گفت که در جنایات عمدی منجر به دیه هم امکان چنین امری توجیه پذیر باشد. و همانطور که در ضامن جریره مطرح است، اگر ما عقد بیمه را قراردادی بین دوطرف بدانیم، این قرارداد تابع توافق طرفین است و به نظر می‌رسد مشکلی در توافق دو طرف بر مسئولیت بیمه نسبت به پرداخت دیه در جنایات عمدی منجر به دیه هم نباشد، مخصوصاً اگر دیه را مجازات ندانیم و قائل به این باشیم که دیه تنها جبران خسارت می‌باشد و اشکالی در جبران این خسارت توسط بیمه نیست و تنها مشکل پیش رو اشکال غیر عقلایی بودن این عقد از طرف بیمه است و همچنین رواج جنایت به لحاظ آرامش خاطر جانی نسبت به پرداخت دیه است. البته در رابطه با این دو اشکال می‌توان پاسخ داد به اینکه نسبت به اشکال اول (غیرعقلایی بودن مسئولیت بیمه گر در موارد عمدی) باید گفت این اشکال در خیلی از موارد دیگر نیز وارد است مثلاً در بیمه اموال نسبت به حریق، چون این خطر برای بیمه گر وجود دارد که بیمه گذار برای دستیابی به مبلغ بیمه عمداً مال خود را آتش بزند. اما در مورد پرداخت دیه این چنین نیست؛ زیرا در موارد جنایت عمدی از آن جهت که مجازات اولیه جانی در موارد عمد، قصاص می‌باشد و این خطر برای بیمه گر وجود ندارد که جانی برای دریافت دیه کسی را بکشد، زیرا در صورت کشتن عمدی دیگری احتمال قصاص او وجود دارد و اگر قاتل با ولی دم برسر دیه به توافق برسد، به نظر می‌رسد اشکالی در پرداخت دیه توسط طرف قرارداد جانی، یعنی بیمه، وجود نداشته باشد یا حداقل جانی بتواند راساً به بیمه رجوع و پس از اخذ دیه آن را به مجنی علیه پرداخت نماید.

و در رابطه با اشکال دوم نیز همین امر مطرح است، زیرا چون احتمال قصاص جانی عمدی وجود دارد، صرف پرداخت دیه توسط بیمه باعث رواج جنایت نخواهد شد، چون ترس از قصاص یا مجازات به لحاظ جنبه عمومی بزه عمدی مثل موارد پیش بینی شده در تبصره ۲ ماده و ۲۶۹ صدر ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی و ... هنوز مانع جدی برای ارتکاب جنایت است. با توجه به این مطالب قانونگذار می‌تواند در جهت توسعه بیمه مسئولیت حتی در جنایات عمدی منجر به دیه گام بردارد و با وضع قوانین دقیق و سنجیده مانع از سوءاستفاده‌های احتمالی گردد. البته پر واضح است

که در بعضی موارد مانند جایی که قاتل از قبل با اولیای دم توافق کرده است و به آنان وعده پرداخت دیه توسط بیمه را داده، مشمول این قانون نخواهد بود.

۳-۲. راه‌های توسعه بیمه

از راه‌های مختلفی می‌توان عقد بیمه را در جامعه گسترش داد. که در این مبحث به راه‌هایی از جمله تبیین قوانین موجود و اصلاحاتی که در این سالها در راستای توسعه بیمه صورت گرفته و همچنین برطرف کردن نواقص مرتبط با این مقررات اشاره خواهیم نمود.

۳-۲-۱. قوانین ایران و توسعه بیمه

۳-۲-۱-۱. تساوی دیه اقلیت‌های دینی با دیه مسلمان و عدم تأثیر جنسیت

الف- تساوی دیه اقلیت‌های دینی با دیه مسلمان

یکی از مواردی که می‌تواند موجب گسترش فعالیت‌های بیمه‌ای در کشور شود موضوع تساوی دیه اقلیت‌های دینی با دیه مسلمان است که برابر تبصره ۲ ماده ۴ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۸۷ بیمه گر موظف است در ایفاء تعهدات مندرج در این قانون خسارات وارده به زیان دیده را بدون لحاظ جنسیت و مذهب تا سقف تعهدات بیمه نامه پرداخت نماید.

حضرت امام خمینی (ره) در خصوص دیه اقلیت‌های دینی در کشور می‌فرماید: «دیه کافر ذمی (اهل کتابی که در سرزمین اسلام زندگی می‌کند و به شرایط حکومت عمل نماید) اگر مرد باشد چه یهود و چه نصرانی و چه مجوس، هشتصد درهم هست و اگر آزاد و زن باشد نصف آن یعنی چهارصد درهم هست ولی کفاری که در ذمه مسلمین نیستند دیه ندارند».^۱

ولیکن طبق تبصره ۲ (الحاقی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام) دیه اقلیت‌های دینی با دیه مسلمان یکسان شد و مقرر داشت:

۱. موسوی خمینی، سید روح الله. تحریر الوسیله. ج ۲. ص ۵۵۹ - ۵۵۸.

«براساس نظر حکومتی ولی امر، دیه اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اندازه دیه مسلمان تعیین می‌گردد».

لازم به توضیح است این تبصره به موجب «قانون الحاق یک تبصره به ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰» اضافه شده و فاقد شماره می‌باشد لکن به لحاظ وجود تبصره قبلی ذیل ماده مذکور تبصره قبلی با شماره ۱ و تبصره الحاقی با شماره ۲ مشخص شده است. و طبق نظریه شماره ۱۳۸۴/۹/۲-۷/۶۲۵۷ اداره کل امور حقوقی قوه قضائیه:

«با توجه به قانون الحاق یک تبصره به ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی که دیه اقلیت‌های مذهبی را نیز به میزان دیه فرد مسلمان تعیین کرده است و فرقی بین ماه‌های حرام و غیر حرام قائل نشده است لذا فاضل دیه نیز به اقلیت‌های مذهبی تعلق می‌گیرد».

بنابراین شرکت‌های بیمه با استفاده از این فتوای مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می‌توانند موجب اقبال بیشتر مردم به شرکت‌های بیمه و گسترش فرهنگ بیمه در جامعه شوند.

ب- عدم تأثیر جنسیت در پرداخت خسارت

طبق اصل اولی در شرع اسلام دیه زن مسلمان نصف دیه مرد مسلمان است ولی یکی از مباحثی که در زمینه بیمه زن و مرد مطرح است و باعث گسترش مبحث بیمه می‌شود، پیش بینی تساوی دیه زن و مرد در عقد بیمه است لیکن ممکن است برخی به این مسئله اعتراض نمایند که این موضوع خلاف شرع و قانون مجازات اسلامی است چرا که در ماده ۳۰۰ این قانون که از شرع نشأت گرفته مقرر می‌دارد:

«دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی، خواه غیرعمدی نصف دیه مرد مسلمان است».

و در ماده ۳۰۱ مقرر داشته:

«دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد است».

ولی در پاسخ باید گفت چون عقد بیمه قراردادی است آزاد بین بیمه گذار و بیمه گر، هیچ منع شرعی

وجود ندارد که بیمه گر بر طبق قرارداد، دیه زن را هم معادل دیه مرد پرداخت نماید قاعده «العقود تابعه للقصود» نیز موید این مطلب است.

اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه ۱/۱۲۱۵ مورخ ۱۳۸۹/۳/۷ در مورد مسئله مذکور این گونه بیان داشته است: با توجه به اینکه قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۲/۳۱ میزان دیه زن و مقررات مربوط به آن را تغییر نداده و قضات دادگاهها طبق مقررات قانون مجازات اسلامی در این خصوص انشا رأی می کنند و تکلیف قضات اجرای احکام کیفری نیز در محدوده حکم صادره از دادگاه تعریف شده است با این حال این امر رافع مسئولیت بیمه گر بر اساس تعهدات مندرج در بیمه نامه و تبصره ۲ ماده ۴ قانون یاد شده نیست و مکلف است وفق تبصره مذکور دیه زن را بدون لحاظ جنسیت تا سقف تعهدات مندرج در بیمه نامه پرداخت نماید و بهتر است اجرای احکام مراتب مذکور را به بیمه گر متذکر شود. بدیهی است چنانچه بیمه گر به تکلیف قانون مذکور عمل ننماید نسبت به مازاد دیه مندرج در حکم تا سقف تعهدات بیمه گر ذی نفع می تواند دادخواست حقوقی تقدیم و آن را مطالبه نماید.

۳- ۲- ۱- ۲. ملاک تعیین خسارت در تصادف دو وسیله نقلیه

در صورت تصادف دو وسیله نقلیه که خسارت مالی به وجود آمده؛ ولی خسارت جانی به وجود نیامده جبران خسارت چگونه است و چنانچه در تصادف دو وسیله نقلیه خسارت جانی و مالی به وجود آمده و راننده مقصر نیز فوت نماید خسارت مذکور چگونه قابل جبران خواهد بود و در

صورتی که ورثه متوفای مقصر تمکن مالی برای پرداخت خسارت نداشته باشند تکلیف چیست؟

این مشکل که در مواردی شرکت های بیمه ای و برخی با آن مواجه هستند با عنایت به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قابل حل می باشد. چنانچه در جریان تصادف وسائط نقلیه خسارت مالی به یک یا هر دو وسیله نقلیه وارد آید و هیچ گونه خسارت جانی و صدمه بدنی به اشخاص وارد نشود ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی تعیین تکلیف نموده و مطابق مقررات ماده مذکور عمل می شود. فوت کسی که دیه بر عهده اوست، مانع از آن نخواهد بود که علیه ورثه او در دادگاه صلاحیت دار

اقامه دعوا شود. موافق رأی وحدت رویه شماره ۵۶۳ مورخ ۱۳۷۰/۳/۲۸ با عدم امکان تعقیب کیفری راننده متوفا مطالبه دیه در دادگاه عمومی قابل رسیدگی است دریافت وجه از شرکت بیمه توسط اولیای دم به معنای رضایت به اخذ قیمت دیه است و محکوم له برای دریافت الباقی آن تا مبلغ دیه می تواند به محکوم علیه مراجعه نماید مگر آنکه هر دو ادعایی را نسبت به زائد ساقط کرده باشد. در مواردی که ورثه تمکن مالی برای پرداخت دیه نداشته باشد ماده ۴۷۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعیین تکلیف کرده است.

۳- ۲- ۱- ۳. راننده مقصر تصادف منجر به فوت، که از وراث باشد

اگر چه قتل غیر عمد با توجه به مفهوم مخالف ماده ۸۸۰ ق.م.م. منع وراثت نیست؛ ولی چون دیه جنبه مجازات نیز دارد جانی از دیه سهم نمی برد؛ بنابراین قاتل غیر عمد از دیه ارث نمی برد. البته این حکم تأثیری در مسئولیت بیمه گر نداشته و موجب کاهش آن نسبت به دیه متعلقه به سایر وراث نیست؛ بنابراین در فرضی که راننده مقصر تصادف منجر به فوت طفل، مادر وی بوده که تنها وارث طفل در طبقه اول ارث است، از دیه سهم نمی برد و دیه طفل به سایر وراث طبقه بعدی که جد پدری طفل هم از جمله آنهاست پرداخت می شود و چنانچه جد پدری طفل تنها وارث وی از طبقه دوم ارث باشد کل دیه به او پرداخت می شود.^۱

۳- ۲- ۱- ۴. رابطه بیمه با بیت المال

یکی از خصایص نظام کیفری اسلام حاکمیت اصل شخصی بودن مجازات هاست. با توجه به اهمیتی که نظام اسلامی برای آزادی فردی و امنیت قضایی قائل است، قبول مسئولیت شخصی اجتناب ناپذیر است. قاعده وزر یکی از عناصر جوهری کیفر در اسلام قلمداد می شود و دارای ریشه های قرآنی است که در مبحث منابع فقهی به ذکر آن خواهیم پرداخت. شایان توجه است که نظام قضایی اسلام حدود ۱۲ قرن پیش از نظام قضایی غرب، با نزول آیاتی چند از قرآن مجید از جمله آیه شریفه «وَلَا

۱. نظریه شماره ۲۲/۳۱۷۲ مورخ ۱۳۹۰/۵/۷ اداره حقوقی قوه قضائیه.

تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى^۱، این اصل مترقی را پذیرفته، به آن عمل نموده است. حضرت علی (ع) پس از ضربت خوردن به دست ابن ملجم، خطاب به امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) فرمود: «بدانید که نباید کس دیگری جز قاتل من کشته شود...». این فرموده حاوی اصل شخصی بودن کیفر در اسلام است. بر اساس این اصل، جز مجرم، دیگران مسئولیت کیفری ندارند و نباید مورد مؤاخذه قرار گیرند.

البته اصل شخصی بودن مسئولیت در نظام اسلامی دارای قلمرو شمول وسیعی است که علاوه بر اصل شخصی بودن مجازات‌ها، سایر مسئولیت‌ها و تکالیف دینی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. بند ج ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۴ محرم ۱۴۱۱ قمری اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره در بیان این قاعده مقرر می‌دارد: «مسئولیت در اصل، شخصی است».

بدین ترتیب، در جهان اسلام با الهام از آیات قرآنی و اعلامیه مزبور، استقرار و حاکمیت اصل شخصی بودن مجازات‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است که در قوانین اساسی یا کیفری کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی درج شده است. ماده ۵ لایحه آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی، در بیان اصل مزبور با صراحت بیان می‌دارد: «تعقیب امر جزایی فقط نسبت به مرتکب جرم و کسانی خواهد بود که در آن شرکت یا معاونت داشته باشند».

دو مسأله در فقه اسلامی به عنوان استثنا بر این قاعده مطرح می‌شوند؛ یعنی مسئولیت بیمه و مسئولیت بیت المال (دولت)

الف- مسئولیت بیمه

مصادق بارز در این قضیه آن است که کسی خسارتی می‌بیند و دیگری بار خسارت او را به دوش می‌کشد؛ یعنی وزیر دیگری را بر عهده وازره‌ای گذاشته‌اند. ممکن است بگویید که در قضیه قبول

۱. سوره انعام، آیه ۱۶۴.

وزره دیگری در بیمه چون آن عمل ارتكابی خطاست، گناهی اتفاق نیفتاده که آن را به گردن دیگری بگذارند. به نظر ما نباید بحث را این گونه مطرح کرد؛ زیرا فرض ما این است که دیات، همه، ضمان مدنی است. ما وزره را در آیات شریفه به معنای اعم می‌گیریم؛ یعنی بار گناه و جرم یا بار هر عمل دیگر، به طور کلی اگر یک عملی باری دارد، یا کیفر است و یا ضمان؛ و به موجب قاعدهٔ وزر هیچ کس نباید بار دیگری را به دوش بکشد. اگر چنین معنا کردیم، آن وقت مسأله قبول پرداخت دیه توسط بیمه ظاهراً باید یک استثنا تلقی شود.

بنابراین می‌توان گفت که بر عهده گرفتن دیه جنایت خطای افراد توسط شرکت‌های بیمه‌ای با قاعدهٔ وزر مغایرت ندارد؛ زیرا به دلیل آیه (وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى) ^۱ و ظاهر آیه (مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا) ^۲ به عنوان مثال در تصادفات غیر عمدی منجر به فوت در درجه اول، ذمهٔ خود قاتل مشغول می‌شود و به موجب قرار داد بیمه‌ای، شرکت بیمه مکلف به بری الذمه کردن قاتل است. در حقوق موضوعه نیز نظریهٔ مورخهٔ ۶/۱۲/۱۳۴۲ کمیسیون آیین دادرسی کیفری ادارهٔ حقوقی دادگستری «مجموعه نظرهای مشورتی ادارهٔ حقوقی در زمینهٔ مسائل کیفری، تهیه و تنظیم مرتضی محسنی و مرتضی کلانتریان؛ نیز نک: نظریهٔ مشابه مورخهٔ ۱۲/۱۱/۱۳۵۰ ادارهٔ حقوقی در ص ۱۳ همان مجموعه.» مبتنی بر همین فکر است؛ زیرا به موجب نظریهٔ مزبور، استدلال شده است که حسب اصول و موازین جزایی و مستنبط از ماده ۱ اضافی به آیین دادرسی کیفری اصلاحی در سال ۱۳۳۷ و مواد مربوط به اجرای احکام کیفری، مجازات‌های بدنی و محروم‌کننده و محدود کنندهٔ آزادی (حبس) جنبهٔ شخصی دارد و فقط دربارهٔ شخص محکوم علیه قابل اجراست؛ ولی در مورد اجرای مجازات‌های نقدی، حکم شخصی بودن مجازات‌ها به طور مطلق جاری نیست و چنانچه کس دیگری هم از طرف محکوم علیه طوعاً حاضر به پرداخت غرامت کیفری شود علاوه بر آنکه پذیرش این تقاضا منع قانونی ندارد بلکه دادستان (اجرای احکام) مکلف به قبول

۱. سورهٔ انعام، آیه ۱۶۴.

۲. سورهٔ نساء، آیه ۹۲.

آن است.

ب- مسئولیت بیت المال

در فقه اسلامی، جبران خسارت ناشی از خطای قاضی در صدور حکم بر عهده دولت قرار گرفته است. حضرت علی (علیه السلام) فرمودند:

«اگر قضات در خون و [قطع عضو] خطا کنند، باید از طریق بیت المال مسلمین (دولت) جبران شود».^۱

اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این باره مقرر می‌دارد: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی شود، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت، خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌شود.» در مواردی که قاتل مسلمان دارای عاقله نباشد و یا عاقله وی توانایی پرداخت دیه را نداشته باشد، مسئولیت پرداخت بر عهده بیت المال مسلمین قرار می‌گیرد. در این گونه موارد در واقع دولت به قائم مقامی از عاقله، پرداخت دیه و جبران خسارت را عهده‌دار می‌شود؛ زیرا به هر حال در جامعه اسلامی، خون مسلمان نباید هدر شود و از طرفی، هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند. به همین دلیل، قانونگذار در مواد ۳۱۲ و ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰، بیت المال را در موارد معنونه در مواد مزبور مسئول پرداخت دیه دانسته است. اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه ۷/۹۳/۱۷۲۹ مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۶ در پاسخ به سوالی در رابطه با پرداخت دیه از بیت المال این چنین گفته است:

در جرائمی که دارای جنبه عمومی و خصوصی پرداخت دیه است و متهم متواری است و شاکی درخواست پرداخت دیه از بیت المال را می‌کند به استناد مواد ۴۷۰ و ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده کیفری بدون صدور قرار مجرمیت و کیفر خواست به دادگاه عمومی

۱. حرّ عاملی، محمدبن حسن. وسائل الشیعه. باب ۱۰. آداب القاضی.

جزایی ارسال می‌گردد و دادگاه با بررسی موضوع و احراز شرایط قانونی حکم به پرداخت دیه از بیت المال را صادر می‌نمایند و با دستور دادرسی امکان پذیر نیست. با بیان مطالب فوق رابطه مسئله بیمه با بیت المال به خوبی آشکار شد، چرا که هر دو این مسائل به عنوان استثناء اصل شخصی بودن مجازات در قانون و قاعده وزر در فقه به شمار می‌آیند.

۳-۲-۱-۵. خسارت معنوی

با توجه به تعریفی که از خسارت بدنی در تبصره ۳ ماده ۱ قانون مصوب ۱۳۸۷ ارائه شده است، خسارت معنوی در قلمرو این تعریف نمی‌گنجد. بنابراین، صرف نظر از اختلاف دیدگاه‌های موجود در نظام حقوقی ایران در خصوص امکان جبران خسارت معنوی، حتی اگر رأی محاکم قضایی نیز دایر بر جبران ضرر و زیان معنوی صادر شود، از جمله خسارت‌های قابل جبران مشمول حمایت‌های بیمه‌ای نیست. توضیح آن که خسارت بدنی به موجب تبصره مذکور به دیه، آرش و هزینه معالجه منحصر شده است.^۱

۳-۲-۱-۶. امکان پرداخت هزینه معالجه توسط بیمه

قانون جدید نسبت به مقررات سابق، گام مهمی در راستای جبران خسارت‌های بدنی برداشته است. به موجب قسمت اخیر تبصره ۳ ماده ۱، تمام هزینه‌های معالجه در کنار دیه و آرش قابل جبران است؛ این هزینه‌ها جزء خسارت‌های مشمول حمایت‌های بیمه‌ای محسوب شده است. این در حالی است که در نظام حقوقی ایران نسبت به ورود این گونه خسارت‌ها در قلمرو مسئولیت همدنی قواعد صریحی وجود ندارد، رویه قضایی و دکترین حقوقی و حتی نظرات فقها نیز در این مورد واحد نیست، به نحوی که تشتت آراء در این خصوص بسیار است. بدون پرداختن به این اختلاف آراء،

۱. به موجب تبصره ۱ ماده ۱۴ آیین دادرسی کیفری، خسارت معنوی از جمله خسارت‌های قابل جبران است. در این تبصره می‌خوانیم: «زیان معنوی عبارتست از صدمات روحی و عاطفی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی یا خانوادگی یا اجتماعی. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذر خواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید».

تنها به ذکر این امر بسنده می‌شود که اختلافات مطرح در این حوزه متوجه خسارت‌های ناشی از معالجه و مازاد بر میزان دیه است، در حالی که به موجب تبصره مورد بحث فراتر از این اختلافات، تمام هزینه‌های معالجه در کنار دیه و آرش قابل جبران است.

قانون گذار در تبصره ۲ ماده ۴ قانون جلید، جایی که دیه مؤنث و غیرمسلمان را به طور کامل و بدون توجه به جنسیت و مذهب قابل جبران می‌داند، به خروج این نوع خسارت بدنی از قلمرو مسئولیت مدنی توجه نموده و آن را نوعی حوادث اعلام می‌کند، اما در مسأله مورد بحث گوئی تصور ورود تمام هزینه‌های معالجه در کنار دیه و آرش به قلمرو مسئولیت مدنی تلقی شده است. در هر صورت صرف نظر از دامنه مسئولیت عامل زیان در این خصوص، تمام هزینه‌های معالجه از محل تعهدات بیمه قابل پرداخت است.

به موجب ماده ۴۵۷ قانون مجازات اسلامی، هزینه معالجه در کنار دیه و آرش قابل جبران است. در این ماده آمده است: «هرگاه هزینه‌های متعارف معالجه مجنی علیه بیش از دیه باشد علاوه بر دیه خسارت مازاد نیز باید از باب قاعده لاضرر با اخذ نظر کارشناس و با حکم دادگاه تعیین و بدون رعایت مواعد مقرر برای پرداخت دیه توسط مرتکب پرداخت گردد. در این مورد تفاوتی میان جنایت خطای محض، شبه عمدی و عمدی موجب دیه نیست».

تدوین این ماده گام مهمی برای تحقق اهداف مسئولیت مدنی است، تأیید شورای نگهبان در مورد تبصره ۳ ماده ۱ قانون بیمه اجباری ناشی از مبنای دیگری است.^۱

با این توضیح که، تعهد به جبران خسارت‌های معالجه در تبصره مذکور مبنای قراردادی داشته و ناشی از تعهدی است که میان بیمه گر و بیمه گذار در این خصوص منعقد شده است. این مبنا سبب شد در تصویب تبصره اختلاف نظرهای مربوط به ورود این گونه خسارت‌ها در قلمرو مسئولیت

۱. در این تبصره آمده است: «بیمه گر موظف است در ایفای تعهدات مندرج در این قانون خسارت وارده به زیان دیدگان را بدون لحاظ جنسیت و مذهب تا سقف تعهدات بیمه نامه پرداخت نماید مبلغ مازاد بر دیه تعیین شده از سوی محاکم قضایی، به عنوان بیمه حوادث محسوب می‌گردد».

مدنی، کنار گذاشته شده و با توجیهی مبتنی بر مسئولیت قراردادی به تصویب برسد. موضوع دیگری که پرداختن به آن ضروری است، آن است که بر خلاف دیه و آرش که دادگاه کیفری به موجب قانون مجازات اسلامی بدون نیاز به دادخواست و رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی حکم بر پرداخت آن‌ها صادر می‌نماید، با توجه به ماهیت مدنی خسارت‌های ناشی از معالجه صدور حکم در مورد این هزینه‌ها باید با تقدیم دادخواست و رعایت سایر ترتیبات و قواعد مربوط به پرداخت خسارت مدنی صورت گیرد. نتیجه آن که، دادگاه کیفری رسیدگی کننده در این خصوص با تکلیفی مواجه نیست. البته، با توجه به حق مراجعه مستقیم زیان دیده به شرکت‌های بیمه ۱ در صورت عدم اختلاف میان طرفین، زیان دیده می‌تواند بدون نیاز به رأی دادگاه مراجعه مستقیم به شرکت بیمه گر نسبت به وصول هزینه‌های ناشی از معالجه اقدام نماید. در صورت عدم همراهی، شرکت بیمه گر با ضمانت اجرای موضوع ماده ۲۸ قانون مذکور مواجه خواهد شد.

نکته مهم دیگر، ضرورت واضح شدن مفهوم عبارت «چنانچه مشمول قانون دیگری نباشد» در متن تبصره مورد بحث است. به موجب ماده ۹۲ قانون، برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است نسبت به درمان فوری و بدون قید و شرط مصدومین حوادث و سوانح رانندگی، در مراکز خدمات بهداشتی و درمانی اقدام کند به منظور تأمین منابع لازم برای ارائه خدمات فوق، ده درصد حق بیمه شخص ثالث، سرنشین و مازاد توسط شرکت‌های بیمه تجاری وصول و به حساب درآمدهای اختصاصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نزد خزانه داری کل واریز می‌گردد و هزینه‌های درمانی کلیه مصدومان ترافیکی، جاده‌ای و رانندگی از محل وجوه واریز شده به این حساب و سایر منابع موجود پرداخت خواهد شد....»^۱ با توجه به تکلیف وزارت یاد شده نسبت به

۱. ماده ۱۴ قانون مصوب ۱۳۸۷: «اشخاص ثالث زیان دیده حق دارند با ارائه مدارک لازم برای دریافت خسارت به طور مستقیم حسب مورد به شرکت بیمه مربوط و یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مراجعه نمایند. دستورالعمل اجرایی این ماده توسط بیمه مرکزی ایران تهیه و به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید».

درمان رایگان مصدومان حوادث رانندگی در صورتی که در اجرای این ماده شخص مصدوم از خدمات رایگان بهره مند شود، موجبی برای استناد به قسمت اخیر تبصره ۳ ماده ۱ قانون مصوب ۱۳۸۷، در مورد مطالبه خسارت ناشی از معالجه نیست. علاوه بر قانون فوق ممکن است هزینه‌های معالجه با توسل به دیگر سازوکارهای حمایتی از جمله مقررات مربوط به تأمین اجتماعی و بیمه‌های تکمیلی قابل جبران باشد. بنابراین، چنانچه هزینه معالجه زیان دیده توسط سازمان تأمین اجتماعی پرداخت شود، موجبی برای پرداخت خسارت از سوی بیمه گر نیست.

نتیجه آنکه، این شیوه جبران خسارت به روح وهدف اصلی قانون یعنی تضمین جبران خسارت زیان دیدگان مبتنی است، تا توجه به مبانی مسئولیت مدنی، بنابراین استنباط قاطع از این مقررات مبنی بر ورود این گونه خسارت‌ها به قلمرو مسئولیت مدنی در کنار دیه و آرش، با تردید جدی مواجه است. در نهایت باید گفت تحت پوشش قرار دادن هزینه معالجه، نوعی تعهد مستقیم است که برای بیمه گر پیش بینی شده است و تابعی از مسئولیت بیمه گذار محسوب نمی‌شود.

۳- ۲- ۱- ۷. گسترش مسئولیت بیمه در پرداخت دیه

امروزه با گسترش حوادث ناشی از کار، وسایل نقلیه و دیگر مظاهر جامعه صنعتی، جنایات منجر به پرداخت دیه افزایش یافته است و در بسیاری موارد به دلیل ناتوانی جانی از پرداخت دیه، راهی زندان شده و عواقب سوء مادی، معنوی و حیثیتی زندان گریبان گیر بسیاری از این افراد شده است. با توجه به اینکه پرداخت دیه راحت‌ترین و مناسب‌ترین روش برای جانی و ولی دم می‌باشد و با توجه به اینکه بیمه بطور مستقیم یا غیر مستقیم در تمام موارد منجر به دیه امکان جانشینی به عنوان مسئول پرداخت دیه را دارد باید در جهت گسترش مسئولیت بیمه گام برداشت که در ذیل برخی از این راه‌ها و شیوه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف- بیمه اجباری

هرچند قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث در ایران در تاریخ ۱۳۴۷/۱۰/۲۳ به تصویب رسیده است، ولی اجرای آن تا چند سال پیش در

کشور ما جدی گرفته نمی‌شد و حتی هم اینک نیز بسیاری از رانندگان با وسایلی بدون بیمه در حال رانندگی هستند. به نظر می‌رسد باید مسئولان انتظامی در این زمینه نظارت بیشتری انجام دهند و تنها به وضع جریمه برای همراه نداشتن بیمه نامه اکتفا نکنند، بطور مثال وجود برچسب بیمه نامه یا علامت آن به گونه‌ای واضح و مشهود برای تمام وسایل نقلیه همچون پلاک الزامی باشد تا بیمه بودن وسیله یا بیمه نبودن آن برای مأمورین و حتی دیگر افراد به راحتی قابل تشخیص باشد. اینک متن ماده ۱ قانون مزبور را در ذیل می‌آوریم:

متن ماده ۱ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۶:

«کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی و ریلی اعم از این که اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مکلفند وسائل نقلیه مذکور را در قبال خسارت بدنی و مالی که در اثر حوادث وسایل نقلیه مزبور و یا یدک و تریلر متصل به آن‌ها و یا محمولات آن‌ها به اشخاص ثالث وارد می‌شود حداقل به مقدار مندرج در ماده (۴) این قانون نزد یکی از شرکت‌های بیمه که مجوز فعالیت در این رشته را از بیمه مرکزی ایران داشته باشد، بیمه نمایند»^۱.

ب- صندوق تأمین خسارت‌های بدنی

این صندوق حسب ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری پیش بینی شده و مقرر داشته:

«به منظور حمایت از زیان دیدگان حوادث رانندگی، خسارت‌های بدنی وارد بر اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه نامه، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق تأمین بیمه‌گر، فرار کردن و یا شناخته نشدن مسؤول حادثه و یا ورشکستگی بیمه‌گر قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی خسارت‌های بدنی خارج از شرائط بیمه نامه [به استثناء موارد مصرح در ماده (۷)] توسط صندوق مستقلی بنام صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت خواهد شد».

ماده ۷ نیز اعلام داشته:

۱. مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات حقوقی. قانون آیین دادرسی مدنی. ج ۲. ص ۱۸۵۴.

«موارد زیر از شمول بیمه موضوع این قانون خارج است:

۱- خسارت وارده به وسیله نقلیه مسبب حادثه

۲- خسارت وارده به محمولات وسیله نقلیه مسبب حادثه

۳- خسارت مستقیم و یا غیرمستقیم ناشی از تشعشعات اتمی و رادیواکتیو

۴- خسارت ناشی از محکومیت جزایی و یا پرداخت جرائم^۱

آیین نامه اجرایی این صندوق در تاریخ ۱۳۴۸/۴/۲۱ به تصویب رسیده است ولی متأسفانه در مقام عمل بطور دقیق اجراء نمی‌شود فلذا بعضاً شاهد زندانی شدن صاحبان وسایل بدون بیمه هستیم. که برای اطلاع بیشتر می‌توان به این آیین نامه مراجعه کرد ولی ما در اینجا به بعضی مواد حساس آن اشاره می‌کنیم که بعضاً بطور دقیق اجراء نمی‌شوند و امید است که مدّ نظر قرار گیرند:

ماده ۶:

«اشخاص ثالث زیان دیده که به علل مذکور در ماده (۱۰) قانون بیمه اجباری شخص ثالث نتوانند خسارت خود را از بیمه گران دریافت دارند می‌توانند ظرف ده روز از تاریخ دریافت پاسخ بیمه گر مبنی بر رد مطالبه خسارت درخواست غرامت خود را به ضمیمه پاسخ مذکور و مدارک و اطلاعات مربوطه برای صندوق ارسال دارند. چنانچه خسارت وارده در اثر حادثه‌ای باشد که مسئول حادثه فرار کرده و یا پس از تحقیقات کافی شناخته نشده باشد زیان دیدگان می‌توانند ظرف سه ماه از تاریخ وقوع حادثه به صندوق مراجعه و با تسلیم مدارک لازم تقاضای جبران خسارت نمایند».

ماده ۹: «مقام‌های انتظامی که به حوادث و سائل نقلیه موتوری زمینی رسیدگی می‌کنند در صورتی که متوجه شوند مسئول حادثه فاقد بیمه نامه موضوع قانون بیمه شخص ثالث است یا در مواردی که مسئول حادثه فرار کرده یا شناخته نشده باشد موظفند یک نسخه از صورت مجلس و گزارش فنی خود را در مورد حادثه برای اطلاع صندوق ارسال دارند».

ماده ۱۲: «در صورتی که زیان دیدگان از مراجع دیگری مانند سازمان بیمه‌های اجتماعی یا سازمان

۱. همان، ج ۲. ص ۱۸۵۶.

بیمه کارمندان دولت یا صندوق‌های ویژه جبران خسارت غرامت دریافت نمایند صندوق غرامتی نخواهد پرداخت و هیچ یک از بیمه گران و سازمان‌های بیمه‌ای و صندوق‌های ویژه جبران غرامت، حق مراجعه و تقاضای استرداد خسارت پرداخت شده به اشخاص ثالث را از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ندارند»^۱.

۳-۲-۲. رفع نواقص قانون بیمه

۳-۲-۲-۱. تعریف بیمه

ایراد مهم این است که تعریفی که از بیمه در ماده ۱ شده، جامع و مانع نیست، زیرا از طرفی این تعریف شامل بیمه عمر، در زمان حیات نمی‌شود، زیرا ممکن است شخص دو نوع بیمه عمر شود، یکی اینکه مبلغی می‌پردازد تا در صورت فوت وجهی به وراثت یا شخصی که معین می‌کند پرداخت گردد؛ نوع دیگر اینکه مبلغی را به اقساط و به مدت معین مثلاً ۱۰ سال می‌پردازد تا اگر در خلال ۱۰ سال فوت کند مبلغ مورد تعهد را بیمه‌گر به ورثه یا شخصی که بیمه‌گذار تعیین می‌کند پرداخت نماید. ولی اگر بعد از ۱۰ سال بیمه‌گذار فوت نکرد، شخصاً مورد تعهد بیمه‌گر را که اصطلاحاً سرمایه عمر می‌گویند دریافت می‌دارد. با این بیان چون در ماده ۱ پرداخت خسارت را موقوف به وقوع یا بروز حادثه کرده است، با توجه به این که برای کسی که در مثال فوق در مدت ۱۰ سال فوت نکرده، حادثه پیش نیامده، لذا مورد مثال نمی‌تواند از مصادیق ماده ۱ باشد.

به این ایراد پاسخ داده شده است که چون انقضای مدت نیز خود حادثه‌ای است، مضافاً به این که بعد از بیان جبران خسارت ذکر جمله «یا وجه معینی بپردازد» تأکید شمول است، لذا با اندکی مسامحه می‌توان قبول کرد در دایره تعریف قانون بیمه قرار دارد.

ایراد دیگری که بر این تعریف شده، این است که این تعریف شامل بیمه شخص ثالث نمی‌شود، زیرا در تعریف به ذکر جمله «خسارت وارده بر او را جبران نموده و یا وجه معینی بپردازد» بسنده شده،

۱. همان، ج ۲. صص ۱۸۸۸ و ۱۸۸۹.

که ظاهر در جبران خسارت بیمه‌گذار و یا پرداخت وجه معینی به او است. و همچنین ایراد شده است که در تعریف به جای ذکر کلمه «خطر» که اساس بیمه بر آن قرار دارد، کلمه «حادثه» که نتیجه خطر می‌باشد، استعمال شده است.

البته باید قبول کرد که تعریف عقد بیمه در قانون ایران خالی از نقص نیست، و علت آن هم ترجمه متن قانون ۱۳ ژوئیه ۱۹۳۰ فرانسه دستخوش اصلاحات شده و قانون بیمه سال ۱۳۱۶ ما که در همان زمان، اقتباس قسمتی از قانون فرانسه بوده است نیاز به اصلاح دارد.

تعریفی که از کتاب «التامین و موقف الشریعه الاسلامیه منه» در فصل اول بیان شد نسبتاً تعریف جامع‌تری به نظر می‌رسد، اما به عنوان تکمیل این بحث تعریفی را که به نظر جامع افراد و مانع اغیار است بیان می‌نمائیم:

بیمه قراردادی است که به منظور کنترل خطر ضعف یا ورود خسارت بر مال و جان در موارد احتمالی وقوع آن با رعایت درصد احتمال وقوع خطر ضعف یا ورود خسارت بر مال و جان در موارد احتمال عقلایی وقوع آن با رعایت درصد احتمال وقوع خطر و امکان کسب منفعت مالی منعقد می‌شود که طی آن یک طرف تعهد می‌نماید در ازای وجه دریافتی با شرایط فیما بین در صورتی که حادثه مورد نظر بدون خواست طرف مقابل واقع شود، مبلغ معین یا درصدی از خسارت واقع شده را بپردازد.^۱

۳-۲-۲. خسارت ناشی از کار افتادگی

با دقت در عبارت تبصره ۳ ماده ۱ این قانون، این نتیجه حاصل است که خسارت بدنی به دیه، آرش و هزینه معالجه منحصر است و تعهدات بیمه‌ای، خسارت‌هایی مانند خسارت ناشی از ازکارافتادگی، خسارت ناشی از مراقبت افراد مصدوم، خسارت ناشی از بی‌یکاری و... را پوشش نمی‌دهد.

۱. دسوقی، سیدمحمد، التامین و موقف الشریعه الاسلامیه منه، ص ۱۷.

خسارت ناشی از «از کار افتادگی» به شرح مندرج در متن تبصره مذکور، مصدوم تنها به دیه یا آرش ناظر است که به عضو از کارافتاده تعلق می‌گیرد.» نتیجه این که، خسارت ناشی از، از دست دادن نیروی کار به مفهوم رایج در نظام تأمین اجتماعی مشمول این تبصره نیست و این در حالی است که شیوه نگارش ماده ۳ آیین نامه اجرایی قانون مصوب ۱۳۴۷ که امروزه با توجه به ماده ۲۹ قانون جدید قابلیت اجرایی ندارد، زیان‌های ناشی از، از کارافتادگی دائم را بدون وابستگی آن به دیه یا آرش، جزء خسارت‌های قابل جبران محسوب کرده بود.

از آن جا که این نوع ضرر و زیان مشمول تعریف خسارت بدنی بود، به تبع آن تحت حمایت پوشش‌های بیمه‌ای نیز قرار می‌گرفت. در ماده ۳ آیین نامه یاد شده، خسارت بدنی این گونه تعریف شده بود: «منظور از جبران خسارت بدنی مذکور در ماده ۱ قانون تأمین و جبران هزینه معالجه صدمات بدنی و یا جرح حاصل از حوادث رانندگی و همچنین زیانهای نقص عضو، از کار افتادگی دائم (مطلق یا نسبی) یا فوت ناشی از حوادث مشمول بیمه برای اشخاص ثالث است.» با توجه به این که به موجب تبصره ۳ ماده ۱ قانون جدید، این گونه خسارت‌ها از حمایت پوشش‌های بیمه‌ای خارج هستند، برای جبران آن‌ها باید به قواعد عمومی رجوع کرد. در نتیجه، شخص و عامل زیان خود مسئول جبران آن است. این در حالی است که در مواردی میزان خسارت به حدی بالا است که دخالت منابع جمعی و دولت نیز کفایت پرداخت آن را نمی‌نماید، تا چه رسد به افراد عامل زیان. نتیجه این امر، بدون جبران ماندن زیان‌های وارده و تحمل آن از سوی زیان دیدگان حوادث رانندگی است.

۳-۲-۲-۳. پرداخت خسارت بیمه گذار به ولی فقیه

طبق ماده ۴۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقام رهبری در موارد فقدان وارث، آیا وارث شناخته شده است؟

الف) آیا چنانچه در پرونده‌هایی مثل تصادف متوفا وارث نداشت لازم است دادستان یا مقام دیگری به عنوان نماینده رهبری مطالبه دیه نماید و پس از اخذ دیه باید به چه کسی پرداخت شود در صورت

بیمه بودن مقصر آیا لازم است دیه از بیمه برای مقام رهبری دریافت شود ب) در فرض عدم شناسایی وراثت که معلوم نیست متوفا وراثت دیگر داد یا خیر چه حکمی دارد.

در فرض پرسش می‌باید وفق مقررات مذکور در ماده ۳۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اقدام گردد توضیح اینکه مطابق ماده ۳۵۱ قانون فوق الذکر ولی دم همان ورثه مقتول هستند و نیز وفق ماده ۳۵۶ که شامل همه جنایات اعم از عمدی و شبه عمدی و خطای محض است چنانچه مقتول ولی نداشته باشد یا شناخته نشود ولی او مقام رهبری است که در صورت اذن معظم له رئیس قوه قضائیه اختیارات ولی دم را به دادستان‌ها تفویض می‌نمایند و دادستان‌ها می‌باید جهت احقاق حقوق مربوطه اقدام نمایند و در خصوص فرض پرسش که مطالبه دیه در جنایت شبه عمدی است اقدام لازم را معمول دارند و پس از صدور و قطعیت حکم نیست به وصول آن و واریز به حساب مخصوص مبادرت نمایند و در این خصوص تفاوتی بین مسئولین پرداخت دیه اعم از مقصر یا شرکت بیمه نیست بدیهی است که شرکت بیمه گر در خصوص مورد می‌باید وفق ماده ۱۶ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۸۷ اقدام نماید.

۳- ۲- ۲- ۴. جرائم و مجازات‌های پیش‌بینی نشده در قوانین بیمه

قراردادهایی که طبق شرایط و اصول مندرج در مبانی فقهی و قوانین موضوعه منعقد می‌شوند، واجد آثار حقوقی بوده و به تبع آن برای طرفین یا شخص ثالث، ایجاد تعهد می‌کند. فلسفه قانون گذاری اقتضا می‌کند که جهت الزام عقد، ضمانت اجراهایی پیش‌بینی شود تا در هنگام تخلف از موارد تعهد بتوان مجازات‌هایی را در رابطه با متخلف و مجرم اعمال نمود.

در رابطه با موضوع مورد بحث قوانین بیمه، گرچه حدود مسئولیت بیمه گذار و بیمه گر را تبیین نموده و موارد فسخ و بطلان قرارداد بیمه را پیش‌بینی نموده است ولی در مورد ارتکاب جرایمی که در رابطه با تمامی قراردادهای اسناد امکان پذیر می‌باشد ساکت بوده و طبق قواعد کلی حقوق، چنین مواردی را می‌توانیم از قوانین عام به دست آورده و به این موضوع تعمیم دهیم.

جرم جعل و تزویر از جمله جرایمی است که به دلیل سندیت داشتن بیمه نامه‌ها می‌تواند مورد توجه

قرار گیرد. زیرا به موجب ماده ۲ قانون بیمه، بیمه نامه از اسناد کتبی محسوب شده و شرایط عقد بیمه نیز در این سند قید شده و قابل استناد می باشد. عنوان جعل اسناد، جرمی است که قانون گذار مجازات های خاص را برای آن پیش بینی کرده و در ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی، جبران خسارت ناشی از جعل سند و حبس ۱ تا ۱۰ سال را برای مرتکبین جعل اسناد در نظر گرفته است.

به موجب قانون تأمین اجتماعی هر کس به استناد اسناد و گواهی های خلاف واقع یا توسل به عناوین و وسایل تقلبی از مزایای مقرر در این قانون به نفع خود استفاده نماید، و یا موجبات استفاده افراد خانواده خود یا اشخاص ثالث را فراهم سازد به پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر خسارت وارده به سازمان تأمین اجتماعی و یا این سازمان در صورت تکرار به حبس از ۶۱ روز تا ۶ ماه محکوم خواهد شد.

با توجه به موارد مندرج در قانون مجازات اسلامی و قانون تأمین اجتماعی احراز جرم مذکور مجازات های خاصی را به دنبال داشته و قابل اعمال می باشد؛ ولیکن در خصوص مواردی که جعلی صورت نگرفته ولی موجبات سوء استفاده را فراهم نموده مجازاتی را پیش بینی ننموده است. به عنوان مثال دفترچه های درمانی که در بعضی موارد سوء استفاده غیر قرار می گیرد. همچنین می توان قوانین تجارت در مورد بیمه غیر بحری را به قوانین بیمه تسری داد، مضافاً این که طبق ماده ۱۱ اساسنامه سازمان بیمه مرکزی، بیمه مرکزی ایران یک شرکت دولتی است، و شرکت دولتی نیز مطابق ماده ۳۰۰ قانون تجارت تابع قوانین تأسیس و اساسنامه های خود می باشد، مگر اینکه در رابطه با موضوع خاص فاقد مقررات باشند که در این صورت طبق قانون تجارت عمل خواهد شد.^۱

۱. رستمی اول، منصور. صنعت بیمه در آیین فقه و حقوق. ص ۱۲۰-۱.

خاتمه و نتیجه گیری کلی پایان نامه

الف- نتیجه گیری کلی

مقررات بیمه از جمله احکام امضایی اسلام به شمار می‌رود که در جهت حمایت از منافع جامعه از جمله افراد بزه دیده و جبران خسارت وارده مورد پذیرش اسلام واقع شده است. بیمه در لغت، قانون، کلام حقوق دانان و فقه تعاریفی دارد.

با مقایسه تعریف لغت شناسان و تعاریف اصطلاحی بیمه در می‌یابیم که میان مفهوم لغوی و معنای اصطلاحی واژه بیمه قرابت آشکاری وجود دارد. با وجود این نباید فراموش کرد تکامل مدنی انسان، بیمه را از یک عقد طرفینی بدون تأثیرپذیری از مشارکت دیگران خارج نموده است به گونه‌ای که این نهاد، امروزه با ملاحظات فنی و اقتصادی فراوانی با ایفای نقش خویش همواره در حال تکامل است.

در گفتار دوم به تعریف لغوی و اصطلاحی عقد پرداخته‌ایم که عقد در لغت به معنی جمع بین اطراف جسم و گره زدن و بستن می‌باشد و در اصطلاح فقهی عبارت است از ایجاب و قبول با

ارتباطی که شرعاً معتبر است و در اصطلاح قانونی بیان شده است که عقد، عبارت است از این که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر، تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد.

– در رساله حاضر سعی شده است که ماهیت بیمه از دو منظر فقه و حقوق بررسی شود.

– بیمه به جهت اعتبارات گوناگون دارای اقسامی است که در گفتار اول مبحث دوم به طور تفصیل بیان شد که در نتیجه می‌توان گفت بیمه به دو قسم تقسیم می‌شود قسم اول بیمه‌های تعاونی است که بدون هدف انتفاع و سودبری شکل می‌گیرد و دیگر قسم بیمه‌های خصوصی است که با انگیزه سودآوری برای طرفین بیمه انجام می‌گیرد که به دو بخش تقسیم می‌شود خطرهای مربوط به خسارت‌های مالی و خطرهای مربوط به اشخاص و وضعیت جسمانی.

– عوایل گوناگونی برای پیدایش بیمه مؤثر بوده‌اند از جمله روحیات و عواطف بشری و همچنین کسب منفعت.

– بیمه در عصر اسلام: علیرغم ادعای برخی مبنی بر پیدایش قرارداد بیمه از دنیای غرب، واقعیت آن است که مفاهیم موضوعی به کار گرفته شده در قضایای دینی از زمان شارع مقدس نافی ادعای فوق است، زیرا عناوینی همچون (ضمان جریره) و (ضمان عاقله) نه تنها بیانگر وجود حقیقت (بیمه) انشائی و تکوینی از زمان شارع دینی است، بلکه بیمه را به عنوان (حق) یکی از حقوق اساسی انسان مسلمان و سایر انسانها در جامعه دینی می‌توان برشمرد.

– بین فقهای امامیه در رابطه با عقد بودن بیمه کم‌تر اختلاف نظری وجود دارد و معمول اختلافات در خصوص استقلال و عدم استقلال عقد بیمه است، یک گروه قائل به این هستند که بیمه عقدی مستقل است و گروه دوم سعی کرده‌اند که بیمه را جزء عقود معین که از ناحیه شارع مشخص گردیده و صحت آن امضاء شده است.

– بیمه عقد است نه ایقاع چرا که در ایقاع تنها یک خلع و یک لبس صورت می‌پذیرد و در بیمه چون دو خلع و دو لبس صورت می‌پذیرد باید آن را از مقوله عقود به‌شمار آورد، عقد بیمه همانند سایر عقود لازم است و نیاز به ایجاب و قبول دارد.

– ضمن بررسی ماهیت بیمه از منظر فقهای اهل سنت در می‌یابیم بیمه تعاونی و اجتماعی جائز و صحیح است زیرا با دین اسلام که خواستار همبستگی اجتماعی بر اساس کمک مالی است، سازگاری دارد. لکن اختلاف نظر در مورد حکم بیمه تجاری شدید است. دسته‌ای از علما معتقدند که این نوع از قرارداد به علت مشتمل بودن بر جهالت و ابهام و دارا بودن حلت قمار، گروگذاری و ربا حرام است؛ در مقابل این دسته گروهی دیگر بر این باورند بیمه تجاری جایز بوده و دربرگیرنده هیچ مورد مخالف با شریعت اسلام نیست و در رابطه با بیمه عمر قائل به سه نظریه حرمت، جواز و توقف شده‌اند.

– نتایجی که می‌توان از بررسی ماهیت بیمه در فقه امامیه به دست آورد به شرح زیر می‌باشد:

برخی عقد بیمه را از راه انطباق با عقود معهوده فقهی مانند: ضمان، صلح، هبه و غیره تصحیح کرده‌اند. هرچند این اقوال مورد نقد قرار گرفته است لکن اکثر این انتقادات قابل پاسخگویی می‌باشد. برخی دیگر از فقهای امامیه معامله بیمه را عقد مستقل و مشمول ادله صحت عقود دانسته و از طریق آیات، روایات، بنای عقلا، دلیل عقل و عرف همه اقسام بیمه را اعم از بیمه اشیاء، اشخاص و مسئولیت مدنی صحیح می‌دانند.

– نکته قابل ذکر این که فقهای شیعه، حتی الامکان سعی کرده‌اند که اولاً حکم عقد بیمه را با عرضه بر عمومات و اطلاعات ادله عقود بیان کنند و اگر این ادله را عام نلیدند، تلاش کرده‌اند از راه عرضه بیمه و انطباق آن با عقود معین، حکم به مشروعیت عقد بیمه بدهند.

– با بررسی قواعد فقهی می‌توان از شمول این قواعد در قانون بیمه اطلاع یافت.

– طبق نظر اکثر علمای علم حقوق بیمه یک عقد مستقل است و فقط در مسئله ماهیت حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث اختلاف نظر است. برخی آن را از مصادیق تعدد عقد می‌دانند و برخی دیگر قائل به نظریه عقد فضولی و کارگشایی هستند و قول دیگری که برخی از حقوق دانان به آن قائل شده‌اند نظریه ایقاع است و نظریه چهارم نظریه تعهد مستقیم ناشی از قرارداد نیز می‌باشد. اما فقهای امامیه آن را به عنوان شرط ضمن عقد قبول دارند.

۱۳۸۷ پوشش دهنده تمام خسارت‌های وارده بر قربانیان
حوادث رانندگی نیست، اما مهم‌ترین دست آورد آن توسعه این حمایت‌ها نسبت به قانون سابق
است. پرداخت هزینه معالجه در کنار دیه و آرش، پرداخت دیه‌های متعدد وارده به شخص واحد،
تساوی دیه زن و مرد و مسلمان و غیرمسلمان، افزایش میزان حداقل بیمه اجباری، توسعه
خسارت‌های مالی قابل جبران، حذف موانع و ایجاد اقتضاء حمایت‌های بیمه‌ای و حذف استثنائات
خسارت‌های قابل جبران، از جمله مواردی است که به موجب قانون جدید توسعه پوشش‌های بیمه‌ای
را در پی دارد.

۲. مسئولیت مدنی ماهیت حقوقی بیمه است، بنابراین، این بیمه نیز نوعی تعهد به نفع ثالث است، که
بیمه گذار متعهد می‌شود در صورت بروز حادثه زیان بار و صدور رأی دادگاه مبنی بر محکومیت بیمه
گذار به پرداخت دیه، مبلغ دیه را به زیان‌دیده یا اولیای دم او بپردازد.

۳. درباره ماهیت بیمه مسئولیت مدنی باید گفت: از آنجا که بیمه مسئولیت مدنی جزء بیمه‌های اموال
است، صرف ورود ضرر از ناحیه بیمه گذار به ثالث، موجب پرداخت خسارت توسط بیمه گر
نمی‌شود، بلکه شرکت بیمه به قائم مقامی از بیمه گذار اقدام به پرداخت خسارت می‌کند.

۴. ماهیت مبلغ بیمه در بیمه عمر: مبلغ بیمه‌ای وصیت نیست، ارث هم نیست بلکه تابع توافق طرفین
عقد بیمه است.

۵. در رابطه با ادله قانون گذاران مبنی بر اینکه بیمه یک عقد مستقل است می‌توان به ماده ۱۰ قانون
مدنی که بیانگر اصل آزادی قراردادها است استناد کرد.

۶. در بیمه علاوه بر رعایت اصول کلی حاکم بر قراردادها، لازم است که قواعد و قوانین خاص
دیگری (قوانین بیمه) در آن رعایت شود. در کل می‌توان گفت که بر انعقاد، آثار و پایان قرارداد بیمه،
قواعد عمومی قراردادها (شرایط ماده ۱۹۰ قانون مدنی)، قانون بیمه و قانون تجارت حاکم است.

۷. احکام بیمه عبارت‌اند از اوصاف حاکم بر عقدبیمه، اصول حاکم بر عقدبیمه، صورت عقدبیمه و
مسئولیت بیمه در انواع جنایات.

– به موجب ماده ۱۸۳ قانون مدنی و ماده ۱ قانون بیمه و دیگر مواد قوانین حقوق ایران بیمه عقدی مستقل، لازم، معاوضی، احتمالی و معلق، الحاقی و رضایی است.

– عقد بیمه مانند دیگر عقود، دارای موضوعی است که عقد برای آن واقع می‌شود (معقود علیه). براساس ماده ۴ قانون بیمه موضوع بیمه می‌تواند شخص، شیء یا مسئولیت و یا میزان معینی وجه نقد باشد.

– به جهت بهره‌مندی مردم از آثار بیمه قانون‌گذار راه‌هایی را برای توسعه بیمه تدبیر نموده است از جمله دیه اقلیت‌های دینی با دیه مسلمان مساوی به شمار می‌آید، ملاک تعیین خسارت در تصادف دو وسیله نقلیه طبق ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی معین شده است، رابطه بیمه با بیت المال، مسئولیت بیمه در خسارات معنوی، امکان پرداخت هزینه معالجه توسط بیمه و یا قوانینی که در رابطه با گسترش مسئولیت بیمه در پرداخت دیه وضع شده است.

– یکی دیگر از راه‌های توسعه بیمه بررسی و برطرف نمودن نواقص حقوقی قانون بیمه و پرداختن به جرائم و مجازات‌های پیش‌بینی نشده در قوانین بیمه است.

ب- پاسخ به پرسش اصلی

* ماهیت و آثار بیمه در حقوق ایران و فقه مذاهب اسلامی چیست؟

باید دانست که بیمه، عقدی مستقل و لازم است و همانند عقود لازمه از یک طرف مشمول ادله عامه نسبت به تعهد و التزام می‌باشد و طرفین را ملزم به محترم شمردن آن، و مراعات شرایطی که مورد توافق طرفین در عقد بیمه قرار گرفته است می‌شمارد و از طرف دیگر باید شرایط کلی صحت عقد از قبیل: قصد و رضا، اهلیت و... در انعقاد قرارداد بیمه ملحوظ شود. بیمه نیز همانند سایر عقود، نیاز به قرارداد دارد که به اصطلاح فقهی باید به صورت ایجاب و قبول بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار جاری شود. همچنین طبق قوانین موجود (مواد ۲۱ و ۲۲ قانون بیمه) ماهیت بیمه از منظر حقوق مسئولیت مدنی است که هدف از آن جبران خسارت است نه ایجاد سود.

فقه‌های شیعه، حتی الامکان سعی کرده‌اند که اولاً حکم عقد بیمه را باعرضه بر عمومات و اطلاعات ادله عقود بیان کنند و اگر این ادله را عام ندیدند، تلاش کرده‌اند از راه عرضه بیمه و انطباق آن با عقود معین، حکم به مشروعیت عقد بیمه بدهند در مقابل بیشتر علمای اهل سنت تنها بیمه تجاری را باطل و نامشروع دانسته و معتقدند که بیمه تجاری در بین عقود معین، مشابهی ندارد و به دلیل عدم انطباق بیمه با یکی از عقود معین، غیرشرعی است و به دلایلی از جمله وجود ربا، قمار، غرر و غبن باید حرام دانسته شود. ولی بیمه تعاونی را که در آن، نوعی همکاری برای رفع مشکل برای یکی از افراد گروه وجود دارد را جایز دانسته و افراد را تشویق به این نوع از بیمه می‌کنند. با بررسی تطبیقی ماهیت مقررات بیمه با مقررات جاری کشور و قواعدفقهی می‌توان آثار عملی آن را احصا نمود. از جمله آثار بیمه می‌توان به اوصاف و اصول حاکم بر بیمه و صورت عقد و شرایط طرفین عقد بیمه و همچنین آثار عملی آن از جمله تساوی دیه اقلیت‌های دینی با دیه مسلمان، مسئولیت بیمه در خسارات معنوی، امکان پرداخت هزینه معالجه توسط بیمه و.. اشاره نمود.

ج- مشکلات و محدودیت های تحقیق

یکی از بارزترین مشکلات در رابطه با پژوهش در خصوص موضوع بیمه عدم وجود یک آرشیو کامل از منابع مرتبط می‌باشد و همچنین پژوهشگران در مقالات علمی خود کم‌تر به موضوع بیمه پرداخته‌اند خصوصاً در حوزه تطبیق بیمه با دیگر قوانین کشور، در حالی که به جهت وجود مؤیدات شرعی از سوی فقه‌های شیعه مقوله بیمه در کشورمان از گستردگی مناسبی برخوردار است.

د- پیشنهادات

با توجه به مطالبی که در رساله حاضر جمع آوری و نگارش شده است پیشنهاداتی به جهت توسعه بیمه به نظر می‌رسد:

۱. تدوین آرشیوی جامع و کامل از متون مرتبط با موضوع بیمه و مقررات مرتبط به آن.

۲. تدوین کتاب آموزشی بیمه جهت آشنایی دانش آموختگان رشته‌های فقه و حقوق با مبانی فقهی و حقوقی بیمه.
۳. آموزش بازاریابان شرکت‌های بیمه‌ای و آشنایی ایشان با مبانی فقهی بیمه تا افراد بازاریاب از انحرافات همچون ربا و دیگر معضلات در امان باشند.
۴. ایجاد کمیته‌هایی در بیمه مرکزی جهت توسعه موضوعی و مصداقی بیمه از طریق تطبیق بیمه با دیگر قوانین کشور خصوصاً قانون مجازات اسلامی.
۵. استفاده از ظرفیت دیپلماسی جهت توسعه مقوله بیمه بین کشورهای اسلامی خصوصاً کشورهای شیعی و نزدیک به تشیع، از طریق بیان مبانی فقه مذاهب اسلامی.
۶. با بررسی تطبیقی ماهیت مقررات بیمه با مقررات جاری کشور و قواعد فقهی می‌توان آثار عملی آن را بررسی و احصا نمود.
۷. دولت می‌تواند از طریق وضع مالیات و عوارض مناسب و اخذ صحیح و عادلانه آن، موجبات توسعه بیمه‌های اختیاری مسئولیت، عمر، تصادفات و مناطق پر حادثه (زلزله خیز، در معرض سیل) را فراهم کند و امنیت اجتماعی را جایگزین مسئولیت فردی نماید.

فهرست منابع و مآخذ

* قرآن کریم

الف) کتاب‌های فارسی

۱. ابراهیمی، محمدحسین، بیمه و تامین اجتماعی در اسلام، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۵ ش، چاپ اول.
۲. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، نشر اسلامیه، ۱۳۷۴ ش، چاپ پانزدهم.
۳. ایزدپناه، مسیح، اصول بیمه، تهران، پژوهشکده بیمه، ۱۳۸۶ ش.
۴. آجری، خیرالله، بیمه در ایران (مجموعه اسناد وقوانین بیمه)، بی جا، ۱۳۵۲.
۵. بهرامی احمدی، حمید، سوءاستفاده از حق مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظام‌های حقوقی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۵، چاپ اول.
۶. بهشتی، سید محمد، اقتصاد اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲ ش، چاپ اول.
۷. بی آزارشیرازی، عبدالکریم، رساله نوین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ ش، چاپ اول.
۸. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، بررسی مبانی بیمه در اسلام، قم، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۶ ش، چاپ اول.
۹. تاج بخش، محمدباقر، بیمه انواع و شرایط آن، تهران، انتشارات رنگین، ۱۳۳۷ ش.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، الفارق: دائرة المعارف عمومی حقوقی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۶ ش، چاپ اول.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش،

- ۱۳۸۱ ش، چاپ دوم.
۱۲. جمالیزاده، احمد، بررسی فقهی عقد بیمه، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش، چاپ اول.
۱۳. حسینی نژاد، حسین قلی، مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۹ ش.
۱۴. خامنه‌ای، سیدمحمد، بیمه در سیستم حقوقی اسلام، تهران، انتشارات تولید کتاب، ۱۳۸۱ ش.
۱۵. خدابخشی، عبدالله، حقوق بیمه و مسئولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۶ ش، چاپ دوم.
۱۶. خمینی، سید روح الله، رساله نوین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰ ش، چاپ اول.
۱۷. خوئی، سید ابوالقاسم، احکام سفته و سر قفلی و بیمه، مشهد، انتشارات رستگار، ۱۳۸۰ ش، چاپ اول.
۱۸. دستباز، هادی، اصول و کلیات بیمه‌های اشخاص، تهران، دانشکده علامه طباطبائی، ۱۳۸۴ ش، چاپ اول.
۱۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش، چاپ دوم.
۲۰. رستمی اول، منصور، بیمه در آینه فقه و حقوق، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش، چاپ اول.
۲۱. شفیعی سروسستانی، ابراهیم، قانون دیات و مقتضیات زمان، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۷۶ ش، چاپ اول.
۲۲. شیبانی، محمد علی، تاریخچه پیدایش و تحول بیمه، تهران، مدرسه عالی بیمه، ۱۳۵۳ ش.

۲۳. صدیقی، محمد نجات الله، بیمه در سیستم اقتصادی اسلام، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۱ ش، چاپ اول.
۲۴. عباس زاده اهری، حسن، مسئله بیمه و بررسی ابعاد حقوقی و فقهی آن از دیدگاه اسلام، تبریز، انتشارات آیین دادرسی، ۱۳۹۲ ش، چاپ اول.
۲۵. عرفانی، توفیق، قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۸۱ ش.
۲۶. فتحعلی پور، عطاءالله، مسئولیت جزایی و مدنی ناشی از تصادفات رانندگی، تهران، نشر ورق، ۱۳۷۶ ش.
۲۷. فریار، حسین، قرارداد بیمه از دیدگاه فقه اسلامی، چهارمین کنفرانس بین المللی دستاوردهای نوین، ۱۳۹۸ ش.
۲۸. قاسم زاده، سیدمرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، تهران، میزان، ۱۳۸۷ ش.
۲۹. کاتوزیان ناصر، جنیدی لعیا، غمامی مجید، مسئولیت ناشی از حوادث رانندگی، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶ ش.
۳۰. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، بی جا، بی نا، ۱۳۶۴ ش.
۳۱. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲ ش، چاپ هشتم.
۳۲. کریمی آیت، بیمه اموال و مسئولیت، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۸ ش، چاپ اول.
۳۳. کریمی، آیت، کلیات بیمه، تهران، بیمه مرکزی ایران، ۱۳۸۲ ش، چاپ هشتم.
۳۴. گرجی، ابوالقاسم، مقالات حقوقی (دیات)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ ش.
۳۵. مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات حقوقی، قانون آیین دادرسی مدنی، بی جا، بی نا، بی تا.

۳۶. مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات حقوقی، قانون مدنی، بی جا، بی نا، بی تا.
۳۷. مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات کیفری، قانون آیین دادرسی کیفری، بی جا، بی نا، بی تا.
۳۸. مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات کیفری، قانون مجازات اسلامی، بی جا، بی نا.
۳۹. محقق داماد سیدمصطفی، قواعدفقه بخش مدنی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۵۷ ش، چاپ سوم.
۴۰. محمدی، محمد مهدی، حقوق بیمه (مسئولیت و شخص ثالث)، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵ ش، چاپ اول.
۴۱. محمود صالحی، جانعلی، حقوق زیان دیدگان و بیمه شخص ثالث، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۳ چاپ اول.
۴۲. مشایخی، همایون، مبانی و اصول حقوقی بیمه، تهران مدرسه عالی بیمه، ۱۳۵۳ ش.
۴۳. مطهری، مرتضی، بررسی فقهی مساله بیمه، تهران، انتشارات صدرا، بی تا.
۴۴. مظاهری، عطاءالله، بیمه در اسلام، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.
۴۵. معصوم بالله، مهد، ترجمه: سید حسن روحانی، تکافل کاربردی و بیمه مدرن (قوانین و اصول کاربردی) تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹ ش، چاپ اول.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، استفتاءات جدید، قم، نشر مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام، ۱۳۸۳ ش، چاپ اول.
۴۷. موسوی بجنوردی سیدمحمد، مقالات فقهی حقوقی فلسفی واجتماعی، تهران، انتشارات عروج، بی تا
۴۸. موسوی بجنوردی، محمد، قواعد فقهیه، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، بی تا.
۴۹. نفیسی، میرزا علی اکبرخان، فرهنگ ناظم الاطباء، تهران، انتشارات خیام، ۱۳۵۵ ش.

۵۰. نقیبی سید ابوالقاسم، مبانی فقهی بیمه در حقوق اسلامی، قم، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۶ ش.

۵۱. وحید خراسانی، حسین، توضیح المسائل، قم، نشر مدرسه باقرالعلوم علیه السلام، بی تا.

۵۲. ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه اشخاص)، تهران، دفتر نشر داد، ۱۳۷۵ ش.

۵۳. هدایتی، علی اصغر، بیمه و نقش آن در تامین خسارات، تهران، شرکت سهامی بیمه ایران، ۱۳۳۵ ش.

ب) کتاب‌های عربی

۵۴. ابن ادریس حلّی، محمد بن منصور، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۱ ق، چاپ دوم.

۵۵. ابن عابدین، رد المختار علی الدر المختار، مطبعة الحلبي مصر، ۱۳۸۶ ق.

۵۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۳۰۰ ق.

۵۷. احمد ادریس، عوض الدیة بین العقوبة و التعویض، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷ ش، چاپ دوم.

۵۸. اصفهانی، محمد حسین، حاشیة کتاب المکاسب، قم، ذوی القربی، ۱۴۱۹ ق، چاپ اول.

۵۹. انصاری، شیخ مرتضی، کتاب المکاسب، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ ق، چاپ اول.

۶۰. حر عاملی، شیخ محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۶۱. حسینی روحانی، سید محمد صادق، المسائل المستحدثة، بیروت، دارالزهراء، ۱۳۹۳ م.

۶۲. حکیم، سید محمدسعید، منهاج الصالحین، بیروت، مؤسسه المنار، بی تا.
۶۳. الحلّی، الشیخ حسین، بحوث فقهیة، مؤسسة المنار، ۱۴۱۵ ق چاپ چهارم.
۶۴. خمینی، سید روح الله، تحریر الوسيلة، قم، انتشارات قدس محمدی، بی تا.
۶۵. خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، خویی، بی جا، بی نا، بی تا.
۶۶. خویی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم، نشر مدینه العلم، ۱۴۱۰ ق، چاپ بیست و هشتم.
۶۷. الدسوقی، السید محمد، التامین وموقف الشریعة منه، بی جا، بی نا بی تا.
۶۸. الزحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی وادلتہ، احسان، ۱۳۸۵ ق.
۶۹. السنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط فی شرح القانون المدنی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۲۰۰۹ م.
۷۰. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، العروة الوثقی، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق، چاپ دوم.
۷۱. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۷ ق، چاپ اول.
۷۲. عبده، عیسی، التامین الاصلیل والبديل، بی جا، بی نا بی تا.
۷۳. قمی، میرزا ابوالقاسم، جامع الشتات، تهران، مؤسسه کیهان، ۱۴۱۳ ق، چاپ اول.
۷۴. محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن، شرایع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق، چاپ دوم.
۷۵. نایینی، میرزا محمدحسین، منیة الطالب فی حاشیة المکاسب، نجفی خوانساری، شیخ موسی بن محمد، تهران، المکتبه المحمدیه، ۱۳۷۳ ق، چاپ اول.
۷۶. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، قوچانی، شیخ عباس، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۷ ش.

ج) مقالات

۷۷. «نظریه‌های خطر و تقصیر و مکانیسم های جبرانی بیمه»، صنعت حمل و نقلش ۱۲۱، ۱۳۷۲.
۷۸. بهره ور، ابوالقاسم، «مبحث حقوقی بیمه»، مجله کانون وکلا، ش ۵۴، ۱۳۳۶.
۷۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، «بیمه»، فصلنامه حق، ۱۳۶۵.
۸۰. جمعی از پژوهشگران، «بیمه اجتماعی راه حل اجتماعی»، صنعت حمل و نقل، مطالعات، ۱۳۹۴.
۸۱. جهانشاهی، محمد، «بیمه از نظر حقوق مدنی»، مجله کانون وکلا، ش ۴۲، ۱۳۴۲.
۸۲. حاجی زاده، امیرحسین، «بیمه از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی»، کنفرانس پژوهش در علوم و تکنولوژی، ۱۳۹۵.
۸۳. حسینی نژاد، حسین قلی، «عقد بیمه در حقوق و فقه»، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۷۴.
۸۴. حسینی نژاد، حسین قلی، «فرضیه خطا و خطر و رای هیات عمومی دیوان کشور»، نشریه دانشکده حقوق، ش ۱، ۱۳۶۴ ش.
۸۵. رحیمی بروجردی، علیرضا، «بیمه از دیدگاه اسلام»، انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶.
۸۶. شهیدی، مهدی، «مسئولیت حقوقی ناشی از تصادم وسایل نقلیه»، مجله کانون وکلا، ۱۳۶۸.
۸۷. صحرانورد، ابوذر، «سابقه بیمه و سیر تحول آن در ایران و اسلام»، روزنامه رسالت، ۱۳۸۵.
۸۸. طهماسبی، جواد، «گفتمان دامنه مسئولیت در قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۷۸»، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۸.
۸۹. عسگری، محمدرضا، «مسئولیت ناشی از فعل غیر»، مجله کانون وکلا، ۱۳۴۵.
۹۰. علی آبادی، ایرج، «استثنائات در قانون بیمه اجباری اتومبیل»، فصلنامه بیمه، ۱۳۶۷.

د) پایان نامه‌ها

۹۱. زمانی جباری افسانه، «بررسی تطبیقی فقهی-حقوقی قانون بیمه اجباری با رویکردی به دیدگاه حضرت امام خمینی ره»، پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
۹۲. فریار حسین، «قرارداد بیمه از دیدگاه فقه اسلامی»، پایان نامه دکتری رشته فقه و مبانی حقوق، ۱۳۵۵.
۹۳. محمدی، مریم، «بررسی فقهی حقوقی نهاد تکافل با عنایت به ایرادات فقهی وارد بر بیمه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، ۱۳۹۲.

و) سایت‌ها

۹۴. پایگاه اطلاع رسانی المكتبة الشاملة، www.shamela.ws.
۹۵. پایگاه اطلاع رسانی قوانین ومقررات کشور، www.dotic.ir.
۹۶. پایگاه اطلاع رسانی کتابخانه مدرسه فقاہت، www.lib.eshia.ir.
۹۷. پایگاه اطلاع رسانی مکتبه اهل البیت علیهم السلام، www.ablibrary.net.
۹۸. پایگاه مجلات تخصصی نور، www.noormags.ir.